

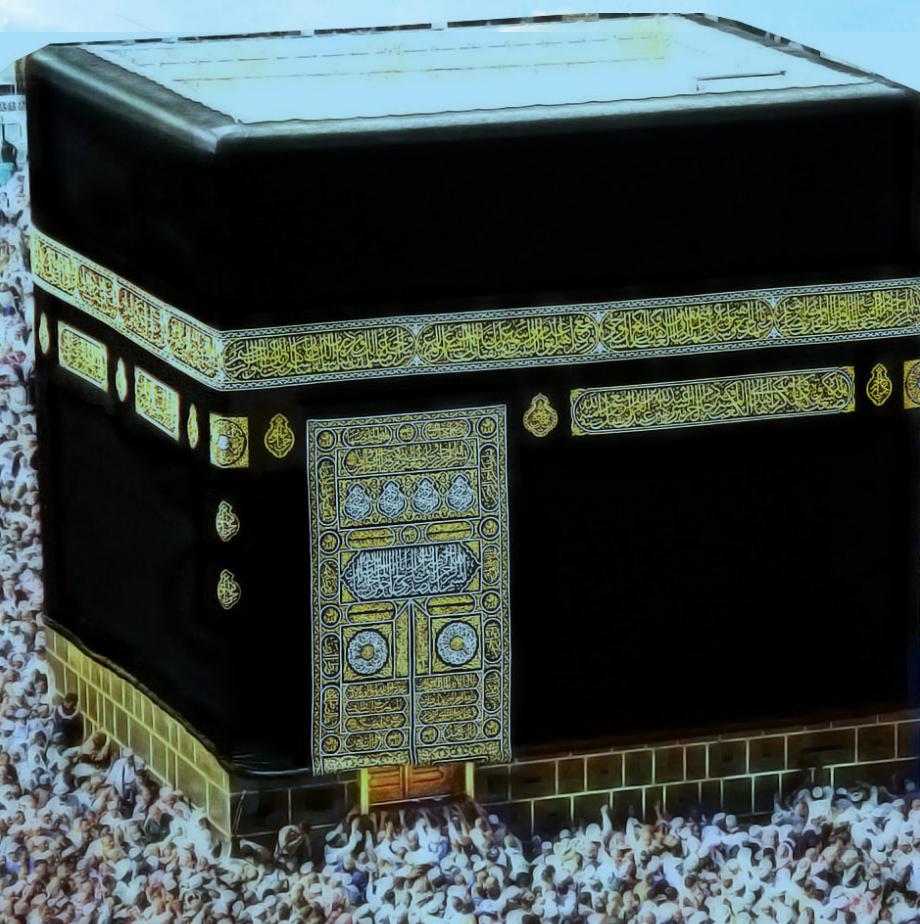


جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

عقاید

صنف هفتم

(برای مدارس دینی)



سال چاپ: ۱۳۹۸ ه. ش.

عقاید - صنف هفتم - برای مدارس دینی

کتب درسی مربوط وزارت معارف بوده، خرید و فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت معارف

ریاست عمومی اکشاف نصاب تعلیمی

عقاید

صنف هفتم (برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش.

مؤلفان

- رقیب الله ابراهیمی
- سید فاضل شاه سادات
- نعمت الله محمودی
- نور الله صافی

ایدیت علمی و مسلکی

- دکتور شیر علی طریفی
- دکتور عبدالصبور فخری

ایدیت زبانی

- سید محمود خلیق

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- پوهندوی دکتور فضل الہادی وزین
- محمد اصف کوچی

إشراف

- دکتور شیر علی طریفی رئیس پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



دا وطن افغانستان دی دا عزت د هر افغان دی

کورد سولې کورد تورې هر بچې یې قهرمان دی

دا وطن د ټولو کوردی د بلوخ و د ازبک و

د پښتون او هزاره وو د ترکمن و د تاجک و

ورسره عرب، گوجردی پامې ریان، نورستانیان

براھوی دی، قرباش دی هم ايماق، هم پشه يان

دا هيوا د به تل څليري لکه لمړ پرشنه آسمان

په سينه کې د آسيابه لکه زره وي جاویدان

نوم د حق مودی رهبر وايو الله اکبر وايو الله اکبر

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على نبيه ورسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعليمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعليمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه‌های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه‌های نصاب تعليمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می‌باشد، نصاب تعليمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعليمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان‌ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می‌دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنامندی سیستم تعليمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعليمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده‌اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می‌دهد که نصاب تعليمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت‌های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می‌باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقة درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه‌های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً

در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می‌باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می‌آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت ورسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین با تجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاش‌های قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفيق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

مقدمه

استادان گرامی و شاگردان عزیز!

دین مبارک اسلام به عنوان آخرین پیام الهی و کامل ترین نظام زندگی مشتمل است بر یک سلسله باورها و اعتقادات قلبی، سلوک و ارزش‌های اخلاقی و احکام و تکالیف عملی. علوم «عقاید»، «اخلاق» و «فقه» به ترتیب عهده دار بیان این بخش‌های سه گانه می‌باشد. و از آنجا که عقاید، شالوده و اساس سایر بخش‌ها را تشکیل می‌دهد و همه تعالیم دینی اعم از اخلاق، عبادات و احکام، از آن سرچشمه می‌گیرد، تصحیح و ترسیخ عقاید در رأس اولویت‌های بندگان قرار دارد.

عقیده است که در زندگی سبب اطمینان می‌شود، خوشبختی دنیا و آخرت را به بار می‌آورد، و سبب قبول شدن اخلاق و اعمال می‌گردد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكْرٍ أَوْ أُثْنَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيهِ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (التحل: ۹۷) ترجمه: کسی که اعمال نیک را انجام داد، مرد باشد و یا زن بشرطی که مؤمن باشد، ما او را در (دنیا) زندگی با سعادت و در (آخرت) پاداش بهتر از آنچه انجام داده عطا می‌کنیم.

بنا بر این خدای ناخواسته اگر عقیده کسی درست نباشد، در دنیا به بدبختی و مشکلات مواجه می‌شود، و در آخرت مستحق عذاب الهی می‌شود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَغْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَتَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه: ۱۲۴) ترجمه: کسی که از نصیحت ما (قرآن) روی برگرداند یقیناً (در دنیا) زندگی اش تنگ شود و در روز قیامت او را کور مبعوث کنیم.

از همین جهت بود که رسول اکرم ﷺ قسمت زیادی از دعوت خویش را به اصلاح عقیده اختصاص داد و قرآن کریم در دوره مکی که سیزده سال را در بر گرفت، توجه خود را بیشتر به اصلاح عقیده و تربیت اعتقادی و ایمانی مردم متمرکز نمود.

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ نیز جایگاه عقاید در میان مسلمانان همواره از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. و زمانی که حرکت تدوین و تألیف در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جوامع اسلامی، آغاز گردید، باز هم توجه دانشمندان مسلمان از همه بیشتر به بحثها و مسائل اعتقادی معطوف گردید. و مسلمانان از آن وقت تا امروز، نظر به مقتضای زمان بهترین وقوی ترین کتابها را در باره

بیان و دفاع از باورهای دینی به رشتۀ تحریر در آوردن و در اختیار تشنگان و جویندگان علم و دانش قرار دادند.

و از همین جهت بود که اداره انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان، گنجانیدن مضمون عقاید را در دورۀ متواترۀ مدارس دینی از جمله ضروریات تشخیص داد و برای هر کدام از صنوف هفتم و هشتم و نهم، اقدام به تألیف کتاب مستقل و جداگانه در این باب نمود. شایان ذکر است که تألیف کتابهای صنوف هفتم و هشتم به زبان پشتو و دری و کتاب صنف نهم به زبان عربی صورت گرفت. خداوند برای مؤلفین و مدرسین این کتب پاداش کامل نصیب فرموده دانش آموزان عزیز را از آن بهره مند نماید و منفعت آن را عام بگرداند.

و الله ولی التوفيق

فهرست

| | |
|--|------|
| عنوان | صفحه |
| علم عقاید | ۱ |
| ایمان به وجود الله تعالی | ۴ |
| وحدانیت الله تعالی | ۷ |
| توحید الوهیت | ۹ |
| توحید اسماء و صفات | ۱۳ |
| تعداد اسماء و اقسام صفت‌های الله تعالی | ۱۷ |
| صفات ذاتی الله تعالی (۱) | ۲۰ |
| صفات ذاتی الله تعالی (۲) | ۲۴ |
| کلام، صفت الله تعالی است | ۲۷ |
| ایمان به ملائکه | ۳۰ |
| کتاب‌های آسمانی | ۳۴ |
| وحی | ۳۸ |
| ایمان به انبیا و رسولان | ۴۱ |
| صفات انبیا و رسولان | ۴۶ |
| پیغمبران اولو العزم | ۵۱ |
| معجزه و کرامت | ۵۳ |
| استدراج و سحر | ۵۶ |
| قضا و قدر | ۵۹ |
| برزخ | ۶۲ |
| بعث و حشر | ۶۷ |
| شفاعت حضرت محمد ﷺ | ۷۰ |
| وزن کردن اعمال | ۷۳ |
| حوض | ۷۷ |
| صراط | ۸۰ |
| جنت | ۸۲ |

| | |
|-----|--------------------|
| ۸۵ | جہنم |
| ۸۹ | نواقض ایمان (۱) |
| ۹۲ | شرک اصغر |
| ۹۴ | نواقض ایمان (۲) |
| ۹۸ | کفر اصغر |
| ۱۰۰ | بدعوت |
| ۱۰۳ | مقام اصحاب پیامر ﷺ |

علم عقاید

احکام شرعی به صورت عموم به دو بخش تقسیم می‌شود: یکی احکام اعتقادی و دوم احکام عملی.

۱_ احکام اعتقادی: احکامی است که به عقیده ارتباط دارد و به آن احکام اصلی نیز گفته می‌شود، مانند باورداشتن به وجود و توحید الله ﷺ، نبوت و روز آخرت.

۲_ احکام عملی: عبارت از احکامی است که به اعمال ارتباط داشته و به آن احکام فرعی نیز گفته می‌شود؛ مانند: فرضیت نماز، حرام بودن زنا و امثال آن.

مسائلی که در نوع اول از آن بحث می‌شود، به آن علم توحید و صفات گفته می‌شود و مسائلی که در بخش دوم از آن بحث می‌شود، به آن علم شریعت و احکام گفته می‌شود؛ ما در این کتاب از نوع اول؛ یعنی از علم توحید و صفات بحث می‌کنیم.

تعریف عقاید

کلمه عقاید جمع عقیده است که در لغت به معنای بستن، محکم شدن و گره زدن می‌باشد.

و در اصطلاح شرع: عقیده، ایمان جازم (اقرار بر زبان و تصدیق آن به قلب) است، به الله تعالى و به صفات او، و به هر آن چیزی که نبی کریم ﷺ از آن خبر داده و آن به روایت صحیح نقل شده باشد.

توضیح تعریف

عقیده نام ایمان جازم است، که تصدیق به قلب و اقرار بر زبان است، به این که الله تعالیٰ حق است، و ایمان داشتن به هر آن چیزی است که برای الله تعالیٰ در الوهیت، ربوبیت، اسماء و صفات او تعالیٰ واجب است، و ایمان جازم است به ملائکه الله تعالیٰ، و به کتابهای الله تعالیٰ، و به رسولان الله تعالیٰ، و به روز قیامت، و به اندازه خیر و شر که از جانب الله تعالیٰ است، و هر آن چیزی که به نصوص صحیحه ثابت شده باشد که عبارت است از اصول دین و امور غیب، و تسليم شدن به احکام و اوامر الله تعالیٰ و تسليم شدن به اوامر رسول الله ﷺ (پیروی و اطاعت کردن آن حضرت ﷺ).

فعالیت:

عقیده داشتن به الله تعالیٰ چه معنی دارد؟

موضوع علم عقاید

موضوع علم عقاید اسلامی، اصول شش گانه ایمان است که عبارت اند از : ایمان به الله تعالی، ایمان به ملائک، ایمان به کتب آسمانی، ایمان به پیامبران الهی، ایمان به روز آخرت (به حساب، بهشت و دوزخ) و ایمان به تقدیر خیر و شر.

غرض علم عقاید

غرض از علم عقاید، رستگاری و نیک بختی انسان در دنیا و آخرت می باشد؛ زیرا کسی که به کتاب الله ﷺ و سنت پیامبر ﷺ ایمان داشته و به آن عمل کند هرگز در دنیا و آخرت ناکام نمی گردد.

به سبب یاد گرفتن این علم، عقیده انسان استوار می شود و حقایق را در باره خود، کائنات و خالق خود به نحوه درست می شناسد.

فعالیت: شاگردان راجع به تعریف، موضوع و غرض علم عقاید بحث نمایند.

نامهای علم عقاید:

علم عقاید به نامهای دیگری نیز یاد می شود؛ چون علم توحید، اصول دین، فقه اکبر و غیره.

ارزش علم عقاید

علم عقاید در میان علوم دیگر از جایگاه مهم برخوردار است؛ زیرا شرافت و برتری هر علمی وابسته به موضوع آن علم می باشد. موضوع علم عقاید همان گونه که قبل از توضیح داده شد عبارت از توحید الله ﷺ و بیان صفات او تعالی و نشانه های قدرت الهی، حقوق الله ﷺ بر بندۀ گان و مسائل غیبی است پس علم عقاید یکی از شریف ترین علوم می باشد.

علم عقاید از یک طرف ذریعه دلایل قطعی و سمعی (قرآن و حدیث) ثابت می گردد و از سوی دیگر اساس همه علوم شرعی را تشکیل می دهد. به عبارت دیگر میتوان گفت که عقاید اسلامی اساس و تهداب دین اسلام را تشکیل می دهد.

حکم علم عقاید

فراگیری علم عقاید فرض عینی و فرض کفایی می باشد.

۱- فرض عینی: به صورت اجمالی بر هر فرد مسلمان؛ مرد و زن فرض عین است، تا به هر آنچه پیامبر اکرم ﷺ خبر آن را از جانب الله تعالی آورده ایمان بیاورد؛ مانند: توحید، رسالت، بهشت، دوزخ، روز قیامت، فرضیت نماز، حج، روزه و چیزهای دیگر.

۲. فرض کفایی: فراگیری و آموزش دلایل علم عقاید به صورت تفصیلی و تخصصی، فرض کفایی است. به گونه مثال: فهمیدن و آگاهی از دلایلی که به صورت مشخص خبر از جنت، دوزخ، روز قیامت می‌دهند و فرضیت احکامی مانند روزه، حج و چیزهای دیگر را ثابت می‌سازند، فرض کفایی می‌باشد.

فعالیت: شاگردان در مورد فضیلت و حکم فraigیری علم عقاید باهم در چهار گروپ بحث نمایند و نتیجه را نماینده هر گروپ برای دیگران توضیح کند.



۱. عقیده را تعریف کنید.
۲. موضوع علم عقاید چیست؟
۳. غرض علم عقاید چه می‌باشد؟
۴. علم عقاید چه اهمیتی دارد؟ بیان کنید.
۵. حکم علم عقاید را بیان نمایید.



شاگردان در باره علم عقاید مقاله‌ای بنویسند که از شش سطر کمتر نباشد.

ایمان به وجود الله تعالیٰ

آیا جهان، آسمان‌ها و کائنات خود به خود پیدا شده اند یا ذاتی وجود دارد که همه جهان آفریده اوست و پدیده‌های هستی را که در آن هیچ ناهماهنگی و خلکی وجود ندارد منظم نگه میدارد؟

دلایل وجود الله تعالیٰ

دلایل نقلی (آیات قرآن کریم و احادیث شریف پیامبر) و عقلی زیادی وجود دارد که وجود الله تعالیٰ را ثابت می‌سازد. برخی از آن دلایل را در زیر به بحث می‌گیریم:

دلیل نقلی

در قرآن کریم دلایل زیادی برای اثبات وجود الله تعالیٰ ذکر شده است. چنانچه الله تعالیٰ می‌فرماید: ﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهٌ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافٌ الَّذِي لَيْلٌ وَالنَّهَارٌ وَالْفُلْكُ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ ذَابِثٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [آل‌بقرة: ۱۶۳-۱۶۴]

ترجمه: و خدای شما، خداوند یگانه، است؛ که غیر از او معبدی نیست! اوست بخشندۀ مهربان. بدون شک در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یک دیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌ها که در دریا به سود مردم در حرکت اند، و آنچه خداوند از آسمان آب نازل کرده که بدان زنده نموده زمین را پس از مرگ آن، و گسترده در آن انواع جنبنده گان را و (همچنین) در تعییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانه گی او) برای مردمی که عقل دارند.

صورت استدلال بر آیات فوق

آیات فوق به صراحة دلالت دارد که الله تعالیٰ معبد یگانه بوده و به صفت «رحمان و رحیم» ستایش شده است. این آیات برای اثبات وجود و یگانه گی الله تعالیٰ، دلایل زیادی را از راه فکر کردن در مخلوقات مختلف بیان کرده است.

این همه موجود جهان هستی که بر اساس نظم و قانون خاصی حرکت می‌کنند، حتماً یک پیدا کننده، نظام و هم آهنگ کننده ای دارند و در غیر آن، هر چیزی باید بی نظم می‌بود.

آیات بالا همانگونه که دلایل نقلی است دلایل عقلی هم محسوب گردیده و وجود خدای متعال را به اثبات می‌رساند.

فعالیت: شاگردان به شکل گروهی برای وجود الله تعالی دلایل نقلی دیگری نیز ذکر نمایند و نماینده گروه، دلایل ذکر شده را برای دیگران بیان کند.

دلایل عقلی وجود الله تعالی

دلایل عقلی زیادی بر وجود الله تعالی دلالت دارد. به صورت نمونه به مباحثه‌یی که میان امام ابوحنیفه رحمه اللہ علیہ و عده‌ای از افراد دهری (منکر وجود خداوند) راجع به وجود الله تعالی اتفاق افتاده است توجه کنید: مباحثه از این قرار است که چند شخص دهری که به وجود خدا باور نداشتند نزد امام ابوحنیفه رحمه اللہ علیہ آمده و راجع به وجود الله تعالی پرسش‌هایی کردند. (نیت آنان به شک انداختن امام بود). امام ابوحنیفه رحمه اللہ علیہ در جواب گفت: من به یک اتفاق عجیبی مشغول هستم. آنان پرسیدند: آن، چه اتفاقی است؟ ابوجنیفه رحمه اللہ علیہ به آنان گفت: شخصی برای من خبرداده که این جا یک کشتی یی است که راننده و تنظیم کننده‌ای ندارد، اما خود به خود در دریا حرکت می‌کند، خود در ساحل پهلو می‌گیرد و به خودی خود همه وسایل را به شهرهای دیگر منتقل می‌کند، و بدون دخالت کس دیگری کالا را تخلیه کرده و هرچیزی مانند خرما، لوازم شیشه یی و دیگر اجناس را به ترتیب در قطار جداگانه می‌گذارد. و اجناس درون این کشتی هرگز به هم مخلوط نمی‌گرددند.

آنها گفتند: آیا شما این خبر را پذیرفته اید؟ این چنین سخنی را جز دیوانه کس دیگری نمی‌پذیرد. روشن است که کشتی خود به خود این کارها را انجام داده نمی‌تواند. امام ابوحنیفه رحمه اللہ علیہ به آنها گفت: در حالی که این سخن را قابل پذیرش نمی‌دانید پس چگونه می‌توانید پذیرید که این جهان با این همه عظمت، تنوع، زیبایی و نظم، خود به خود و بدون داشتن یک آفریدگار حکیم، دانا و توانا به وجود آمده باشد؟

دلایل عقلی دیگری نیز وجود دارد که به وجود الله تعالی دلالت می‌کنند. زیرا هرچه آفریده الله تعالی است، همه دلیل به وجود الله تعالی می‌باشد؛ بگونه ای که اگر انسان به هریک از موجودات فکر کرده و باندیشد، به صورت حتمی خواهد گفت: **﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾** [آل عمران: ۱۹۱]

ترجمه: الها! این را بیهوده نیافریده بی! پاکی است ترا! ما را از عذاب آتش نگاه دار!

ذات الله تعالى قدیم است

ذات الله تعالى قدیم است، همیشه بوده و همیشه میباشد، وجودش نه ابتدا دارد و نه انتهاء. الله تعالى در این باره میفرماید: **هُوَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ** [الحید : ۳] ترجمه: «او اول و آخر است» یعنی الله تعالى اول است ابتداء ندارد، و آخر است انتهاء ندارد.

حکم ایمان داشتن به وجود الله تعالى

ایمان آوردن و باور داشتن به وجود الله تعالى و یقین کردن به آن، فرض قطعی و عینی است و هر آنکه منکر وجود الله تعالى گردد، از اسلام خارج گردیده و کافر شناخته میشود.

فعالیت: شاگردان راجع به وجود الله تعالى دلائل عقلی دیگر ذکر نمایند.



۱. آیا جهان خود به خود پیدا شده است؟

۲. یک دلیل نقلی برای اثبات وجود الله تعالى ذکر کنید.

۳. یک دلیل عقلی برای اثبات وجود الله تعالى بیاورید.

۴. حکم ایمان داشتن به وجود الله تعالى چیست؟



شاگردان راجع به وجود الله تعالى مقاله‌ای بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.

وحدانیت الله تعالی

آفریدگار همه مخلوقات تنها الله تعالی است. الله تعالی در ذات و صفات خود هیچ شریکی نداشته و به هیچ کسی محتاج نیست بلکه همه مخلوقات به حق تعالی محتاج اند. خداوند همه مخلوقات را آفریده و ذات پاکش قدیم می باشد.

تعريف توحيد

توحید در لغت به معنای یکی دانستن است. و در اصطلاح یکی دانستن الله تعالی را توحید می گویند.^(۱)

شرح تعريف

توحید الله تعالی این معنا را دارد که الله تعالی در ذات و صفات یکتا و یگانه است، و برای الله تعالی شریک و مانندی وجود ندارد.

اقسام توحيد

علماء در روشنی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی توحید را به سه گونه تقسیم کرده اند:

۱. توحید ربوبیت

۲. توحید الوهیت

۳. توحید اسماء و صفات

فعالیت: شاگردان راجع به توحید الله تعالی بایک دیگر مباحثه کنند.

توحید ربوبیت

توحید ربوبیت یعنی عقیده داشتن به این که فقط الله تعالی خالق، رازق، تدبیر کننده، عزت دهنده، ذلیل کننده و رساننده خیر و شر و متصرف فوق اسباب بر جمیع اشیاء می باشد. پس خداوند پاک خالق، مالک و مددگار است.

۱- شرح العقيدة الطحاوية- (۸/۱)

دلیل اثبات توحید ربویت

الله تعالی در قرآن کریم می فرماید: **﴿اللَّهُ خَالقُ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكَبِيلٌ﴾** [الزمر : ۶۲]

ترجمه: خدا آفریدگار هر چیزی است و اوست که از هر چیزی حفاظت می کند.

همچنان می فرماید: **﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَنَحَّدْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلُّ وَكَبِيرٌ﴾**. [الإسراء : ۱۱۱]

ترجمه: «و بگو ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.»

پس معنای توحید ربویت این است که باید تمام حواجح دنیوی و اخروی، تنها از الله تعالی خواسته شود و از گرفتن دیگر متصرفین و کمک کننده گان به صورت جدی اجتناب شود.

همچنان الله تعالی می فرماید: **﴿وَإِنْ يَمْسِنَكَ اللَّهُ بِصُرُّ فَلَا كَافِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسِنَكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾**. [الأنعام : ۱۷]

ترجمه: و اگر خدا به تو ضرری برساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست.

در جای دیگر می فرماید: **﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِ فِيَّنِي قَرِيبٌ أَجِبْ ذَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيْسَتْ حِبْيُوا لِي وَلَيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾**. [البقرة : ۱۸۶]

ترجمه: هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می کنم پس [آنان] باید به فرمان من گردن نهند و به من ایمان آورند، تا اینکه رهیاب شوند.

فعالیت: شاگردان در مورد توحید ربویت یک دلیل عقلی بیاورند.



۱. توحید را تعریف کنید.
۲. توحید به چند قسم است؟
۳. مراد از توحید ربویت چیست؟
۴. یک دلیل نقلی برای توحید ربویت ذکر کنید.

توحید الوهیت

آیا جز الله تعالیٰ کس دیگری مستحق پرستش است؟

بنده از چه کسی باید کمک بخواهد؟

سرعجنز به چه کسی باید فرود آورده شود؟

تعريف الوهیت

"إِلَهٌ" در لغت به معبد گفته می‌شود؛ الوهیت صفت الله تعالی است. معنای توحید الوهیت این است که تنها الله تعالی مستحق ولایق پرستش است و غیر از او تعالی هیچ کس و هیچ چیز دیگر استحقاق پرستش را ندارد.

شرح تعريف

مستحق عبادت تنها ذات الله تعالی است. یگانه ذاتی که باید در برابر او سر تعظیم فرود آورد، الله متعال می‌باشد. تنها دستور او را باید پذیرفت و آنچه را که او منع نموده است، نباید انجام داد. داشتن چنین باوری به الله تعالی همان توحید الوهیت می‌باشد. و این توحید، عبادت (یکتا پرستی) هم گفته شده است.

توحید الوهیت

توحید الوهیت یعنی باور داشتن بر این که تنها الله تعالی لایق عبادت است.

معنای عبادت: عبادت در شریعت به دو معنا آمده است:

۱. به معنای خاص: عبادت به معنای خاص عبارت است از نماز، روزه، زکات، حج، و امثال آنها. همچنان کارهایی که هدف از آن تنها بجا آوردن امر پروردگار باشد و به کارهای عادی روزمره تعلق نداشته باشد، در مفهوم عبادت داخل است.

۲. عبادت به معنای عام: عبادت به معنای عام به این گفته می‌شود که در تمام ابعاد زنده‌گی امر پروردگار قبول شود، خواه عبادت به معنای خاص باشد یا معاملات باشد و یا احکام زنده‌گی خانواده‌گی باشد و یا احکامی که به امنیت، سیاست، اقتصاد و غیره امور زنده‌گی تعلق دارد. یک انسان وقتی موحد کامل شمرده می‌شود که در تمام ابعاد زنده‌گی اطاعت الله را بکند، و تمام عادتها و نظریاتی را که با دین مبین اسلام در تضاد اند، رد کند.

دلایلی اثبات توحید الوهیت

دلایل اثبات توحید الوهیت در قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم ﷺ زیاد است، در اینجا بعضی از این دلایل را ذکر می‌کنیم:

دلایل از قرآن کریم: الله تعالی می‌فرماید: «الله لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» [البقرة : ٢٥٥] ترجمه: خداست که هیچ معبدی جز او نیست، و او زنده و بربار دارند است.

الله تعالی در آیت مبارک دیگری نیز می‌فرماید: «فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَّا هُوَ وَاحِدٌ» [الکهف: ١١٠] ترجمه: بگو: من فقط بشری هستم مثل شما (امتیازم این است که) به من وحی می‌آید که معبدتان معبد یگانه است.

و نیز الله تعالی در سوره اخلاص می‌فرماید: «فَإِنْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ [الإخلاص: ٢، ١] ترجمه: بگو: خداوند، یکتا و یگانه است، الله بی نیاز از همه است.

همچنان الله تعالی در آیت دیگری می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهٌ فِي الدِّينِ قُدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرُ بِالظَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعِرْوَةِ الْوُثْقَى» [البقرة : ٢٥٦]

ترجمه: در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است، پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین به دستاویزی استوار که آن را گستاخ نیست، چنگ زده است.

تعريف طاغوت: طاغوت به کسی گفته می‌شود که در مقابل الله تعالی پیروی او می‌شود. اگر انسان باشد و یا بت و یا چیز دیگری. در یک حدیث شریف آمده است که: «عَنْ مُصْعِبِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ، قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِي عُنْقِي صَلَبٌ مِّنْ ذَهَبٍ، فَقَالَ: يَا عَدِيُّ اطْرُحْ هَذَا الْوَئِنَّ مِنْ عُنْقِكَ، فَطَرَحَتْهُ، فَأَنْتَهِيْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْرَأُ سُورَةَ بَرَاءَةً، فَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: (اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ) [ص آیه ٣١] حَتَّى فَرَغَ مِنْهَا، فَقُلْتُ: إِنَّا لَسَنَا نَعْبُدُهُمْ، فَقَالَ: أَلَيْسَ يُحَرِّمُونَ مَا أَحَلَ اللَّهُ فَتُحَرِّمُونَهُ وَيُحَلُّونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ، فَتُسْتَحْلِلُونَهُ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، قَالَ: فَإِنَّكَ عَبَادُهُمْ»^(۱)

ترجمه: مصعب بن سعد از عدی بن حاتم روایت کرده است که گفت: نزد پیامبر ﷺ حاضر شدم در حالی که در گردنه صلیبی از طلا آویخته بود. پیامبر ﷺ گفت: این بت را از گردنه دور بیفگن. من آنرا دور افگندم. وقتی نزدیک پیامبر ﷺ رسیدم، آیاتی از سوره براءت را تلاوت می‌کرد، آیت

﴿اتَّخِذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ...﴾ را تلاوت نمود تا آنکه از آن فارغ گردید. من گفتم: ما آنها را پرسش نمی‌کنیم، فرمود: مگر آنچه را خداوند ﷺ حلال گردانیده، حرام نمی‌سازند و شما هم آن را حرام قرار می‌دهید، و آنچه را خداوند حرام گردانیده، حلال جلوه می‌دهند و شما هم آن را حلال می‌پنداشید؟ گفتم: آری، فرمود: همین کار به مثابهٔ پرسش آنها می‌باشد.

حدیث شریف: شمار زیادی از احادیث شریف به توحید الوهیت دلالت می‌کند که از آن میان حدیث جابر بن عبد الله –رضی الله تعالیٰ عنہما– را ذکر می‌کنیم: رسول الله ﷺ هنگام گفتن تلبیهٔ حج به صدای بلند گفتند: «لَبَيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَيْكَ، لَبَيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ، وَالنِّعْمَةُ لَكَ، وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ» ترجمه: به فرمانبرداری تو ایستاده ام. ای الله به هرآنچه تو بrama فرستاده بی به اطاعت از آن آماده ام. ای ذاتی که هیچ شریکی ترا نیست به اطاعت تو ایستاده ام. به یقین همه ستایش‌ها تنها شایسته توست و همه نعمت‌ها، خاص از جانب توست. پادشاهی خاص از آن توست و تراهیچ شریکی نیست.

همچنان جابر بن عبد الله ﷺ روایت می‌کند زمانی که رسول الله ﷺ بر تپهٔ صفا بلند می‌شدند روی به طرف کعبه می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَرَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَخْرَابَ وَحْدَهُ»^(۱) ترجمه: به جز الله هیچ معبدی شایسته پرسش نیست. یگانه است و شریکی ندارد. پادشاهی از آن اوست. سزاوار همه ستایش‌ها ست و برهمه چیز تواناست، جزالله یکتا هیچ معبدی نیست. وعده خود را به سر رسانید، (وعده فتح مکه و شکست کفار و غیره) بنده خود را کمک فرمود ولشکر کفر را به تنها‌ی خود شکست داد.

دلیل عقلی: هر انسانی که از عقل سليم برخوردار است و یقین دارد که الله تعالیٰ مخلوقات را آفریده است و سنجش و تدبیر همهٔ هستی کار اوست و نیز باور دارد که هیچ کسی قادر به آفرینش چیز اندکی هم نیست و نمی‌تواند سود و زیانی به کسی برساند، مناسب این است تا به این نیز اعتراف و اقرار کند که تنها ذاتی مستحق عبادت و شایستهٔ هرگونه پرستشی می‌باشد، همانا

حق تعالی است و بس. تنها الله تعالی باید پرستش شود و شکر و سپاس او به جا گردد و تنها الله متعال حق دارد که چیزهایی را برای بندگان حلال قرار دهد و چیزهایی را حرام گرداند.

فعالیت: شاگردان برای توحید الوهیت دلایل دیگری نیز بیاورند.

حکم توحید الوهیت

ایمان به توحید الوهیت (یکتا پرستی) فرض قطعی است و منکر آن کافرمی باشد.



۱. توحید الوهیت را تعریف کنید.

۲. توحید الوهیت چه رامی گویند؟

۳. دلایل توحید الوهیت را بیان نمایید.

۴. طاغوت را تعریف کنید.

۵. حکم توحید الوهیت چیست؟



شاگردان راجع به توحید الوهیت مقاله ای بنویسند که از شش سطر کم نباشد.

توحید اسماء و صفات

باور و ایمان به نام و صفات پروردگار و عقیده بر اینکه خداوند شبیه و مانند و همتا ندارد، توحید اسماء و صفات است.

الله تعالی دارای نام‌های نیک است. به طور اجمالی به نام‌های الله تعالی باور داشتن جزئی از عقیده اسلامی می‌باشد و کسی که به طور مفصل از نام‌های الله تعالی آگاهی یابد، الفاظ آن نامها را حفظ نماید و به معنایش علم حاصل کند، مستحق اجر بزرگ می‌گردد.

تعریف اسماء و صفات

اسماء جمع اسم است، و اسماء الله تعالی به آن الفاظ اطلاق می‌شود که در قرآن کریم و احادیث نبوی ذکر شده باشد و به ذات الله تعالی دلالت کند، مانند: رحمان، رحیم، غفور، ودود و مانند اینها.

صفات جمع صفت است و صفات خداوند آن معانی کامله است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن خود را وصف کرده باشد و رسول ﷺ آن را در احادیث خود بیان کرده باشد، مانند: علم، قدرت، اراده و مانند اینها.

اقسام اسماء الله ﷺ

نام‌های الله تعالی به دو گونه است:

نام‌های ذاتی: که تنها به ذات الله تعالی دلالت می‌کند. مانند "الله".

نام‌های صفتی: که به ذات و صفت الله تعالی دلالت می‌کند: مانند عالم، قدیر، رازق، و مانند این ها.

فرق بین نام‌های صفتی و صفات الله تعالی

نام‌های صفتی خداوند متعال با صفات الله تعالی در معنی و عدد فرق دارند:

۱. فرق آنها در معنی: مثیلیکه در بالا ذکر شد، نام‌های صفتی خداوند متعال به ذات و صفت او تعالی دلالت می‌کند؛ زیرا هر نام صفتی الله تعالی به ذات و به صفتی که قایم به ذات الله تعالی باشد، یکجا دلالت می‌کند، مثلاً: قادر به قدرت، علیم به علم، حکیم به حکمت، سميع به سمع، و بصیر به بصر دلالت می‌کند.

پس اسم صفتی به ذات و صفت هر دو دلالت می‌کند و صفت تنها به یک چیز دلالت می‌کند.

۲. فرق آن در عدد: صفات الله تعالى از اسماء او تعاليٰ بيشتر است؛ زيرا هر اسم صفتی يك صفت همراهی خود دارد و بعضی صفات به افعال تعلق دارد و افعال الله تعالى انتهاء ندارد، مثلاً: اخذ، (گرفتن) تسخیر، (مسخر کردن) امساك، (بند کردن) و بطش، (سخت برای جزا و عقاب گرفتن) و مانند اينها، زира اين افعال در قرآن کريم برای الله تعالى ثابت اند،^(۱) مگر ما نمي توانيم به اساس اين صفات، نامهای آخذ، مسخر، ممسک و باطش به الله تعالى ثابت کنيم، زира اسماء الله تعالى توقيفي اند و هيچکس نمي تواند از خود يك نام به الله تعالى بر گزيند.

دلایل ثبوت نامهای الله تعالیٰ (اسماء الله)

آيات زيادي از قرآن کريم واحاديث رسول الله ﷺ بر نامهای الله متعال دلالت بر اين دارد:
قرآن کريم

الله تعالیٰ در قرآن کريم می فرماید: **﴿وَلَلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيِّجُزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾** [الأعراف: ۱۸۰]

ترجمه: و برای خدا، نامهای نيك است، خدا را به آن (نامها) بخوانيد! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می کنند، رها سازید؛ بزودی جزای اعمالی را که انجام می دهند، خواهند دید.
الله تعالیٰ در آیت مبارک دیگری می فرماید: **﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيَا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾** [الإسراء: ۱۱۰] ترجمه: بگو: «الله» را بخوانيد يا «رحمان» راه، هر کدام را بخوانيد، برای او نامهای نيك است.

اين آيه کريمه اشاره به اين می کند که نامهای الله تعالیٰ ثابت است وهمه اين نامها به الله ﷺ که يكتا است، دلالت می کند.

حدیث شریف:

در حدیثی چنین آمده است: **أَنَّ الَّتِيْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوَلَّدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوا أَحَدٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَقَدْ سَأَلَ اللَّهُ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى وَإِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ»**^(۲)

ترجمه: پیامبر اكرم ﷺ از شخصی شنید که می گفت: يا الله من از تو سؤال می کنم، که الله

۱- الله تعالیٰ می فرماید: **﴿وَلَدَ أَخْدُنَا مِنْ أَنْجَنَّ﴾** (البقرة: ۶۳)، **﴿أَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُكَ تَجْرِي فِي السَّمَاءِ أَنَّ تَقْعِدَ عَلَى الْأَرْضِ﴾** (الحج: ۶۵)، **﴿يَوْمَ بَطَشَ الْيَطْشَةُ الْكُبِيرِ إِنَّ مُتَّقِمَوْنَ﴾** (الدخان: ۱۶).

۲- رواه احمد فى مسنده.

توبی، ذات یکتا، بینای از همه تو بی، ذاتی که نه او از کسی زاییده شده و نه کسی از او زاییده شده و هیچ کسی او را همتا نیست «بعد از شنیدن این سخن پیامبر اکرم ﷺ فرمود: یقیناً این شخص از الله متعال به اسم اعظم او طلب کرده است که هرگاه از الله متعال به آن نام چیزی خواسته شود، می‌بخشد و اگر دعایی صورت بگیرد، پذیرفته می‌شود.»

فعالیت ها: شاگردان برخی از آیاتی را که اسماء الله (نامهای الله متعال) در آنها آمده است بیان نمایند.

حکم ایمان داشتن به اسماء الله ﷺ

ایمان آوردن به همه نامهای الله تعالی که در قرآن کریم آمده و یا در احادیث صحیح ذکر گردیده فرض است.

روش اهل سنت و جماعت در باره اسماء و صفات خداوند

در این باره دو مطلب قابل یاد آوری است:

۱. اهل سنت و جماعت در اسماء و صفاتی که الله ﷺ برای ذات خود ثابت کرده و یا پیغمبر ﷺ به الله تعالی ثابت کرده، بدون هیچ گونه تعطیل، تحریف، تمثیل و کیفیت ایمان و باور دارند، به این معنی که آنها را معطل و بی معنی نمی‌دانند و معناها یشان را تحریف نمی‌کنند و مثالها برایش بیان نمی‌کنند، و در کیفیت آنها بحث نمی‌کنند، الله تعالی در این باره می‌فرماید: **﴿لَيْسَ كَمِثْلُهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾** [الشوری: ۱۱] ترجمه: چیزی مانند او نیست و اوست شنواز بینا.

در بخش اول این آیت تمثیل و تکییف و در بخش دوم آن تعطیل و تحریف نفی شده است.
۲. نامهای صفتی الله تعالی توقیفی یعنی به دلیلی نقلی ثابت می‌شود و هر آن الفاظی که در قرآن کریم و یا احادیث صحیح آمده، استعمال و اطلاق آن به الله تعالی جایز است و هر نامی که در قرآن کریم و یا احادیث صحیح نیامده، استعمال و اطلاق آن به الله تعالی جایز نیست و از طریق عقل نمی‌توانیم خود یک نامی به الله تعالی ایجاد کیم. اما علماء کرام ترجمة نامهای الله تعالی را برای فهم مردم جایز دانسته اند؛ مانند: ترجمة رب به خدا در زبان فارسی و خبیتن در زبان پشتو و امثال آن.

اطلاق نامهای صفتی به الله تعالی که در قرآن کریم و یا حدیث پیامبر ﷺ نیامده باشد، ناجایز است. الله تعالی می‌فرماید: **﴿فُلِّ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبُّ الْفُؤَادِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَإِلَّا مَا وَاعْبَغَ الْحَقُّ وَأَنْ شَرِكُوا بِاللهِ مَا لَمْ يُتَرَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾** [الأعراف: ۳۳]

ترجمه: «بگو: پروردگار من بدون شک زشتکاری‌ها را چه آشکار و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده، است و نیز اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر حقانیت آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.»

دانستن اسماء و صفات الله تعالی، بnde گان را در شناخت خداوند ﷺ کمک می‌کند و موجب زیاد شدن محبت خداوند ﷺ و تقوا در آنان می‌شود.

فعالیت: شاگردان راجع به اسماء الله ﷺ با هم مذاکره کنند.



۱. تعریف اسماء و صفات را بیان نمایید.
۲. اسماء الله تعالی به چند گونه است؟
۳. آیا در بین اسماء و صفات خداوند فرق وجود دارد؟
۴. دلایل اثبات اسماء را بیان کنید.
۵. حکم ایمان داشتن به اسماء الله را بیان نمایید.
۶. روش اهل سنت و جماعت را در باره اسماء الله تعالی بیان دارید.



شاگردان در کتابچه‌های خود ده آیتی را بنویسند که در آن‌ها برخی نام‌های الله تعالی ذکر گردیده است.

تعداد اسماء و اقسام صفت‌های الله تعالیٰ

در درس گذشته در باره تعریف اسماء و صفات خداوند تعالیٰ و دلایل اثبات آن چیزی آموختید، در این درس در باره تعداد اسماء و اقسام صفات الله تعالیٰ بحث می‌شود.

تعداد اسماء الله تعالیٰ

از اسماء الله تعالیٰ در قرآن کریم و احادیث نبوی یاد آوری شده است:

قرآن کریم: الله تعالیٰ می‌فرماید: «**هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالَمُ الْعَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمَهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» [الحشر : ۲۲ - ۲۴]

ترجمه: اوست خدایی که معبدی جز او نیست. دانای آشکار و نهان است و او رحمان و رحیم است. اوست خدایی که معبدی جز او نیست. حاکم و مالک اصلی اوست. پاک سلامت از هر عیب، امنیت بخش است. نگاهبان؛ قدرتمند شکست نا پذیر و شایسته عظمت است؛ خداوند منزه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. او خدایی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)؛ برای او نامهای نیک است؛ آنچه در آسمانها و زمین است. تسبيح او می‌گويند و او عزيز و حکيم است.

فعالیت: نامهای الله تعالیٰ را که در آیات فوق ذکر گردیده، در کتابجه های خود بنویسید.

حدیث شریف: در حدیث شریف آمده: عن أبي هريرة أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَسْعَهُ وَتَسْعِينَ اسْمًاً - مائةً إِلَّا وَاحِدًا - مِنْ أَحْصَاهَا دَخْلُ الْجَنَّةِ»^(۱) ترجمه: یقیناً برای الله تعالیٰ نود و نه نام است، یک کم صد، هر که این نامها را حفظ نماید، به جنت داخل می‌شود. واقعیت این است که اسماء الله تعالیٰ در این نود و نه اسم منحصر نیست، بلکه برای الله تعالیٰ بیشتر از این نود و نه اسم، نامهای دیگری هم وجود دارد.

در حدیث شریفی که عبد الله بن مسعود روایت کرده، چنین آمده است: «مَا قَالَ عَبْدُ اللَّهِ إِذَا أَصَابَهُمْ وَحْزَنُ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمْتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي

۱ متفق علیه، بخاری: شماره ۲۵۸۵، مسلم: شماره ۲۶۷۷

قَضَاوْكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِّيَتْ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتُهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَمْتُهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْتَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْفَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِيْ وَنُورَ صَدْرِيْ وَجَلَاءَ حَزْنِيْ وَذَهَابَ هَمَّيْ إِلَّا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَمَّهُ وَأَبْنَدَهُ مَكَانَ حُزْنِهِ فَرَحًا»^(۱)

ترجمه: «هر باری که بندۀ درگیر پریشانی و اندوهی گردد و بگوید: خدایا، من بندۀ تو و فرزند بندۀ تو و فرزند کنیز تو ام، همه اختیارم در دست توست. فیصله ات بر من جاری شدنی است، قضاوتن و داوری تو در حقم سراسر عدل است. تمام اسمایی که داری و بدان خود را مسمی گردانیده بی، یا در کتابت نازل کرده بی و یا به کسی از بندگان تعلیم نموده بی و یا آن را در علم غیبی خویش نگهداشته بی، همه آن را به پیشگاهت وسیله می گردانم که قرآن را وسیله تازه‌گی دلم، نور سینه ام، دور کننده اندوهم و نابودکننده پریشانی ام بگردان. در این حال خداوند ﷺ پریشانی اش را زایل ساخته، اندوهش را به خورسندي مبدل می سازد» از فرموده رسول الله ﷺ ظاهر می گردد که خداوند متعال نامهای دیگری هم دارد که بغیر از الله تعالی هیچ کس دیگری به آن علم ندارد.

فایده های ایمان داشتن به اسماء و صفات الله تعالی

۱. معرفت الله تعالی: کسی که به اسماء و صفات الله تعالی معرفت داشته باشد در باره الله معرفت او زیادتر شده ایمان او به الله تعالی راسخ و عقیده توحید در وجود وی استوار تر می گردد.
 ۲. ذکر خداوند متعال به نامهایش یکی از بهترین اقسام ذکر است، خداوند متعال می فرماید: ﴿إِيَّاهُ الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ دُكْرًا كَثِيرًا﴾ [الاحزاب: ۴۱] ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را زیاد یاد کنید.
 ۳. به وسیله اسماء از خداوند متعال چیزی خواستن، الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰] ترجمه: و نامهای نیکو به خدا اختصاص دارند، پس او را با آنها بخوانید.
 ۴. کامیابی و سعادت دنیا و آخرت.
- ### اقسام صفات الله تعالی
- صفات الله تعالی دو گونه است؛ صفات ذاتی و صفات فعلی.

۱. صفات ذاتی: آن دسته از صفاتی را که الله تعالی بر ضد آن توصیف نشود، صفات ذاتی می‌گویند. این گونه از صفات، صفات لازمی الله تعالی شمرده شده و هرگز از ایزد تعالی جدا نمی‌گردد. صفات ذاتی الله تعالی عبارت اند از قدرت، اراده، سمع، بصر، علم، حیات، کلام.

۲. صفات فعلی: صفات فعلی الله تعالی به صفاتی گفته می‌شود که الله تعالی بر ضد و مقابل آن نیز توصیف شود؛ مانند: رحمت که ضد آن غضب است و الله تعالی به هر دو توصیف می‌شود. صفات فعلی الله تعالی زیاد است و ما به طور نمونه چند صفت را ذکر می‌کنیم: تخلیق (آفریدن) ترزیق (روزی دادن) احیاء (زنده نمودن) و غیره.

فعالیت: شاگردان فرق میان صفات ذاتی و فعلی را بیان کنند.



۱. تعداد اسماء الله تعالی چند است؟

۲. در باره اسماء الله تعالی آیاتی را از قرآن کریم بیان دارید.

۳. در باره اسماء الله تعالی یک حدیث نبوی را ذکر نمایید.

۴. فایده های ایمان داشتن به اسماء و صفات الله تعالی را ذکر نمایید.

۵. صفات خداوند متعال چند گونه است؟

۶. صفات فعلی خداوند متعال را تعریف نمایید.

۷. برای صفات فعلی خداوند متعال چند مثال بیان کنید.



شاگردان در رابطه به اسم‌ها و صفت‌های الله متعال مقاله‌ای بنویسند که از یک صفحه کمتر نباشد.

صفات ذاتی الله تعالیٰ (۱)

قدرت و اراده

قدرت و اراده از کدام صفات الله تعالیٰ است؟ آیا الله تعالیٰ به صفتی که ضد قدرت و اراده باشد صفت می‌شود؟

تعریف قدرت

قدرت در لغت عبارت از همان صفتی است که به واسطه آن هر موجود زنده می‌تواند موافق اراده خود کاری را انجام دهد و یا ترک کند.^(۱)

قدرت، صفت ذاتی الله تعالیٰ است. الله تعالیٰ به همه چیز به واسطه صفت ازلی و ابدی خود که قدرت می‌باشد توانایی داشته و صفت مذکور برای حق تعالیٰ صفت حادث (جدید) نمی‌باشد. همچنان الله تعالیٰ به ضد وی که عجز (ناتوانی) است، وصف نمی‌شود.

دلایل اثبات صفت قدرت

صفت قدرت برای الله تعالیٰ به دلایل نقلی و عقلی ثابت است.

قرآن کریم می‌فرماید: **﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾** [البقرة: ۱۰۹] ترجمه: یقیناً الله تعالیٰ به همه چیز تواناست.

درآیت مبارک دیگری نیز می‌فرماید: **﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾** [فاطر: ۴۴] ترجمه: هیچ چیزی عاجز کننده الله تعالیٰ نیست، نه درآسمان‌ها و نه درزمین. به یقین الله متعال به همه چیز دانا و تواناست.

حکم ایمان داشتن به قدرت الله تعالیٰ
ایمان داشتن به صفت قدرت الله تعالیٰ واجب است.

فعالیت: شاگردان راجع به صفت قدرت الله تعالیٰ با همدیگر مباحثه نمایند.

تعريف اراده

پس از سنجش هدف، اقدام به کاری و یا ترک کردن آن مانند: نفع و فایده و یا لذت و ضرر، را از نظر لنوی اراده می‌گویند.^(۱)

اراده صفت ذاتی الله تعالی است. هیچ چیزی بدون اراده الله تعالی آفریده نمی‌شود. هر چیز کوچک و یا بزرگ، نیکی و یا بدی، سود و یا زیان و چیزهای دیگری به اراده الله تعالی به میان می‌آید. هیچ چیزی در هستی، بدون اراده الله تعالی حرکتی انجام داده نمی‌تواند. واضح است که الله تعالی به ضد صفت اراده که "مجبور بودن" است، موصوف نمی‌شود.

دلایل اثبات اراده

صفت اراده به نقل و عقل برای الله تعالی به دلایل ذیل ثابت می‌باشد.

دلیل نقلی: الله تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: **﴿فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ﴾** [البروج: ۱۶] ترجمه: الله تعالی خوب انجام دهنده چیزی است که اراده کند.

در آیه مبارک دیگری می‌خوانیم: **﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾** [البقرة: ۱۸۵]

ترجمه: خداوند، آسانی را برای شما اراده می‌کند و اراده نمی‌کند برای شما سختی را!

در آیت دیگری می‌فرماید: **﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾** [یس: ۸۲]

ترجمه: فرمان او چنان است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن چیز موجود می‌شود.

دلیل عقلی: اگر الله تعالی دارای اراده نباشد، باید زیر اراده کس دیگری برود؛ زیر اراده بودن غیر، یک نقص و کاستی است، البته الله تعالی از همه نقص و کاستی‌ها پاک و مبرا می‌باشد. به همین ترتیب اگر الله تعالی زیر اراده و خواست دیگری باشد، صفت قدرت به اوتعالی ثابت شده نمی‌تواند؛ بناءً قدرت به چیزی تعلق می‌گیرد که اراده به آن تعلق دارد. لذا ثابت می‌شود که الله تعالی دارای صفت اراده است و اراده صفت ازلی او تعالی می‌باشد.

۱- الفروق المغربية (۳۵/۱)

حکم ایمان داشتن به صفت اراده الله تعالی

ایمان آوردن به صفت اراده الله تعالی فرض است.

اقسام اراده

از دیدگاه علمای اهل سنت و جماعت اراده به دو گونه شناخته شده است:

اول: اراده تکوینی و خلقی.

دوم: اراده دینی و شرعی.

۱. اراده تکوینی: این نوع اراده مرادف با "مشیت" می‌باشد. و آن شامل همه مخلوقات بوده و هر چیزی که از نیستی به هستی قدم می‌گذارد، به اراده الله تعالی انجام می‌باید. این نوع اراده از این قول الله تعالی ثابت می‌شود که می‌فرماید: **﴿فَمَنْ يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يَهْبِطِهِ يَسْرُحُ صَدْرُهُ لِلإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدُ أَنْ يُضْلِلَهُ يَجْعَلُ صَدْرُهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾** [الأنعام: ۱۲۵]. ترجمه: آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه او را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد و آن کس را که به (خاطر اعمال خلافش) بخواهد گمراہ سازد، سینه اش را آنچنان تنگ می‌کند، که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود.

در آیه دیگری الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُبَيِّدُ﴾** [البقرة: ۲۵۳] ترجمه: لیکن الله تعالی، انجام می‌دهد آنچه را اراده کند.

۲. اراده شرعی و دینی: این گونه اراده، متنضم محبت و رضایت نیز می‌باشد. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: **﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾** [البقرة: ۱۸۵] ترجمه: خداوند، آسانی را برای شما اراده می‌کند و اراده نمی‌کند برای شما سختی را!

همین گونه الله تعالی می فرماید: **﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرْجٍ وَلَكُنْ يُرِيدُ لِيُظَهِّرُكُمْ وَلِتُبَشِّرَنَّ بِنِعْمَةَ اللَّهِ أَعْلَمُكُمْ تَسْكُنُونَ﴾** [المائدہ: ۶] ترجمه: «خداوند نمی خواهد شما را در مشکلی قرار بدهد، بلکه می خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید».

فعالیت: شاگردان راجع به اقسام اراده با هم بحث کنند.



۱. قدرت به چه چیزی اطلاق می شود؟
۲. دلایل اثبات قدرت خداوند ﷺ را ذکر کنید.
۳. حکم ایمان آوردن به صفت قدرت خداوند متعال چیست؟
۴. اراده چه رامی گویند؟
۵. دلایل اثبات اراده را ذکر کنید.
۶. حکم ایمان به صفت اراده را بیان دارید.
۷. اراده الله تعالی به چند قسم است؟ بیان کنید.



شاگردان راجع به دو صفت الله تعالی (قدرت و اراده) مقاله‌ای بنویسند که از شش سطر کم نباشد.

صفات ذاتی الله تعالی (۲)

سمع، بصر، علم و حیات

آیا شما می‌دانید که سمع، بصر، علم و حیات صفات‌های الله تعالی است؟
سمع، بصر، علم و حیات از کدام قسم صفات‌های الله تعالی بشمار می‌رود؟
آیا الله تعالی به ضد این صفات نیز موصوف شده می‌تواند؟
جواب این پرسشها را درین درس می‌خوانیم.

سمع

تعريف سمع: سمع در لغت عبارت از قوتی است که ذریعه آن همه صداها شنیده می‌شود؛ اما این جا مراد از سمع، آن صفت ذاتی است که الله متعال آنرا در قرآن کریم برای خود ثابت نموده و ما از چگونه‌گی آن هیچ نمی‌دانیم.
الله تعالی همه آواز‌ها، حروف و کلمات را به همان صفت ازلی خود می‌شنود. هیچ آواز خفیفی از دائرة شنیدن الله تعالی خارج نیست. الله تعالی به ضد این صفت که نا شنوایی (کر بودن) است موصوف نمی‌گردد.

بصر

تعريف بصر: بصر در انسان عبارت از حس بینایی است که در چشم وجود دارد و به واسطه آن شکلها، رنگ‌ها، روشنایی، تاریکی و چیزهای دیگری دیده می‌شود. اما، این جا مراد از بصر صفت ازلی الله تعالی می‌باشد که الله متعال آن را در قرآن کریم به خود ثابت ساخته و ما از کیفیت آن چیزی نمی‌دانیم.

بصر صفت ذاتی الله تعالی است. الله تعالی همه شکل‌ها و رنگ‌ها را به صفت ازلی خود که در ازل برای او جل جلاله ثابت است، می‌بیند که ما از چگونگی آن هیچ چیزی نمی‌دانیم. از دید الله تعالی کوچک ترین چیزی نمی‌تواند پنهان بماند. الله تعالی به ضد بصر که نابینایی است، صفت نمی‌شود.

دلایل اثبات سمع و بصر: الله تعالی در قرآن کریم می فرماید: **﴿إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾** [الحج: ٧٥] ترجمه: یقیناً الله تعالی شنوا و بینا است.

در آیت دیگری می فرماید: **﴿يَئِسَ كَمِيلٌ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾** [الشوری: ١١] ترجمه: مانند الله تعالی چیزی نیست و او شنوا و بینا است.

علم

تعریف علم: علم به دانشی گفته می شود که مطابق واقعیت باشد.

علم صفت ذاتی الله تعالی است. الله تعالی به همه هستی داناست و هیچ چیزی، حتی کوچک ترین موجودی نمی تواند از علم الله تعالی پنهان بماند. الله تعالی بر همه کاینات به علمی که در ازل صفت اوست، دانا می باشد. الله تعالی به خد این صفت که جهل است، موصوف نمی گردد.

دلایل اثبات صفت علم: الله تعالی در قرآن کریم فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾** [لقمان: ٢٣]

ترجمه: الله تعالی یقیناً به چیزهای که در سینه‌ها پنهان است، داناست. در آیت دیگری فرموده است: **﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْعِيْنِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾** [الأنعام: ٥٩]

ترجمه: و نزد او کلیدهای غیب است که جز او هیچ کسی آن را نمی داند، و می داند آنچه را در خشکی و دریاست و هیچ برگی فرو نمی ریزد، مگر الله تعالی آن رامی داند و نه دانه ای در تاریکی‌های زمین و نه خشکی و تری، مگر که در کتاب آشکارا است.

حیات

تعریف حیات: حیات ضد مرگ است. حیات صفت ذاتی الله تعالی است. الله تعالی به همان صفت ازلی حیات (زنده) متصف است و به خد این صفت که مرگ است، موصوف نمی گردد.

دلایل اثبات حیات: الله تعالی در قرآن کریم فرموده است: **﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾**

[البقرة: ٢٥٥]

ترجمه: به جزالله هیچ معبدی شایسته عبادت نیست، ذاتی که زنده واستوارکننده همه کارهاست.

همین گونه در آیت دیگری می‌فرماید: **﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهٌ إِلَّا هُوَ فَإِذْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّين﴾** [غافر: ۶۵] ترجمه: زنده واقعی اوست؛ معبدی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اید.

ایمان داشتن به صفت‌های یاد شده

ایمان آوردن به صفت‌های سمع، بصر، علم و حیات الله تعالی، واجب است.

فعالیت: شاگردان راجع به صفات ذاتی الله تعالی به صورت دسته جمعی مباحثه نمایند.



۱. سمع، بصر علم و حیات را تعریف نمایید.
۲. دلایل سمع، بصر، علم و حیات را بیان کنید.
۳. حکم ایمان داشتن به صفت‌های سمع، بصر، علم و حیات را توضیح دهید.
۴. سمع، بصر علم و حیات از کدام نوع صفات الله تعالی می‌باشند؟
۵. آیا الله تعالی به ضد صفت‌های یاد شده موصوف می‌گردد؟



شاگردان راجع به صفت‌های چهارگانه که درین درس توضیح گردید، مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.

کلام، صفت الله تعالی است

آیا شما می دانید که " کلام " صفت الله تعالی است؟

کلام از کدام نوع صفات الله تعالی است؟

آیا الله تعالی به ضد صفت کلام موصوف می گردد؟

جواب این پرسشها را در این درس با هم می خوانیم:

تعریف کلام

کلام به سخنی گفته می شود که مرکب از حروف و اصوات باشد، اما این جا مراد از کلام، صفت ذاتی الله تعالی می باشد که از قدیم برای وی ثابت است. کیفیت و چگونگی آن را ما نمی دانیم و این صفت را کلام نفسی نیز گویند.

شرح تعریف

کلام صفت قایم به الله تعالی است که خداوند جل جلاله به ضد آن که گنگی است موصوف نمی شود.

دلایل اثبات صفت کلام

الله تعالی در قرآن کریم فرموده است: **﴿وَكَلَمُ اللَّهِ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾** [النساء: ١٦٤] ترجمه: و الله تعالی با موسی سخن گفت به سخن گفتنی.

همین گونه الله تعالی در آیت مبارک دیگری می فرماید: **﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَ اللَّهَ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرِسِّلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ﴾** [الشوری: ٥١] ترجمه: وهیچ انسانی نیست که الله با او سخن گفته باشد، مگر به طریقه وحی، یا از پشت پرده و یا پیامبری (فرشته) را فرستاده باشد که به اذن حق تعالی وحی کند آنچه را که خواسته باشد و یقیناً ایزد تعالی دانا و با حکمت است.

ایمان داشتن به صفت کلام

ایمان داشتن به صفت کلام الله تعالی فرض است.

قرآن کریم کلام، الله تعالی است

قرآن کریم کلام الله تعالی می باشد که برای رهنمایی بندۀ گان نازل شده است. قرآن کریم آخرین کتاب از کتابهای آسمانی است و پس از این کتاب تاروز قیامت هیچ کتابی نازل نمی گردد.

تعريف قرآن کریم

قرآن در لغت: کلمه قرآن، مصدر است و به معنای یک جا کردن و تلاوت نمودن می‌باشد.
چنانچه الله تعالی می‌فرماید: **﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَفَرَآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبَعْنَاهُ﴾** [القيامة: ۱۷-۱۸] ترجمه: بدون شک، جمع نمودن و خواندن آن بر عهده ماست، پس وقتیکه آن را خواندیم، تو نیز خواندن آن را پیروی نما.

قرآن در اصطلاح: قرآن کریم کلام الله تعالی است، بر حضرت محمد ﷺ به زبان عربی نازل شده، در صحیفه‌ها نوشته شده و برای ما به تواتر و بدون شبیه نقل گردیده، و تلاوت آن عبادت است و یک صد و چهارده سوره دارد.

حکم ایمان داشتن به قرآن کریم

یقین و باور داشتن به این که قرآن کریم کلام الله تعالی بوده و قایم به ذات حق تعالی می‌باشد، واجب است. کسی که از قدیم بودن قرآن کریم منکر شود، کافر می‌گردد.

نام‌های قرآن کریم

قرآن کریم به نام‌های زیادی یاد می‌شود که شماری از آن نامها در ذیل بیان می‌گردد:

قرآن: الله تعالی می‌فرماید: **﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾** [البقرة: ۱۸۵] ترجمه: رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل گردیده است.

الكتاب: الله تعالی می‌فرماید: **﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رِبْ بِهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾** [البقرة: ۱]

ترجمه: این همان کتابی است که هیچ شکی در آن نیست. رهنما برای پرهیزگاران است.

الحکیم: الله تعالی می‌فرماید: **﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾** [يونس: ۱]

ترجمه: این نشانه‌های کتاب با حکمت است.

نور: الله تعالی فرموده است: **﴿وَأَنَزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾** [النساء: ۱۷۴] ترجمه: و به سوی شما نوری آشکارا نازل کردیم.

الفرقان: الله تعالى می فرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾

[الفرقان ۱ آیت] **ترجمه:** با برکت است آن ذاتی که به بنده خود (حضرت پیامبر ﷺ) فرقان فرستاد تا برای عالمیان بیم دهنده باشد.

الروح: الله تعالى می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا﴾ [الشوری: ۵۲] **ترجمه:** و همین گونه به تو از جانب خود روحی را وحی کردیم.

فعالیت ها: شاگردان نامهای دیگر قرآن کریم را ذکر کنند.



۱. کلام الله تعالى را تعریف نمایید.
۲. دلایل اثبات صفت کلام را ذکر کنید.
۳. حکم ایمان به صفت کلام را بیان نمایید.
۴. قرآن کریم را تعریف کنید.
۵. حکم ایمان به قرآن کریم را بیان نمایید.
۶. نامهای قرآن کریم را با دلایل آن بیان کنید.



در مورد قرآن کریم مقاله ای بنویسید که از یک صفحه کمتر نباشد.

ایمان به ملائکه

در درس‌های گذشته در باره ایمان به وجود الله ﷺ و حدایت، اسماء و صفات او تعالی معلومات

کافی به دست آورده‌یم، در این درس در زمینه ایمان به ملائکه یا فرشته‌ها بحث خواهیم کرد:

تعریف ملائکه: ملائکه جمع ملک، در لغت نماینده را گویند و در اصطلاح علم عقاید عبارت

اند از مخلوقات نورانی و لطیف الله ﷺ که از اوامر او هرگز سرپیچی نمی‌کنند.

شرح تعریف

ملائکه از جمله مخلوقات برتر خداوند هستند و از نور پیدا شده اند و از هر نوع گناهان معصوم اند و به هیچ صورت از اوامر الهی سرپیچی نمی‌کنند؛ نسبت مرد بودن یا زن بودن، به آنها داده نمی‌شود و می‌توانند خود را به اشکال مختلف در بیاورند و جای بود و باش شان آسمانهای است. از شهوت و خواهش‌های نفسانی پاک اند، خورد و نوش ندارند و نمی‌خوابند.

دلایل اثبات وجود ملائکه

وجود و خلقت ملائکه از آیات قرآن و احادیث نبوی ثابت است:

۱. قرآن کریم: الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأَنْشَى» [النجم: ۲۷]

ترجمه: «کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختران (خدا) نامگذاری می‌کنند» و نیز فرموده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلُ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولَئِكَةٌ مُّنْتَهٰى وَثُلَاثَ وَرَبَاعَ يَرِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [الفاطر: ۱]

ترجمه: «سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشته گان را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند، پیامآورنده قرار داده است. در آفرینش هر چه بخواهد، می‌افراشد زیرا خدا بر هر چیزی توانست»

و فرموده است: «يُسَرِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» [النحل: ۲]

ترجمه: «فرشته گان را با روح به فرمان خود بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند»

۲. حدیث شریف

از پیامبر اکرم ﷺ احادیث زیادی در بارهٔ فرشته گان روایت شده است که یکی را بیان می‌کنیم:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ «يَتَعَاقَبُونَ فِي كُمْ مَلَائِكَةً بِاللَّيْلِ وَمَلَائِكَةً بِالنَّهَارِ وَيَجْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الْعَصْرِ ثُمَّ يَغْرُزُ الَّذِينَ بَاتُوا فِي كُمْ فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ كَيْفَ تَرَكُوكُمْ عِبَادِي فَيَقُولُونَ تَرَكْنَا هُمْ وَهُمْ يُصْلُونَ وَأَتَيْنَا هُمْ وَهُمْ يُصْلُونَ». (۱)

ترجمه: «از ابی هریره روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: یکی پی دیگر می‌آیند در بین شما ملائکه در شب و ملائکه در روز پیوسته (کرام الکتابین) و ایشان در نماز صبح و نماز عصر جمع می‌شوند، پس بالا می‌روند آنانیکه شب را در بین شما سپری کردند و از آن‌ها پروردگار شان سؤال می‌کنند، - در حالی که او تعالیٰ عالم تراست نسبت به ایشان - به کدام حالت بندۀ گانم ما را ترک کردید؟ می‌گویند: ایشان را در حالیکه نماز می‌خوانند ترک کردیم و نیز در حالیکه نماز می‌خوانند نزد ایشان رفته بودیم»

حکم ایمان داشتن به فرشتگان

ایمان آوردن به فرشتگان و یقین داشتن به موجودیت شان فرض است، و منکر آن، از دایرهٔ اسلام خارج می‌شود.

ملائکه از همه گناهان معصوم اند

آیات زیادی در قرآن کریم بر عصمت فرشتگان دلالت می‌کنند، از جمله الله ﷺ می‌فرماید:

﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ﴾ [تحریم: ۶]

ترجمه: «از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که به آن امر شده اند انجام می‌دهند»

و نیز می‌فرماید: **﴿يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتَرُونَ﴾** [انبیاء: ۲۰]

ترجمه: «شبانه و روز بی‌آنکه سستی ورزند، نیایش می‌کنند»

صفات فرشتگان

در قرآن و حدیث بسیاری از صفات فرشته گان ذکر شده که برخی از آنها چنین است:

۱. فرشته‌ها از نور آفریده شده اند.

۲. فرشته‌ها به چشم دیده نمی‌شوند، اما اگر آنها بخواهند خود را به کسی نشان بدنهند، در این صورت دیدن شان ممکن است.

۱ - متفق عليه.

۳. فرشتگان می‌توانند خود را به اشکال خوب و گوناگون مشکل بسازند.
۴. خداوند در رساندن وحی به پیامبران و دیگر کارهای مهم و با ارزش، ملائکه را توظیف کرده است.
۵. ملائکه بدون کدام مشکل می‌توانند بین آسمانها و زمین رفت و آمد کنند.
۶. برخی از فرشته‌ها دو، برخی سه، برخی چهار و برخی بیش از این بال دارند.
۷. ملائکه بیش از انسانها آفریده شده اند.
۸. ملائکه با آنکه معصوم اند و همیشه عبادت الله ﷺ را می‌کنند، اما باز هم از الله ﷺ بسیار می‌ترسند.
۹. ملائکه به خداوند بسیار نزدیک و مقرب اند.
۱۰. ملائکه کارهای خارق العاده را انجام داده می‌توانند.

وظایف فرشتگان

- خداوند متعال کارهای بسیار بزرگی را به فرشتگان سپرده و این توان را به آنان داده است که وظایف شان را به خوبی انجام دهند. برخی از وظایف ملائکه از این قرار است:
۱. جبرئیل ﷺ مکلف است تا به پیامبران وحی برساند. او برترین همهٔ فرشته گان بوده و در نزد خداوند ﷺ بسیار معزز است و به نام «روح الامین» هم یاد می‌شود.
۲. میکائیل ﷺ که از باریدن باران و رویانیدن گیاهان و نباتات و دیگر حوادث طبیعی مراقبت می‌کند و او هم جایگاه بلندی در پیشگاه خداوند ﷺ دارد، چون در کنار جبرئیل ذکر شده است.
۳. اسرافیل ﷺ وظیفه دمیدن صور را برای برپایی قیامت به عهده دارد.
۴. به ملک الموت (عزراطیل) و همراهانش وظیفه داده شده تا ارواح بندگان را قبض کنند.
۵. کراماً کاتبین هم اعمال انسانها را می‌نویسند.
۶. نکیر و منکر در قبر از مرده سؤال می‌کنند.

فواید ایمان به فرشتگان

۱. انسان به عظمت خداوند ﷺ پی می‌برد.
۲. بی نیازی خداوند ﷺ را از مخلوقات نشان می‌دهد. (اگر ما از عبادت خدا سرباز نیم خداوند ﷺ مخلوقات دیگری دارد که او را عبادت می‌کنند و او تعالی از همه بی نیاز است)
۳. آگاه شدن از محبتی که خداوند ﷺ با مؤمنان دارد، این سبب می‌شود که بنده گان، خداوند ﷺ را زیاد عبادت کنند.

۴. مطلع شدن از قدرت و زیاد بودن لشکر الهی و ایمان داشتن به کمک و نصرت او تعالی که سبب استقامت و پایمردی در هنگام دعوت و جهاد می‌شود.

فعالیت: شاگردان در باره عصمت و صفات فرشته گان باهم بحث کنند.



۱. ملائکه را تعریف کنید.
۲. ملائکه از چی آفریده شده اند؟
۳. در باره اثبات وجود ملائکه چند دلیل ذکر کنید.
۴. حکم ایمان به ملائکه چیست؟
۵. صفات ملائکه را مختصراً بیان کنید.
۶. در باره وظایف فرشتگان به اختصار معلومات دهید.
۷. چند فایده ایمان به فرشتگان را ذکر کنید.



شاگردان در باره ملائکه مقاله کوتاهی بنویسند که از ده سطر کمتر نباشد.

کتاب‌های آسمانی

الله ﷺ برای راهنمایی بندۀ گانش در زمانه‌های مختلف کتاب‌هایی را فرستاده تا مردم در روشنی رهنمایی این کتابها زنده گی خویش را تنظیم نموده به خوشبختی دنیا و آخرت نایل گرددند.

تعريف کتاب

کتاب در لغت از کتابت گرفته شده و به معنای نوشتن است.

کتاب آسمانی در اصطلاح، عبارت از کلام خداوند است که بخاطر هدایت و رهنمایی بندۀ گان از طریق وحی به یکی از رسولانش فرستاده است تا آن را به مردم برساند، کتابهای آسمانی نازل شده عبارت اند از تورات بر حضرت موسی ﷺ، زبور بر حضرت داؤود ﷺ، انجیل بر حضرت عیسی ﷺ و قرآن بر حضرت محمد ﷺ. علاوه از این کتب. صحایفی نیز بر بعضی انبیاء علیهم السلام نازل شده است.

شرح تعريف

مقصد از کتاب‌های آسمانی در اینجا کلام الله ﷺ است که سراسر نور و رهنمایی می‌باشد. الله ﷺ در زمانه‌های مختلف این کتاب‌های آسمانی را برای راهنمایی بندۀ گانش نازل فرموده تا آنها این کتابهای آسمانی را به عنوان قانون مقدس خود پذیرند و از آن پیروی و تا در راه پر فراز و نشیب زنده گی دنیا، راه گم نشوند.

دلایل اثبات کتاب‌های آسمانی

جهت اثبات ایمان به کتاب‌های آسمانی، در قرآن کریم و احادیث نبوی دلایل زیادی وجود دارد که برخی از آنها قرار ذیل است:

قرآن کریم:

خداوند متعال می‌فرماید: «**فُلُواْ آمَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» [آل‌بقرة: ۱۳۶]**

ترجمه: «بگویید ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اولادش نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی

پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم. میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم»

در این آیه مبارکه خداوند متعال مؤمنان را مأمور ساخته است تا به قرآن کریم و کتابهایی که پیش از قرآن نازل شده است، ایمان بیاورند.

در آیه دیگر می‌فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطْعَنَا عُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» [آل‌بقرة: ۲۸۵]

ترجمه: «پیامبر خدا بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند و گفتند: (میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم) و گفتند: (شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگار، آمرزش تو را خواستاریم و فرجام به سوی تو است.)»

الله ﷺ در این آیه صفت ایمان پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان را بیان نموده و تصریح می‌دارد که آنان به ایمان آوردن به الله ﷺ، فرشته‌ها، کتابها و پیامبران مأمورند.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ مِنْ قَبْلِهِ وَمَنْ يَكُفِرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» [آل‌نساء: ۱۳۶]

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتابهایی که قبلًا نازل کرده، ایمان بیاورید و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است»

حدیث شریف

هنگامی که جبرئیل ﷺ از نبی اکرم ﷺ در باره ایمان پرسید، رسول الله ﷺ فرمود: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقُدْرَ خَيْرٍ وَشَرٍ»^(۱)

ترجمه: «ایمان این است که به الله ﷺ، فرشته‌ها، کتابها، پیامبران، روز آخرت و اینکه خیر و شر از جانب الله است، باور و یقین داشته باشی»

حکم ایمان به کتاب‌های آسمانی

ایمان آوردن به همه کتاب‌های آسمانی که از جانب الله ﷺ نازل شده، از جمله ارکان ایمان بوده و فرض است.

ضرورت مردم به کتاب‌های آسمانی

از بررسی تاریخ بشر معلوم می‌گردد که انسان از یک طرف انانیت و خودخواهی دارد و در صورت توان، اغلب آزادی و حقوق دیگران را در نظر نمی‌گیرد و از طرف دیگر دانش بشر ناقص است و در باره کاینات و خالق آن بدون راهنمایی پیامبران نمی‌تواند به حقیقت دست یابد. از همین رو، علم انسان در باره اصول و قوانین اجتماعی نارس است و به تنها یی نمی‌تواند راه اصلی و برتر را پیدا کند. به همین خاطر خداوند متعال در زمانهای مختلف غرض رهنما یی و هدایت بشر و تحقق عدالت در روی زمین کتابهای فرستاده است و می‌فرماید: **﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًاٰ إِلَيْكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْذَلْنَا مَعَهُمْ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولُوا إِنَّا أَنَاٰ نَّاٰنِيٰنٰ وَأَنَّا نَّاٰنِيٰنٰ﴾** [الحدید : ۲۵]

ترجمه: به تحقیق ما فرستادیم پیامبران خود را با نشانه‌های روش و نازل کردیم همراهی ایشان کتاب و ترازو را تا عمل کنند مردم با انصاف...)

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی

قرآن کریم آخرین کتاب خداوندی است که غرض رهنما یی بشریت تا روز قیامت بر حضرت محمد ﷺ که آخرین پیامبران است، نازل گردیده است. قرآن کریم در (۲۳) سال بصورت تدریجی توسط جبرئیل ﷺ بر حضرت محمد ﷺ فرود آمده و با نزول آن تمام کتابهای آسمانی قبلی منسخ شده است. خطاب و دعوت قرآن کریم عام بوده و برای همه بشریت در همه زمانها و مکانها می‌باشد. ایمان آوردن به قرآن کریم بحیث آخرین کتاب آسمانی به هر انسان فرض است. کسی که به قرآن ایمان نداشته باشد، از دایره ایمان خارج و کافر می‌باشد.

فعالیت

شاگردان به ترتیب در باره سوال‌های ذیل باهم بحث کنند:

۱. آیا فلاسفه ای که با تکیه به عقل در باره زنده‌گی بشر قوانین وضع می‌کنند، در باره اصول زنده‌گی باهم متفق هستند؟

۱. دلایل اثبات ایمان به کتاب‌های آسمانی را بیان کنید.

۲. رسول الله ﷺ در جواب سؤال جبرئیل در باره ایمان چه فرمود؟

۳. حکم ایمان به کتاب‌های آسمانی چیست؟

۴. مردم چه نیازی به کتاب‌های آسمانی دارند؟

کار خانه‌گی



شاگردان تحت عنوان نیاز انسان به کتاب‌های آسمانی یک مقاله بنویسند که از بیست سطر کمتر
نباشد.

وَحْيٌ

بعد از ایمان به کتاب‌ها، در باره ایمان به وَحْی بحث می‌کنیم و یاد می‌گیریم که وَحْی چیست؟
واز جانب کی بر چه کسانی نازل می‌شود؟

تعریف وَحْی

وَحْی در لغت به معانی زیادی استعمال شده است، از قبیل: اشاره، رسالت، الهام، کلام خفی، امر و کتابت.

و در اصطلاح علم عقاید عبارت است از: سخن گفتن خداوند با پیامبر به شکل خفیه و خارق العاده.

شرح تعریف

وَحْی به سخنی گفته می‌شود که خداوند متعال با کسی که او تعالی وی را به نبوت برگزیده است، در باره آنچه اراده خداوند است، به شکل خفی و بالاتر از توان بندگان، انجام داده است.

دلیل ثبوت وَحْی

دلیل نقلی: حضرت محمد ﷺ اولین پیغمبر و اولین انسان نبود که با مردم از وَحْی سخن گفته و آنان را از سخنان آسمانی آگاه کرده باشد؛ بلکه از نوح ﷺ گرفته تا حضرت محمد ﷺ، پیامبران زیادی آمده و مردم را از وَحْی آگاه ساخته اند. این پیامبران هیچگاهی از جانب خود سخن نگفته، بلکه وَحْی را که به سوی شان فرستاده می‌شد. به مردم تبلیغ می‌کردند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحَ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاؤُودَ زَبُورًا ﴾
﴿وَرَسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلِ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَمُ اللَّهِ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾

[النساء: ۱۶۳-۱۶۴]

ترجمه: «ما وَحْی فرستادیم سوی تو، چنانچه وَحْی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبرانی که بعد از وی بودند و وَحْی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و بر فرزندان او و به عیسی و به ایوب و به یونس و به هارون و به سلیمان و دادیم به داود زبور را. و پیامبرانی را فرستادیم که در حقیقت ماجرای آنان را قبل از تو گفتیم و پیامبرانی را نیز که سرگذشت ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم و خدا با موسی آشکارا سخن گفت.»

در آیه دیگر در بارهٔ محمد ﷺ می‌فرماید: «وَمَا يَتَطَقُّ عَنِ الْهَوَىٰ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» [النجم: ۴-۳]

ترجمه: «و از سر هوس سخن نمی‌گوید، این سخن بجز وحی که وحی می‌شود، نیست» و نیز می‌فرماید: «أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أُوحِيَنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ» [يونس: ۲]

ترجمه: «آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده‌اند، مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان عزت و سر بلندی است. کافران گفتند این [مرد] بدون شک افسونگر آشکار است.

دلیل عقلی

وحی یک واقعیت است، کسی که به وجود خدا و به کمال قدرت او ایمان دارد، منکر وجود وحی نمی‌شود؛ زیرا خداوند ﷺ قادر مطلق است و هر طوری که اراده اش باشد، پیام خویش را به بندۀ گانش ابلاغ می‌فرماید.

فعالیت

شاگردان در بارهٔ دلایل وحی باهم بحث کنند.

حکم ایمان به وحی

ایمان آوردن به همه کتابهای نازل شده و به همه وحی‌های فرستاده شده، به شکل اجمالی فرض است.

انواع وحی

خداوند به پیامبرانش به سه طریق وحی کرده است:

۱. وحی به طریق الهام و خواب

الف. الهام: طوری که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: بدون شک جبرئیل این سخن را در دلم افگند که هیچ نفسی تا وقتی نمی‌میرد که اجل و وقت معین خود را تکمیل نکرده و رزقش را به طور کامل نگرفته باشد، پس رزق را از راه حلال بجویید، محدود شدن و یا کم شدن رزق، هیچ یک از شما را قادر نسازد که آن را از راه حرام و گناه بطلبد؛ چون نمی‌توان از هیچ راهی به آنچه در نزد خداوند ﷺ است، رسید، جز از راه اطاعت شن.

ب. در خواب دیدن: طوری که خداوند متعال به ابراهیم اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُكَ الْعَزْوَى در خواب وحی کرد که فرزندش اسماعیل را ذبح کند و پیش از آغاز وحی، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّٰهُ عَلٰيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ نیز خوابهای واضح و روشن می‌دید.

۲. سخن گفتن از پشت پرده: یعنی به گونه‌که بین الله اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُكَ الْعَزْوَى و پیغمبر واسطه‌ای وجود نداشته باشد، بلکه بدون واسطه، خداوند متعال به پیغمبرش وحی کرده باشد. چنانکه حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ سخنان خداوند را بدون واسطه شنیده است.

۳. وحی به واسطه فرشته: خداوند متعال فرشته را به سوی پیغمبر می‌فرستاد و توسط او وحی را بر رسولش نازل می‌کرد که این، کار جبرئیل اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُكَ الْعَزْوَى است.

سه طریق وحی را که در بالا ذکر شد، خداوند متعال در این آیه چنین بیان می‌کند:

﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي إِلَيْهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلٰىٰ حَكِيمٌ﴾ [الشوری: ۵۱]

ترجمه: «و هیچ بشری را نسزد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از پشت حجابی یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری اوست بلندمرتبه سنجیده کار» باید دانست که قرآن کریم به این طریقه یعنی توسط فرشته مکلف یعنی جبرئیل اللَّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكُكَ الْعَزْوَى بر پیامبر صَلَّى اللَّٰهُ عَلٰيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وحی شده است.

فعالیت

شاگردان در باره نیاز جامعه انسانی به وحی و رهنمودهای آسمانی بحث و گفتگو نموده نتایج آن را نکته وار یاد داشت نمایند.



۱. وحی را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. دلایل وجود وحی را بیان نمایید.
۳. حکم ایمان به وحی چیست؟
۴. انواع وحی را بیان کنید.
۵. آیه را ذکر کنید که خداوند متعال در آن از انواع وحی سخن گفته است.

کار خانه‌گی



شاگردان در باره وحی مقاله‌ای بنویسند که از ده سطر کمتر نباشد.

ایمان به انبیا و رسولان

نبی و رسول به چه کسی گفته می‌شود؟
آیا نبوت و پیغمبری با کار و کوشش به دست می‌آید؟

۱. تعریف نبی و رسول

- الف. نبی: نبی، واژه عربی بوده که از «نبا» گرفته شده است و نبا به خبر گفته می‌شود.
و در اصطلاح علم عقاید، نبی به شخصی گفته می‌شود که از طرف الله ﷺ برایش وحی شده باشد.
- ب. رسول: به شخصی گفته می‌شود که الله ﷺ برای رساندن احکامش به بندگان، او را همراه با شریعت جدید فرستاده باشد.

۲. فرق بین نبی و رسول

رسول به شخصی گفته می‌شود که الله ﷺ با شریعت تازه ای او را به سوی بندگانش می‌فرستد، و نبی کسی است که خداوند او را برای راهنمایی بندگانش فرستاده است، فرق نمی‌کند که شریعت انبیای پیشین را به مردم تبلیغ کند و یا شریعت تازه ای به او داده شده باشد؛ بناءً به هر رسول نبی گفته می‌شود اما به هر نبی رسول گفته نمی‌شود.

۳. تعداد انبیا

در قرآن کریم از ۲۵ پیغمبر تذکر رفته و نام ۱۸ تن شان در آیات ذیل ذکر است:

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا أَتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّنْ نَشَاءِ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ وَوَهْبَنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًاً هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلٍ وَمِنْ ذُرَيْتِهِ دَأْوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَزَكَرِيَا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلُّ مَنْ الصَّالِحِينَ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًاً فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [الانعام: ۸۳-۸۶]

ترجمه: «وَ آن حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم. درجات هر کس را که بخواهیم بالا می‌بریم زیرا پروردگار تو حکیم داناست. و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را به راه راست درآوردیم و نوح را از پیش راه نمودیم و از نسل او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم، وزکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند، و اسماعیل و یسع و یونس و لوط که جملگی را بر جهانیان برتری دادیم»

نامهای هفت تن از پیامبران در جاهای دیگر ذکر شده است که عبارتند از: آدم، ادریس، هود، صالح، شعیب، ذو الکفل و مُحَمَّدٌ خَاتَمُ النَّبِيِّنَ (عَلَيْهِمْ جَمِيعًا صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ). در قرآن کریم از موجودیت دیگر پیامبران هم خبر داده شده است: ﴿وَرُسُلاً قَدْ قَصَصْنَا هُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلِ وَرُسُلاً لَمْ نَقْصُصْنَاهُمْ عَلَيْكَ﴾ [النساء: ۱۶۴]

ترجمه: «و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبل از بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی [را نیز فرستاده ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم» ایمان به همه انبیاء علیهم السلام فرض است، چه آنها که در قرآن کریم ذکر شده اند و چه آنانی که در قرآن نامهای شان ذکر نشده است. البته آن پیامبرانی که ذکر شان در قرآن کریم نیامده است باید بصورت اجمالی به آنان ایمان داشت.

۴. دلایل اثبات ایمان به پیامبران

خداآنده متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَا لَأَتَكُهُ وَكُنْهُ وَرَسُولُهُ لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفرانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» [البقرة: ۲۸۵]

ترجمه: «پیامبر خدا بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند و گفتند: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا، آمرزش تو را خواستاریم و فرجام به سوی تو است.»

فعالیت

شاگردان در مورد تأثیرات مهم و مثبتی که پیامبران در جوامع انسانی گذاشتند، بحث نمایند.

۵. حکم ایمان به انبیا و رسولان

ایمان آوردن به همهٔ انبیا و رسولان، فرض و از ارکان عقیده اسلامی می‌باشد؛ لذا انکار یک نبی یا رسول، انکار همهٔ پیامبران محسوب می‌گردد. از همین رو مسلمان مطابق عقیده اش گواهی می‌دهد که در ایمان آوردن بین هیچ نبی تفاوتی قابل نیست و به همهٔ پیامبران ایمان دارد، چون همگی از سوی الله ﷺ فرستاده شده اند.

۶. نبوت یک عطیه الهی است

نبوت یک عطیه الهی است و به هر کسی که او بخواهد، می‌دهد و با شوق و کوشش شخصی، یعنی با عبادت و ریاضت به دست نمی‌آید. الله ﷺ در توصیف انبیای بزرگوار می‌فرماید: «وَإِنَّهُمْ عَنَّا لَمِنَ الْمُصْطَفَينَ الْأَكْيَارِ» [ص: ۴۷] ترجمه: «بدون تردید آنها در نزد ما از برگزیده شده گاند»

فعالیت: شاگردان در بارهٔ حکم ایمان به انبیا و رسولان باهم بحث کنند.

۷. تفصیل ایمان به انبیا و رسولان

تفصیل ایمان به انبیا و رسولان در روشنی قرآن و سنت مختصرًا چنین است:

۱. ایمان داشتن به هر پیغمبری که نامش در قرآن ذکر است و جمعاً به بیست و پنج نفر می‌رسد و همچنان ایمان داشتن به اینکه خداوند متعال غیر از پیامبران مذکور، پیامبران دیگری هم فرستاده است.

۲. ایمان و یقین کامل داشتن به اینکه محور دعوت همهٔ انبیا، توحید ویگانگی خداوند و عبادت اوست.

۳. ایمان داشتن به همهٔ پیامبران و تصدیق نبوت و رسالت آنها و ایمان به اینکه بعضی از پیامبران فضیلت بیشتری نسبت به بعضی دیگر دارند و برترین شان حضرت محمد ﷺ است.

۴. باور به اینکه همه پیامبران انسان هستند و هیچ نوع خصوصیت الوهیت در آنان وجود ندارد.
۵. ایمان داشتن به اینکه انبیا و رسولان، نسبت به همه مردم از لحاظ علم، عمل و اخلاق، کامل اند و رسالت خود را با کمال امانتداری ادا نموده اند.
۶. باور داشتن به اینکه الله ﷺ برای تصدیق انبیا معجزه‌هایی به آنان داده است.
۷. ایمان داشتن به اینکه سلسله نبوت با حضرت محمد ﷺ به پایان رسیده وایشان به سوی همه مردم فرستاده شده اند و بعد از رحلت ایشان تا قیامت هیچ نبی و رسول دیگری نمی‌آید و سلسله وحی هم به آخر رسیده است.

فعالیت

در قرآن کریم نام چند پیغمبر ذکر شده است؟

۸. معنای ایمان به انبیا و رسولان

الله ﷺ در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُولُواْ آمَّا بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [آل‌قراء: ۱۳۶]

ترجمه: «بگویید ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اولادش نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم و میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم»

معنای ایمان به انبیا و رسولان این است که انسان باید یقین داشته باشد که خداوند به بعضی از بندگانش وحی می‌کند تا مردم را به نعمت‌های الهی مژده بدھند و از عذاب او بترسانند وهمه اینها به خاطر رسیدن به یک مقصد انجام می‌گیرد که عبارت است از: عبادت الله، اقامه دین و یگانه دانستن الله ﷺ در ربوبیت، الوهیت، و اسماء و صفاتش.

۱. نبی و رسول را تعریف کنید.
۲. نبی و رسول چه فرقی دارند؟ مختصرآ بیان کنید.
۳. آیا نبوت با کوشش شخصی حاصل می‌شود؟
۴. دلایل وجوب ایمان به انبیا و رسولان را ذکر کنید.
۵. نام چند پیغمبر در قرآن کریم آمده است؟ معلومات ارایه بدارید.
۶. حکم ایمان به انبیا و رسولان چیست؟



شاگردان درباره وظایف، انبیاء علیهم السلام یک مقاله مختصر بنویسند.

صفات انبیا و رسولان

الله ﷺ پیامبران را با صفات والا و نیکویی آراسته است تا بتوانند به خوبی مردم را به راه‌های نیک دعوت کنند. همچنان خداوند متعال آنان را از تمام صفاتی که مناسب مقام نبوت نیست، پاک نگهداشته است.

صفات انبیا

برخی از صفات پیامبران در قرآن کریم ذکر گردیده که قرار ذیل می‌باشد:

۱. **بشر بودن**: همه پیامبران بشر اند، می‌خورند و می‌آشامند، می‌خوابند و بیدار می‌شوند، گرسنه و تشنه می‌شوند، ازدواج می‌کنند، غیب نمی‌دانند و از همه صفات بشری برخوردار اند. این بدان خاطر است که پیامبران باید با مردم نزدیک بوده، از تمام ضرورتها و صفات انسانی آنان با خبر باشند. آنها راه مستقیم را به مردم نشان می‌دهند و خداوند متعال با فرستادن آنان حجت خود را بر بندۀ گان قایم کرده تا مردم عذر و بهانه‌ای نداشته باشند. خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَرِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

[التوبه: ۱۲۸]

ترجمه: «قطعاً براي شما پيامبرى از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بيفتيid به [هدایت] شما حريص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است»

ونيز می‌فرماید: **﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾** [الكهف: ۱۱۰]

ترجمه: «بگو من هم مثل شما بشری هستم [ولی همینقدر که] به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است»

در آیه دیگر می‌فرماید: **﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلاً مِّنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْواجًا وَذُرِّيَّةً﴾** [الرعد: ۳۸]

ترجمه: «و قطعاً پيش از تو [نيز] رسولانی فرستاديim و براي آنان زنان و فرزندانی قرار داديم»

۲. **تبليغ**: پیامبران مأمور اند تا احکام الهی را به مردم برسانند تا آنان به خوشبختی‌های دنيا و آخرت رهنمايی شوند. اين کاري است که همه پیامبران بدون کم و کاست انجام داده اند. الله ﷺ در اين باره می‌فرماید:

﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ﴾ [المائدة: ۹۹]

ترجمه: «بر پیامبر [وظیفه] جز ابلاغ [رسالت] نیست»

در آیه دیگر همین سوره می‌فرماید: **﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾** [المائدہ: ٦٧]

ترجمه: «ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی، پیامش را نرسانده‌ای»

۳. خردمندی و بصیرت: هر نبی باید هوشیار، عاقل و دور اندیش باشد، نه غافل و بی‌پروا. خداوند در این باره می‌فرماید: **﴿فَفَهَمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا مَعَ ذَوْوَدَ الْجِبَالَ يُسَيِّحْنَ وَالظَّبَرَ وَكَذَا فَاعِلِينَ﴾** [آل‌نبیا: ۷۹]

ترجمه: «پس آن [داوری] را به سلیمان فهماندیم و به هر یک [از آن دو] حکمت و دانش عطا کردیم و کوهها و پرندۀ گان را با داود به نیایش واداشتیم و ما کننده [این کار] بودیم» و در آیه دیگر می‌فرماید: **﴿وَشَدَّدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَا الْحُكْمَةَ وَفَصَلَنَ الْخِطَابَ﴾** [ص: ۲۰] ترجمه: «و پادشاهیش را استوار کردیم و او را حکمت و کلام فیصله کن عطا کردیم» و نیز می‌فرماید: **﴿أَذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمُؤْعَذَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾** [النحل: ۱۲۵]

ترجمه: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است، گفتگو و مناقشه نما»

۴. مرد بودن: همه علماء به این اتفاق دارند که نبی باید مرد باشد، و زن نمی‌تواند به منصب رسالت برسد. چون خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ﴾** [یوسف: ۹]

ترجمه: «و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم» چنانکه می‌بینید در این آیات لفظ رجل ذکر شده است و در عربی رجل به مرد گفته می‌شود. در آیه دیگر آمده است: **﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا﴾** [آل‌انعام: ۹]

ترجمه: «و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را [به صورت] مردی در می‌آوردیم» در این آیه مبارکه هم لفظ مرد ذکر شده است.

۵. پاک بودن از عیوب: پیامبر باید از عیوب ذیل پاک باشد:

الف: هر پیغمبر باید در وقت بعثتش از همه مردم زمانش از لحاظ خلقت برتر و بالاتر باشد.
ب: هر پیغمبر باید از عیوب و امراض همچون پیس، جذام و غیره که طبیعت انسانی از آن نفرت دارد، پاک باشد.

ج: نبی دارای چنان کسبی نباشد که عرف آن را بد بداند. مانند: نعل کوبی و غیره.
د. نبی باید سخت دل نباشد، چون اگر نبی قسی القلب و بی رحم باشد، مردم از او گریزان می‌شوند خداوند متعال می‌فرماید: **﴿فِيمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّهُ لَهُ كُنْتَ فَظًا غَلِيلًا لِّقَلْبِ لَا يَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾** [آل عمران: ۱۵۹]

ترجمه: «پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل می‌بودی، قطعاً از دور تو پراگنده می‌شدند».

۶- عصمت: الله ﷺ به پیامبرانش در کنار دیگر صفات نیکو، صفت عصمت را نیز داده است که سایر انسانها از آن برخوردار نیستند و صفت عصمت لازمه هر پیغمبر می‌باشد.

تعريف عصمت

عصمت در لغت به حفظ و نگهداری گفته می‌شود.
و در اصطلاح علم عقاید عبارت است از: آن لطف الهی که پیامبر را به انجام کارهای نیک تشویق و از کارهای بد نگه می‌دارد؛ اما اختیار را از انسان ساقط نمی‌سازد تا حقیقت امتحان و آزمایش باقی بماند.

شرح تعريف

الله ﷺ همه پیامبرانش را به فضل و کرم خود پیش و بعد از نبوت از همه گناهان دور نگهداشته و چنان قدرتی به آنان داده که آنان را به انجام کارهای نیک تشویق نموده و از کارهای بد باز می‌دارد؛ اما اختیار را از آنها سلب نمی‌کند.

عصمت انبیا علیهم السلام از گناهان

برای وضاحت بیشتر، عصمت انبیا باید گفت که گناه به دو قسم است:
أ. **گناهان کبیره:** به گناهانی گفته می‌شود که در دنیا برایش حد تعیین شده و یا به مرتكب آن وعید آتش داده شده باشد یا هم اینکه انجام دهنده آن مورد لعن و غضب قرار گرفته باشد.

ب. گناهان صغیره: گناهانی است که در دنیا برایش حد تعیین نشده و در آخرت هم عذابی برای آن مشخص نگردیده باشد.

انبیا -علیهم السلام- از همه گناهان اعم از کبیره و صغیره مانند: کفر، دروغ و غیره پاک اند و قصداً یا سهواً چنین گناهی از آنان سرنزد و آنان معصوم می‌باشند.

دلایل این عصمت

یکی از مهم ترین دلایل عصمت پیامبران، رساندن پیام خدا به مردم است؛ قرآن کریم در این باره به صدق و راستی آنها گواهی می‌دهد: **﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهُوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾** [النجم: ۴-۳]

ترجمه: «و از سر هوس سخن نمی‌گوید، این سخن بجز وحی که وحی می‌شود، نیست» و نیز می‌فرماید: **﴿وَلَوْ تَقُولَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخْذَنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينِ فَمَا مِنْكُمْ مَنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾** [الحاقة: ۴۷-۴۶]

ترجمه: «و اگر می‌بست پیغمبر بر ما بعض سخن را، دست راستش را می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم، و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد» همچنان در حدیث شریفی آمده است: **«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ تَدَعُنَا؟ قَالَ: لَا أَقُولُ إِلَّا حَقًا.»**

ترجمه: از ابوهریره روایت است که اصحاب فرمودند: ای رسول خدا! شما با ما شوختی می‌کنید؟ رسول خدا فرمود: من چیزی جز حق نمی‌گویم.

از جانب دیگر، انبیا برای دیگران سرمشق الگو هستند و این الگو بودن بدون عصمت آنان از هر نوع گناه ممکن نیست. لذا خداوند آنان را از هر گناهی پاک نگهداشته است. الله ﷺ می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فِيهِدُهُمْ أَفْتَدَهُ﴾ [الأنعام: ۹۰]

ترجمه: پیامبران کسانی اند که خداوند راه را به آنان نشان داده است، پس تو نیز به هدایت آنان اقتدا کن!»

و نیز در توصیف آنان می‌فرماید: **﴿وَكُلُّ مَنْ الْأَخْيَارِ﴾** [ص: ۴۸] ترجمه: و هر یک از آنان از بنده‌گان برگزیده اند»

و باز در باره آنها می‌فرماید: **﴿وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ﴾** [الأنعام: ۸۷]

ترجمه: «آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایت شان نمودیم»

فعالیت: شاگردان دربارهٔ صفات انبیا باهم بحث کنند.



۱. دلایل بشر بودن پیامبران را بیان کنید.
۲. دلایل صفت تبلیغ را بیان نمایید.
۳. دلایل صفت فطانت و زیرکی را ذکر کنید.
۴. انبیاء باید از کدام عیوب پاک باشند؟
۵. معنای لغوی و اصطلاحی عصمت را بیان کنید.
- ۶ آیا انبیاء - علیهم السلام - پیش از بعثت از گناه معصوم می‌باشند؟
۷. آیا انبیاء بعد از بعثت از گناه معصوم می‌باشند؟
۸. دلایل عصمت انبیاء را بیان کنید.



در بارهٔ اخلاق و سیرت نیکوی حضرت محمد ﷺ یک مقاله بنویسید.

پیغمبران اولو العزم

همهٔ پیامبران در پیشگاه الله ﷺ صاحب عزت و منزلت اند و همهٔ پیامبران صاحب عزم و صبر و بردباری بودند، اما خداوند متعال عزم و پایمردی برخی از پیامبران را ستوده است. این دلالت می‌کند که آنها نسبت به دیگر پیغمبران عزم بیشتری داشتند و در نزد خداوند متعال مقام و منزلت شان بلندتر است.

تعريف عزم

عزم به معنای صبر، ثبات و انجام دادن یک کار با ارادهٔ بسیار قوی است.
چرا به بعضی از پیامبران اولو العزم گفته می‌شود؟
این پیامبران در کار دعوت و رسالت از صبر و بردباری زیادی کار می‌گرفتند، به همین خاطر خداوند متعال آنان را با صفت اولو العزم ستوده است.

تعداد پیغمبران اولو العزم

در این باره اقوال مختلفی از علماء نقل شده که نزد جمهور دانشمندان مسلمان، پیامبران اولو العزم پنج تن اند: حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

خداؤند متعال پیامبران اولو العزم را در این آیه ذکر کرده است:
﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِثَاقَهُمْ وَمِنَكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مَيْشَافَهُمْ﴾ [الأحزاب: 7]

«و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم»
و در این آیه مبارکه هم ذکر شده است:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَنْتَرِقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَعْلَمُ بِمَا يَعْمَلُونَ وَبِهِدِي إِلَيْهِ مَنِ يَتَّبِعُهُ﴾ [الشوری: ۱۳]

ترجمه: «از [احکام] دین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را بربا دارید و در آن تفرقه اندازی مکنید. گران می‌آید بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی، خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند و هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می‌نماید.»

فعالیت: شاگردان در باره تعداد پیامبران اولو العزم باهم بحث کنند.

فضیلت پیغمبران اولوالعزم:

این پیامبران اولوالعزم نسبت به همه پیامبران دیگر فضیلت زیادی دارند؛ و بافضیلت ترین همه شان حضرت محمد ﷺ است.

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «خَيَارُ الْأَدَمِ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ عِيسَى وَ مُوسَى وَ مُحَمَّدٌ وَ خَيْرُهُمْ مُحَمَّدٌ»^(۱)

ترجمه: «در بین فرزندان آدم علیه السلام برترین شان نوح، علیه السلام ابراهیم علیه السلام، عیسی علیه السلام و موسی علیه السلام می‌باشند و بهترین ایشان محمد علیه السلام است. و در حدیثی که امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده آمده است: «أَنَا سَيِّدُ الْأَدَمِ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمٌ وَ أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُ عَنْهُ الْقَبْرُ وَ أَوَّلُ شَافِعٍ وَ أَوَّلُ مُشَفِّعٍ».^(۲)

ترجمه: «من در روز قیامت سید و بزرگ فرزندان آدم علیه السلام هستم، پیش از همه قبر من باز می‌شود، من اولین شفاعت کننده هستم و پیش از همه شفاعت من قبول می‌شود.

فعالیت: شاگردان، فضیلت پیامبران اولوالعزم را بیان کنند.



۱. عزم را تعریف کنید.
۲. چرا به بعضی از پیامبران، اولوالعزم گفته می‌شود؟
۳. پیامبران اولوالعزم چند نفر اند؟
۴. در باره فضیلت پیامبران اولوالعزم یک حدیث شریف بیان کنید.

۱ - اخرجه ابن عساکر

۲ - صحیح مسلم - باب تفضیل نبینا محمد ﷺ علی الجمیع

معجزه و کرامت

۱. معجزه

تعریف معجزه: کلمهٔ معجزه از مصدر اعجاز گرفته شده که در لغت ناتوان و عاجز ساختن را گویند.

و در اصطلاح عبارت است از کار و یا سخن عاجز کننده و خارق العاده که خداوند متعال به قصد تأیید نبی و رسول از او صادر می‌کند که دیگر انسانها از انجام آن عاجز‌اند.

شرح تعریف

معجزه به کار و یا سخنی گفته می‌شود که از مدعی نبوت و رسالت صادر می‌شود و دارای شرایط ذیل است:

۱. معجزه باید عاجز کننده باشد(طرف مقابل از انجام آن عاجز شود) و اگر چنین نباشد، معجزه نیست.
۲. به خاطر تأیید دعوای نبوت و رسالت باشد پس اگر کسی کار خارق العاده ای انجام دهد، اما دعوای نبوت و رسالت نداشته باشد، آن کارش معجزه گفته نمی‌شود.
۳. کار خارق العاده با دعوا برابر باشد.

انواع معجزه

معجزهٔ پیامبران دو نوع است:

۱. معجزهٔ محسوس.

۲. معجزهٔ غیر محسوس.

اول: معجزهٔ محسوس: معجزه‌ای است که انسان با حواس پنجگانه اش آن را درک کرده می‌تواند. مانند خارج شدن اشتر از کوه با دعای صالح ﷺ، بینا شدن کور مادرزاد با دعای عیسیٰ ﷺ، تبدیل شدن عصای موسیٰ ﷺ به مار و حادثه اسرا و معراج پیامبر اکرم ﷺ، دو نیم شدن ماه و فواره زدن آب از انگشتان مبارک آن حضرت، و دیگر معجزات ایشان.

دوم: معجزهٔ غیر محسوس: این معجزه‌ای است که به وسیلهٔ عقل درک می‌شود، مثل معلومات دادن از حوادث غیبی آینده. و قرآن که بر حضرت محمد ﷺ نازل شد، بزرگ ترین معجزه ایشان است.

حکم معجزه

ایمان داشتن به معجزات پیامبران فرض است. چون معجزهٔ هر پیغمبر یک مدد و کمک الهی است که راستی پیغمبر را ثابت می‌سازد. پس آن طور که ایمان داشتن به خود پیغمبر فرض است، ایمان به معجزهٔ او نیز فرض می‌باشد.

فعالیت: شاگردان در بارهٔ معجزه باهم بحث کنند.

۲. کرامت

تعریف کرامت

کرامت در لغت به عزت و گرامی داشتن گفته می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بِنِي آدَم﴾** [الإسراء: ۷۰]

ترجمه: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم» و در اصطلاح عبارت از کاری است که از ولی (بندهٔ مقرب خداوند ﷺ) صادر می‌شود.

شرح تعریف

اگر یک کار عادتاً ناممکن از شخصی صادر شود که عقیده و عملش مطابق اسلام باشد، کرامت گفته می‌شود، اما اگر عقیده و عمل شخص مطابق اسلام نباشد، کار خارق العادة او استدرج است نه کرامت.

دلیل اثبات کرامت

کرامت اولیاء با دلایل زیادی ثابت است، طوری که الله جل جلاله در بارهٔ مریم علیها السلام می‌فرماید: **﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكِيرِيَا الْمُخَرَّابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرِيمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾** [آل عمران: ۳۷]

ترجمه: «هر بار که زکریا در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت [می‌آگفت ای مریم این از کجا برای تو [آمده است او در پاسخ می‌گفت] این از جانب خداست»

داستان اصحاب کهف که در قرآن ذکر شده است، به کرامت اصحاب کهف دلالت می‌کند. در دوران صحابه از صحابیان متعدد کرامات گوناگونی ظاهر شده که تفصیل آن در کتب حدیث و تاریخ وجود دارد.

فعالیت

شاگردان داستان اصحاب کهف را فضماً به نوبت بیان کنند.

حکم کرامت

کرامت اولیا برای تأیید و کمک آنها و برتری دین ثابت و حق است، اما کرامت در اختیار ولی نیست. پس ضرور نیست که از هر ولی کرامت صادر شود؛ چون کرامت به اراده و خواست خدا بستگی دارد، و با کرامت کدام حکم جدید دینی ثابت نمی‌شود.



۱. معجزه و کرامت را تعریف کنید.
۲. انواع معجزه را بیان کنید.
۳. حکم معجزه چیست؟
۴. دلایل اثبات کرامت را بیان کنید.
۵. خداوند متعال به چه مقصدی از ولی، کرامت صادر می‌کند؟



شاگردان در بارهٔ معجزه مقاله‌ای بنویسند و برخی از معجزات پیامبران علیهم السلام را نام بگیرید.

استدراج و سحر

۱. استدراج تعریف استدراج

استدراج در لغت به معنای بالارفتن گام به گام است. و در اصطلاح به کار خارق العاده ای مانند سحر گفته می‌شود که از اشخاص کافر یا فاسق صادر می‌شود.

شرح تعریف

هر گاه کاری از یک کافر، فاسق، کاهن، نجومی، ساحر و یا نیرنگ باز صادر گردد، به آن استدراج گفته می‌شود.

هر اندازه که سرکشی این افراد زیاد شود، خداوند به همان اندازه نعمت‌های خود را بر آنان گستردۀ تر می‌سازد تا قدم به قدم به هلاکت نزدیک شوند و حجت خدا بر آنان قایم گردد. خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَعَثَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُون﴾** [الأعراف: ۱۸۲]

ترجمه: «و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج ایشان را خواهیم گرفت از جائیکه ایشان نمی‌دانند.»

۲. سحر تعریف سحر

سحر در لغت به نیرنگ، باریکی و تغییر دادن شکل یک چیز گفته می‌شود که سبب ظاهری نداشته باشد.

و در اصطلاح عبارت است از کار خارق العاده ای که به کمک شیاطین از نفشهای بد و خبیث صادر می‌شود.

شرح تعریف

سحر در زبان عربی به نیرنگ بازی و عمل ظریفی گفته می‌شود که سبب ظاهری آن دیده نمی‌شود.

و در اصطلاح به کارهای عجیب و غریبی گفته می‌شود که از دست اشخاص بی التزام به دین و بد عمل، صادر می‌شود که با گفتن الفاظ کفری و به کمک شیطان، انجام می‌گیرد و این اشخاص با یادگیری و تمرین به آن دست رسی پیدا می‌کنند.

اگر کسی با سرعت دست و چالاکی و یا با استفاده از دواهای خاص، کار عجیب و خارق العاده ای انجام دهد، سحر حقيقی گفته نمی‌شود.

وجود سحر

وجود سحر از روی قرآن و احادیث نبوی و اجماع امت ثابت است.

الله ﷺ در باره ساحران موجود در زمان موسی ﷺ می‌فرماید:

﴿قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقُوا سَحْرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهُوْهُمْ وَجَاءُوا بِسُحْرٍ عَظِيمٍ﴾ [الأعراف: ۱۱۶]

ترجمه: «گفت: شما بیفگنید و چون افگندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند.»

یادگیری سحر

یاد دادن و یاد گرفتن سحر حرام است. و هرگاه سحر بر بنیاد عقيدة کفری استوار باشد، یادگرفتن آن کفر بوده و یاد گیرنده آن واجب القتل می‌باشد.

فرق سحر و معجزه

فرق زیادی بین سحر و معجزه وجود دارد که برخی از آنها قرار ذیل است:

۱. سحر از نفسهای شریرو پلید صادر می‌شود، اما معجزه از نفسهای پاک و عزیزی که به الله ﷺ بسیار نزدیک اند.

۲. در معجزه تحدى و چالش وجود دارد، ولی در سحر چالشی در کار نیست.

۳. سحر با انجام اعمال ناروا و با استمداد از شیاطین صورت می‌گیرد، اما معجزه تنها به کمک و خواست الله ﷺ است.

۴. یادگیری سحر با آموزش و تمرین ممکن است، اما در معجزه پیغمبر فقط از خداوند تحقق آن را تقاضا می‌کند.

۵. معجزه حقیقت یک چیز را تبدیل می‌سازد، اما سحر تنها شکل ظاهری را تغییر می‌دهد.

۶. با معجزه حقانیت پیغمبر ثابت می‌شود، اما سحر جز یک کار گناه نیست، که برای گمراه ساختن مردم و گسترش فساد در روی زمین انجام می‌گیرد و جز زیان هیچ فایده‌ای ندارد.
۷. سحر به شرایط، جای و وقت خاصی بستگی دارد؛ اما معجزه شرط خاص، جای و وقت معینی ندارد.
۸. معارضه و مقابله با سحر ممکن است، اما مقابله با معجزه محال می‌باشد.

فعالیت: در روشنی این درس بگویید که ساحر و منجم با هم چه فرقی دارند؟

سؤالها

۱. استدراج و سحر را تعریف نمایید؟
۲. دلیل اثبات استدراج و سحر را بگویید.
۳. یادگیری سحر چه حکم دارد؟
۴. فرق معجزه و سحر را واضح سازید.



شاگردان در باره استدراج و سحر و اثرات آن مقاله‌ای بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.

قضا و قدر

یکی از ارکان ایمان، عقیده به قضا و قدر است. ایمان داشتن به قضاء و قدر موضوعی است که تأثیر آن در عقیده، سلوک، کردار و زندگانی مسلمانان در کلیه حالات خوب و بد نمایانگر می‌باشد.

تعریف قضا و قدر

- ا. قضا: قضا در زبان عربی فیصله کردن، پیدا کردن و حتمی بودن را گویند.
- ب. قدر: قدر در زبان عربی به حکم، فیصله و اندازه گفته می‌شود.
- و در اصطلاح، قضا و قدر عبارت از آن تقدیر و اندازه است که الله تعالیٰ بر اساس علم شامل و حکمت خود در کائنات تعیین نموده است.^۱

شرح تعریف

جهت فهم درست موضوع قضا و قدر فهم نکات آتی ضروریست:

۱. **علم ازلی الله تعالیٰ**: به این ایمان داشتن که الله تعالیٰ به هر چیز بطور اجمالی و تفصیلی و به تمام حالات گذشته و آینده، عالم و داناست، همانگونه که به افعال خود علم کامل دارد به کردار و عملکردهای بندۀ گان خود نیز علم همه جانبه و فراگیر دارد.
- همچنان به حوادث و تغییرات و تحولات گذشته و آنچه در آینده صورت می‌گیرد طوری علم دارد که هیچ چیزی از علم او تعالیٰ ناپدید نیست.

الله جل جلاله میفرماید: «عَالِمٌ الْغَيْبٌ لَا يَعْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالٌ ذَرَّةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» [السباء: ۳]

ترجمه: آن (الله ﷺ) به همه پوشیده‌ها علم دارد از او به اندازه یک ذره نه در آسمان‌ها پنهان می‌ماند و نه در زمین، نه از اندازه ذره کوچکتر و نه بزرگتر (چیزی است) مگر آنکه هر چیزی در یک دفتر آشکارا درج می‌باشد.

۱- الفاظ قضا و قدر در زبان عربی به مفاهیم متعددی استعمال می‌شود مگر در علم عقاید هر دو لفظ مترادف می‌باشند

۲. همه چیز، در لوح محفوظ نوشته شده است

به این هم ایمان داشتن فرض است که الله تعالیٰ بر هر آنچه که به مخلوقات ارتباط دارد، عالم است و آن در لوح محفوظ نوشته است، یعنی تمام مقدرات مخلوقات را که برای شان اتفاق می‌افتد و یا آنها انجام می‌دهند، خداوند بر اساس علم قدیم خود نوشته است.

الله تعالیٰ در این باره فرموده اند: **﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوْهُ فِي الرُّبُّرِ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكِبِيرٍ مُسْتَطَرٌ﴾** [القمر: ۵۲، ۵۳] ترجمه: و هر چه ایشان می‌کنند، نوشته شده در لوح محفوظ، و هر سخن کوچک و کلان، نوشته شده است. پیغمبر ﷺ فرموده اند: **«كَتَبَ اللَّهُ مَقَادِيرُ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ...»**^(۱)

ترجمه: الله تعالیٰ اندازه‌ها (تقدير) مخلوقات را پنجاه هزار سال قبل از پیدایش آسمانها و زمین نوشته کرده است.

۳. مشیت و رضای الله تعالیٰ: به این ایمان داشتن فرض است که هیچ چیز بدون رضا، اراده و مشیت الله تعالیٰ از عدم به وجود نمی‌آید، پس چیزی را که الله جل جلاله بخواهد آن می‌شود و چیزی را که نخواهد، نمی‌شود.

الله تعالیٰ می‌فرماید: **﴿وَرُلَكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ﴾** [القصص: ۶۸]

ترجمه: پروردگارت می‌آفریند هر چی را بخواهد و می‌گزیند هر کی را خواهد.

در آیت دیگری فرموده است: **﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾** [التكوير: ۲۹] ترجمه: و به خواست شما هیچ کاری نمی‌شود تا آنکه الله رب العالمین نخواهد.

۴- با وجود اینکه هیچ بدون اراده الله ﷺ بوجود نمی‌آید و هر چیز متعلق به اراده الله ﷺ است با آنهم برای انسانها اختیار داده شده که هر که کار خوب انجام دهد به اختیار و اراده خود انجام می‌دهد و هر که کار ناشایسته و بد نماید به اراده و اختیار خویش می‌کند و خداوند متعال از قدیم به کنش کار خوب و بد عالم است و این علم خداوندی کدام اجباری در انجام کار خوب و بد اشخاص، ندارد؛ بلکه ایشان کارها را به خوشی و رضای خود انجام می‌دهند، در این مورد خداوند ﷺ چنین فرموده است: **﴿فَمَنْ شَاءَ فَلِيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلِيَكُفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا﴾** [الكهف: ۲۹].

ترجمه: هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد (و اراده کند) کافر شود. ما به ستمگران آتشی را امده کرده ایم که سرا پرده آن ایشان را احاطه می‌کند.

^۱ - صحیح مسلم

دلیل اثبات قضا و قدر:

قضا و قدر توسط آیات و احادیث زیادی ثابت گردیده است:

الله جل جلاله فرموده است: **«إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»** [القمر: ۴۹] ترجمه: ما هر چیزی را به اندازه معین پیدا کردیم.

در آیت دیگر می‌فرماید: **«وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا»** [الفرقان: ۲] ترجمه: و (الله) آن ذاتی است که تمام اشیا را آفریده و به آنها اندازه معین مقرر کرده است.

در حدیث شریف آمده: **«وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرٌ وَشَرٌّ»**^(۱) ترجمه: پیغمبر صلی الله علیه وسلم به جبرئیل علیه السلام گفتند: و اینکه تو ایمان داشته باشی به تقدير خیر و شر.

در حدیث دیگر آمده: **«لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرٍ وَشَرٍّ حَتَّىٰ يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئُهُ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبُهُ»**^(۲)

هیچ گاه یک بندۀ ایمان دار نمی‌شود تا آنکه به تقدير خیر و شر ایمان نداشته باشد، و تا بداند که آنچه برایش رسیده است، از وی خطا شدنی نبود و آنچه به وی نرسیده، برایش رسیدنی نبود.

حکم ایمان به قضا و قدر

ایمان داشتن به قضاء و قدر فرض است.



۱. قضا و قدر را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات قضا و قدر را بیان نمایید.
۳. حکم ایمان به قضا و قدر را واضح سازید.
۴. کسیکه از قضا و قدر منکر گردد چی حکم دارد؟



شاگردان در باره تأثیرات روانی و اجتماعی قضا و قدر یک مقاله بنویسند.

۱ - صحیح مسلم - (۱ / ۲۸)

۲ - رواه الترمذی

برزخ

انسانان بعد از وفات با دو مرحله از زنده‌گی رو برو می‌گردند، یکی پس از مرگ تا روز قیامت که این مرحله را، زنده‌گی برزخ می‌گویند و مرحله دیگر پس از قیامت که زنده‌گی طولانی و ابدی آغاز می‌شود.

۱. تعریف برزخ

برزخ در لغت پرده و حایل را می‌گویند، و در اصطلاح علم عقاید، مرحله میان زنده‌گی دنیوی و اخروی (بعد از مرگ تا دو باره زنده شدن) برزخ گفته می‌شود.

شرح تعریف

از احادیث نبوی ﷺ معلوم می‌شود که: انسان زمانیکه از این جهان چشم فرو می‌پوشد، اگر مؤمن و نیکو کار باشد، در قبر حالات خوشی را احساس می‌کند و با نعمت های گوناگون نوازش داده می‌شود، و اگر بد کار و کافر باشد، احساس غم و حسرت می‌کند و در قبر به عذاب های گوناگون مبتلا شده، مجازات می‌گردد به این حالات قبر، برزخ گفته می‌شود.

فعالیت: شاگردان ارتباط میان تعریف های لغوی و اصطلاحی برزخ را بیان نمایند.

دلایل اثبات برزخ

مرحله برزخ به آیات متبرکه قرآن کریم و احادیث نبی کریم ﷺ ثابت گردیده است. الله تعالی می‌فرماید: **﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبَيَّعُونَ﴾** [المؤمنون: ۱۰۰] ترجمه: و در ورای ایشان پرده برزخ (قبر) است (که آنان را نمی‌گذارد به دنیا برگردند) تا آن روزی که آنان در قیامت بر انگیخته می‌شوند.

۲. نکیر و منکر

تعریف نکیر و منکر

نکیر و منکر دو فرشته اند، الله ﷺ جهت پرسش از مردہ گان در قبر، آنها را موظف نموده است.

مورد سؤال قرار گرفتن مردہ گان در قبر

وقتیکه مردہ در قبر دفن می شود و مردم از نزدش برمی گردند، دو ملک به نامهای نکیر و منکر نزد مردہ می آیند (مردہ مکلف به امر الله تعالی دوباره زنده می شود، و عقل و فهمش دو باره بر میگردد) و از او در مورد رب، دین و نبی سؤال می کنند، اگر مردہ جواب صحیح این سؤالها را داد و کامیاب گردید، از طرف الله تعالی برایش نعمت‌ها داده می شود و مرحله های بعدی بر وی آسان می شود و اگر ناکام شد، عذاب داده می شود و مرحله های بعدی نیز بر وی سخت تمام می شود.

دلیل اثبات مورد سؤال قرار گرفتن مردہ در قبر

سؤال نکیر و منکر در قبر از مردہ در قرآن کریم و به احادیث نبی کریم صلی الله علیه وسلم ثابت گردیده است.

قرآن کریم: الله تعالی در این مورد فرموده است: **«يَبْتَأِلُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقُولِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»** [[براهیم: ۲۷] ترجمه: الله تعالی مؤمنان را در زنده‌گی دنیا و آخرت به سخن استوار ثابت قدم می نماید. و نبی کریم صلی الله علیه وسلم بیان نموده که در این آیت مراد از آخرت قبر است، زیرا قبر اولین منزل از منازل آخرت می باشد.]

حدیث شریف: حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنہ روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «إِذَا أَقْبَرَ الْمَيِّتُ أَتَاهُ مَلَكًا أَسْوَادَانَ أَرْزَقَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَالْآخِرُ الْكَبِيرُ فَيَقُولُنَّ مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». فَيَقُولُنَّ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ هَذَا. ثُمَّ يُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذُرَاعًا فِي سَبْعِينَ. ثُمَّ يَنْوَرُ لَهُ فِيهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ ثُمَّ فَيَقُولُ أَرْجِعْ إِلَى أَهْلِي فَأَخْبِرُهُمْ فَيَقُولُنَّ نَمْ كَوْمَةً عَرْوَسِ الَّذِي لَا يُوقَظُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجِعِهِ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَقُلْتُ مِثْلَهُ لَا أَدْرِي فَيَقُولُنَّ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ ذَلِكَ فَيَقَالُ لِلأَرْضِ الْشَّمِيمِ عَلَيْهِ فَتَلَسِّمْ عَلَيْهِ فَتَخْتَلِفُ فِيهَا أَصْلَاعُهُ فَلَا يَزَالُ فِيهَا مُعَذَّبًا حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجِعِهِ ذَلِكَ»^(۱) ترجمه: هنگامیکه مردہ در قبر نهاده شود، دو ملک نزدش می آیند که چهره های سیاه و چشمان آبی دارند، یکی آن را نکیر و به دیگرش منکر گفته می شود. آنها می پرسند تو در باره این

۱ - رواه الترمذی.

شخص (محمد ﷺ) چی می‌گویی؟ او در جواب می‌گوید، این شخص بنده الله تعالی و رسول اوست. من گواهی می‌دهم که بجز از الله تعالی، دیگر معبد بر حق نیست و شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده خدا و رسول اوست. فرشته‌ها می‌گویند ما می‌فهمیدیم که تو همینطور می‌گویی. بعد از آن قبرش هفتاد در هفتاد گز فراخ و روشن می‌گردد، سپس برایش می‌گویند بخواب او می‌گوید من به خانواده خود می‌روم تا از حال خود به آنها مژده بدهم.

فرشته‌ها برایش می‌گویند: تو مانند آن عروس بخواب که او را غیر از عزیز ترین کس خانواده اش کس دیگری از خواب بیدار نمی‌کند (حال این مرد همین طور می‌باشد) تا آن وقتی که الله تعالی او را از این آرامگاهش بر خیزاند. اگر این مرد منافق باشد، پس در جواب می‌گوید که از مردم شنیده بودم که آنان می‌گفتند، من هم مانند شان گفتم، نمیدانم کی است، فرشته‌ها برایش می‌گویند، ما می‌دانستیم که تو همینطور می‌گویی. سپس به زمین گفته می‌شود که از دو طرف نزدیک شده و او را بفشارد، پس زمین بروی تنگ می‌شود و فشار می‌آورد که استخوان قبرغه هایش یکی در دیگر فرو می‌رود در این عذاب تا زمانی مبتلا می‌باشد که الله تعالی او را ازین محل بر انگیزاند.

۳. نعمت‌ها و عذاب قبر

شناخت قبر

با وصف آنکه قبر در اصطلاح عام به آن نقطه از زمین گفته می‌شود که مرد در آن دفن شده باشد، مگر در قسمت اثبات نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر، جایگاه مرد پس از مرگ مراد می‌باشد، خواه آن قبر حقیقی باشد یا جای دیگر مانند کسیکه در آب غرق شده باشد و یا آب او را برده باشد و یا کسی را پس از مرگ درنده خورده باشد و یا کسی او را سوختانده باشد و مانند اینها... الله تعالی می‌فرماید: **«وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبورِ»** [الحج: ۷] ترجمه: و الله تعالی بر می‌انگیزد کسانی را که در قبرها اند.

در این آیت از قبرها، عموم آن مراد است، به این مفهوم که الله تعالی مردها را بر می‌انگیزاند چه در زمین دفن باشند و یا سوخته باشند و یا درنده گان آنها را خورده باشند.

دلایل اثبات نعمت‌ها و عذاب‌ها در قبر

نعمت‌های قبر در آیات مبارکه قرآن کریم و به احادیث متبرکه رسول کریم ﷺ ثابت گردیده است.

۱. الله تعالیٰ در قرآن کریم در رابطه به نعمت‌های مقرره در قبر می‌فرماید: **﴿يُبَشِّرُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّاقِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾** [ابراهیم: ۲۷] ترجمه: الله تعالیٰ مؤمنان را در زنده گی دنیا و در آخرت به سخن ثابت محکم و ثابت قدم می‌دارد.

۲. رسول ﷺ در باره قبر فرموده اند: **«إِنَّمَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِّنْ رِّيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةٌ مِّنْ حُفَّرَ النَّارِ»**^(۱) ترجمه: بدون شک، قبر یا باعچه ای از باعچه‌های جنت و یا حفره‌ای از حفره‌های دوزخ است.

۳. نبی اکرم ﷺ از کنار دو قبری می‌گذشتند پس فرمودند: **«إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ أَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَئْرِفُ مِنْ الْبُولِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ»**^(۲) ترجمه: این دو (مرد) در عذاب هستند از ناحیه کدام گناه بزرگ معذب نیستند (که خود داری از آن کار مشکل باشد) یکی آنها از پیشاب (قطرات آن) اجتناب نمی‌کرد و دیگری سخن چینی می‌کرد.

ایمان داشتن به سؤال نکیر و منکر و به نعمت‌ها و عذاب در قبر ایمان داشتن به برزخ و به تمام آن کوایفی که در عالم برزخ به وقوع می‌پیوندد و نبی کریم ﷺ ما را از آن با خبر کرده اند، مانند سؤال نکیر و منکر، نعمت‌ها و عذاب قبر، فرض است.

۱ - رواه الترمذی.

۲ - صحیح البخاری (۱ / ۴۲۹)

۱. بزرخ را تعریف کنید.

۲. دلایل اثبات بزرخ را بگویید.

۳. نام های فرشتگان سؤال کننده در قبر چیست؟

۴. فرشتگان در قبر از مرده کدام چیزها را می پرسند؟

۵. در باره سؤال قبر یک دلیل نقلی بیان نمایید.

۶. قبر را تعریف کنید.

۷. در باره نعمت های قبر یک دلیل نقلی ارایه کنید.

۸. در باره عذاب قبر یک دلیل نقلی بیاورید.



شاگردان در باره حالات بزرخ یک مقاله بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.

بعث و حشر

همه مسلمانان ایمان جازم و راسخ دارند، که حالات غیبی که الله تعالی در قرآن کریم و پیامبر ﷺ در احادیث ارشاد فرموده اند، حق است. مانند بعث، حشر، پیمایش اعمال، بهشت، دوزخ و امثال آن.

۱. بعث

تعریف بعث: بعث در لغت فرستادن، برانگیختن و زنده کردن را گویند.
و در اصطلاح عقاید اعاده کردن دو باره ارواح به اجساد و برانگیختن انسان‌ها از قبرهای شان بعث گفته می‌شود.

شرح تعریف

بعث، نشور، نشأت ثانیه و معاد، الفاظ مترادف اند و در قرآن کریم برای یک حالت ذکر شده اند و آن زنده شدن پس از مرگ می‌باشد؛ به این معنی که مردگان به امر الله ﷺ از قبرهای خود بر می‌خیزند، بگونه‌ای که ارواح دو باره به قالب‌های شان جمع می‌شوند و از این حالت در قرآن کریم و احادیث شریف گاهی به لفظ بعث، گاهی به تعبیر نشر یا نشور و باری هم به نشأت ثانیه (زنده‌گی بار دوم) تعبیر گردیده است.

دلیل اثبات بعث:

الله ﷺ می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبَعَّثُونَ» [المؤمنون: ۱۶] ترجمه: پس از آن هر آئینه شما در روز قیامت برانگیخته می‌شوید.

در آیت دیگری الله تعالی فرموده است: «وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبورِ» [الحج: ۷] ترجمه: «و بدون تردید الله ﷺ کسانی را که در قبرها اند بر می‌انگیزاند».

ایمان داشتن به بعث

ایمان به بعث، رکن اساسی ایمان است؛ بنابرین ایمان به زنده شدن پس از مرگ، فرض است و کسیکه از بعث انکار ورزد، کافر می‌گردد.

۲. حشر (رستاخیز)

تعریف حشر: حشر عبارت از تجمع انسان‌ها است، جهت فیصله و حساب در روز قیامت.

شرح تعریف

در روز قیامت جمع کردن انسان‌ها را در موقف و میدان محشر، حشر گفته می‌شود. تمام انسانها به منظور آن در میدان محشر جمع می‌شوند تا آنکه اعمال و کردار آنها که در دنیا انجام داده اند محاسبه گردد، نیکی نیکوکاران و بدی بدکاران، شناسایی گردیده و نامه اعمال شان یا به دست راست و یا به دست چپ شان داده شود.

در بین آنان این فیصله تحقق می‌یابد که چه کسی مستحق جنت و چه کسی مستوجب دوزخ است که آن روز را حشر بزرگ نیز می‌گویند.

دلیل اثبات حشر

حشر در روز قیامت به دلایل زیادی ثابت است.

الله ﷺ می‌فرماید: **﴿وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾** [البقرة: ۲۰۳] ترجمه: و بدانید که بدون شک شما به حضور الله تعالى جمع کرده می‌شوید.

در آیت مبارکه دیگر می‌فرماید: **﴿وَهُوَ الَّذِي دَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾** [المؤمنون: ۷۹] ترجمه: و الله ﷺ آن ذاتی است که شما را در زمین پراگنده بیافرید و باز به سوی او جمع کرده می‌شوید.

رسول الله ﷺ در یک حدیث مبارک فرموده اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ إِلَى اللَّهِ حُفَّةً عُرَاءً غُرَلًا»^(۱) ترجمه: ای مردم به تحقیق شما در حالی که پاهای تان برهنه و بدن تان برهنه و ختنه نشده می‌باشد، به پیشگاه الله تعالى حشر می‌شوید.

کی‌ها حشر می‌گردند؟

انسان‌ها، جنبات و تمام مخلوقات زنده حشر می‌شوند. وقتی حیوانات اهلی و حیوانات و حشی یکی از دیگر انتقام گرفتند، آنها دو باره می‌میرند و خاک می‌شوند و تنها انسانها در محشر می‌مانند. الله تعالى می‌فرماید: **﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرتُ﴾** [التکویر: ۵] ترجمه: (و یاد کن آن روز را) وقتیکه حیوانات وحشی جمع کرده شود.

در آیت دیگری می‌فرماید: **﴿وَمَا مِنْ ذَبَابٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحِيهِ إِلَّا أُمَّمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾** [الأنعام: ۳۸] ترجمه: و نیست هیچ جنبنده در زمین و نه هیچ پرنده که می‌پرد به دوبال خود، مگر هر یک از ایشان جماعت‌ها اند مانند شما فرو نگذاریم در نوشتن هیچ چیزی را؛ باز بسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد.

حدیث: از حضرت ابوذر رض روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو گوسفند را دیدند که یکی دیگر را با شاخ های خود می زدند، آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای ابوذر، تو می دانی که اینها چرا یکدیگر را با شاخ می زنند؟ من گفتم نمی دانم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مگر الله جل جلاله می داند که چرا، اینها یکدیگر را با شاخ می زنند و نزدیک است که در بین شان فیصله کند.^(۱) (که همانا روز محشر است) در حدیث دیگر در حق کسی که زکات حیوانات خود را نمی دهد، آمده است:

شتران، مالکان خود را زیر پاهای خود لگد کوب می کنند و بزها، مالکان خود را با پاهای و شاخها می زنند.^(۲) در روایت دیگری آمده است: وقتیکه الله تعالیٰ حیوانات وحشی را جمع کرد و آنها یکی از دیگری انتقام خود را گرفتند، الله تعالیٰ به آنها می گوید خاک شوید، آنها خاک می شوند در این وقت کافر نیز آرمان می کند که ای کاش من نیز خاک می شدم.^(۳)



۱. بعث را تعریف نمایید.
۲. حشر را تعریف کنید.
۳. دلایل اثبات بعث و حشر را بیان نمایید.
۴. بعث و حشر با هم چی تفاوت دارند؟ واضح سازید.
۵. الله تعالیٰ در روز قیامت کدام مخلوقات را حشر می کند؟



با استناد به آیات قرآنی، حوادثی را که در قیامت رخ می دهد، در چند سطر بنویسید.

^۱ - مسند احمد بن حنبل

^۲ - متفق علیه

^۳ - تفسیر بحر العلوم د ابواللیث السمرقندی. کتاب ۱ / ۴۶۷ تفسیر طبری، تيسیر الاعتقاد شرح لمحة الاعتقاد ۱ / ۴۲۱

شفاعت حضرت محمد ﷺ

آیا می‌دانید که شفاعت چی را می‌گویند و شفاعت چند نوع است و پیامبر اکرم ﷺ چی وقت و در حق کی شفاعت می‌کند؟
جهت فهم مطالب یاد شده، درس زیر را می‌خوانیم:

تعريف شفاعت

شفاعت در لغت خواستن نیکی و بخشش برای کسی را گویند و در اصطلاح علم عقاید: التماس به بارگاه الله تعالی است، در روز قیامت تا از جرم و گناه کسی بگذرد و او را مورد عفو قرار بدهد.^(۱)

دلیل اثبات شفاعت

- الله تعالی می‌فرماید: «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُودًا» [الإسراء: ۷۹] ترجمه: زود است که ترا پروردگارت به مقام ستوده شده برساند.
- حضرت عبد الله بن مسعود، حذیفه بن الیمان، عبد الله بن عمر، سلمان فارسی و جابر بن عبد الله - رضی الله تعالی عنهم - می‌فرمایند که از (مقام محمود) شفاعت کبرای رسول اکرم ﷺ مراد است.^(۲)
- که آنحضرت ﷺ می‌فرمایند: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُ عَنْهُ الْقُبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفِّعٍ» ^(۳) ترجمه: من در روز قیامت سردار اولاد آدم ﷺ هستم، و من اولین کسی می‌باشم که از قبر بر می‌خیزم و من نخستین کسی هستم که شفاعت خواهی می‌کنم و اولین کسی می‌باشم که شفاعتم مقبول حق واقع می‌گردد.

۱- در این درس هدف از شفاعت، شفاعت پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ است که در روز قیامت در حق همه می‌کند.
۲- تفسیر زاد المسیر للامام ابن الجوزی رح- (۵ / ۷۶) و تفسیر النکت والعيون لللام الماوردي البصري (۳ / ۲۶۵)
۳- صحیح مسلم - ۷ / ۵۹

اقسام شفاعت پیامبر اسلام

۱. شفاعت کبری

هنگامی که تمام انسان‌ها در صحرای محشر جهت حساب اعمال شان جمع می‌شوند و به این انتظار می‌باشند که چی وقت الله تعالی با آنها محاسبه اعمال شان را شروع می‌کند، انسان‌ها به حضور رسول الله ﷺ می‌آیند و از آنحضرت ﷺ می‌خواهند که از الله تعالی بخواهد که با اهل محشر محاسبه را شروع فرماید. بعداً رسول کریم ﷺ به پیشگاه رب العزت به سجده می‌رود و به الله تعالی تصرع می‌کند الله تعالی برایش می‌فرماید: ای محمد! سر خود را بلند کن هر چه می‌خواهی برایت داده می‌شود و شفاعت قبول می‌شود.^(۱)

فعالیت: آیا امت‌ها از پیامبران دیگر نیز درخواست شفاعت می‌کنند؟ در این باره آنچه شنیده اید، بیان نمایید.

۲. شفاعت صغیری

مراد از شفاعت صغیری، سفارش خواهی پیامبر ﷺ است که برای مردم بصورت جداگانه می‌نمایند، که برخی از آنها قرار ذیل اند:

۱. شفاعت در حق کافه مؤمنان برای رفتن به جنت.
۲. شفاعت در حق کسیکه نیکی و بدی اش با هم برابر باشد، تا به جنت داخل شود.
۳. شفاعت در حق افراد گنهکار از امت پیامبر ﷺ تا الله تعالی گناهان شان را مورد عفو و آمرزش قرار دهد و آنان را از دوزخ کشیده و به جنت داخل کند.
۴. شفاعت آنحضرت ﷺ در حق نیکو کاران بمنظور ارتقای درجات و مراتب ایشان.
۵. شفاعت رسول اکرم ﷺ در حق بعضی از افراد که بدون محاسبه داخل جنت شوند.
۶. شفاعت برای کسانیکه سزاوار عذاب هستند جهت تخفیف عذاب.^(۲)

^۱- صحیح مسلم: ۴۷۲

^۲- شرح العقيدة الطحاوية - (۱) / (۲۰۳)



۱. شفاعت را تعریف کنید.
۲. اقسام شفاعت رسول اکرم ﷺ را ذکر کنید.
۳. در اثر شفاعت رسول اکرم ﷺ کدام اشخاص از دوزخ رهایی می‌یابند؟



شاگردان عزیز به کتب احادیث مراجعه نموده چگونگی شفاعت کبرای رسول اکرم ﷺ را بصورت مکمل در کتابچه های شان رونویس نموده و در صنف با هم بخوانند.

وزن کردن اعمال

انسان در کره زمین بیهوده پیدا نشده؛ بلکه تمام عملکرد هایش نوشته می شود و در روز قیامت با او محاسبه می گردد؛ نیکی ها و بدی هایش وزن می شود؛ کسیکه نیکی اش در پله ترازو گران شد، کامیاب و کسیکه پله ترازوی نیکی اش سبک شد، ناکام می باشد.

وزن اعمال چی را گویند دلیل آن چیست و چطور صورت می گیرد؟ در این درس به این پرسشها پاسخ ارایه می گردد.

چگونگی وزن کردن اعمال

در روز قیامت زمانیکه انسانها زنده می شوند، با سفارش خواهی حضرت محمد مصطفی ﷺ شمارش اعمال آن ها آغاز می شود، عملنامه مردم نیکو کار به دست های راست و از مردم بد کار به دست های چپ شان داده می شود. حساب شروع می گردد، مردم به گناهان شان اعتراف می کنند و وزن کردن اعمال در ترازو آغاز می شود. کسیکه پله نیکی هایش گران شود، به جنت می رود و کسیکه پله ترازوی بدی اش گران گردد، به مشیت و اراده الله تعالی قرار می گیرد. اگر الله تعالی بخواهد او را به جنت داخل می سازد و اگر بخواهد او را مدتی به جهنم می افگند و به قدر گناهانش اورا مجازات و بعداً وارد جنت می نماید.

دلایل اثبات وزن شدن اعمال

وزن کردن اعمال به قرآن کریم و احادیث شریف ثابت است.

الله تعالی در مورد دفترچه های اعمال و حساب می فرماید: **﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَى أهْلِهِ مَسْرُورًا وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُورًا وَيَصْلَى سَعِيرًا﴾** [الإنشقاق: ٧ - ١٢] ترجمه: «و هر آنکس که عملنامه اش به دست راست وی داده شود، پس با او به آسانی حساب کرده می شود، و به نزد اهل و خویشان خود شادمان بر می گردد و به آن کس که عملنامه اش از قفا داده شود برای خویشتن هلاکت را می طلبد و به آتش در آورده می شود.»

در آیت دیگری در مورد وزن نمودن اعمال می‌فرماید: **وَالْوَزْنُ يَوْمَ الْحُقُّ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** [الأعراف: ٨] ترجمه: «و در آن روز سنجش {اعمال} حق است، پس هر کس میزان‌های {عمل} او گران شود همان گروه رستگاراند» با کافر محاسبه اعمال هست، مگر وزن و سنجش در میزان نیست؛ زیرا که در پله دیگر نیکی ندارد. الله تعالی در این باره فرموده است: **أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَاءِهِ فَخِطَّتْ أَعْمَالَهُمْ فَلَا تُقْيِمُ لَهُمْ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَرَبُّنَا** [الكهف: ١٠٥] ترجمه: «آنان کسانی اند که به آیات {قرآن و دلائل قدرت} پروردگار شان و ملاقات او بی باور و کافرنده، و در نتیجه اعمالشان باطل و هدر می‌رود و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قابل نمی‌شویم.»

راه‌های محو شدن بدی‌ها از دفتر اعمال

اگر از کسی عمل بد صادر شود، در عملنامه اش نوشته می‌شود، آیا کدام راه و چاره‌ای است که این بدی از صفحه عملنامه اش محو گردد؟ نیکی، بدی را محو می‌کند. الله تعالی می‌فرماید: **إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ** (هود: ١١٤) ترجمه: بدون شک نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند.

برخی از نیکی‌ها که در امحای بدیها کمک می‌کند، قرار زیر اند:

۱. نیکی کردن بعد از بدی: رسول الله ﷺ به حضرت ابوذر غفاری ﷺ فرمودند: «اَتَى اللَّهُ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتَبْعَثُ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا وَخَالقُ النَّاسَ بِخُلُقِ حَسَنٍ»^(١) ترجمه: هر جائیکه باشی، از الله تعالی هراس داشته باش، پس از بدی به نیکی مبادرت کن که بدی را محو کند، و با مردم به اخلاق نیکو برخورد کن.

۲. بعد از ارتکاب گناه وضو کردن، سپس دو رکعت نماز خواندن واز خدای تعالی مغفرت خواستن: رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ يُذَبِّثُ ذَبَابًا فَيَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يُصْلِي رَكْعَتَيْنِ فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا غَفَرَ لَهُ»^(٢) ترجمه: «هیچ شخص نیست که مرتکب گناهی شود، سپس وضو کند و وضویش را درست و نیکو انجام دهد، سپس دو رکعت نماز گزارد و در پی آن از خداوند مغفرت طلب کند، مگر آنکه خداوند پاک گناهش را می‌بخشاید».

۱- مستند احمد

۲- مستند احمد

بنا بر این حدیث شریف، کسیکه مرتكب یک گناه شود؛ سپس وضو کند و وضو را به صورت کامل انجام بدهد، بعداً دو رکعت نماز بخواند و از الله سبحانه و تعالی طلب آمرزش نماید، الله ﷺ او را به یقین می‌آمرزد.

۳- صبر در مشکلات، مریضی‌ها و مصیبت‌ها: رسول الله ﷺ می‌فرماید: «**مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٌّ وَلَا حُزْنٌ وَلَا أَذْيَ وَلَا غَمٌّ حَتَّى الشُّوَكَةِ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ»^(۱) ترجمه: به مسلمان هیچ افسرده‌گی، مریضی، تکلیف، اندوه، ضرر و غم نمی‌رسد حتاً فرو رفتن خار در پایش؛ مگر اینکه سبب آمرزش گناهانش می‌شود.**

اعمال قابل توجه و با ارزش در ترازوی اعمال

تمام اعمال نیک، قابل توجه و با ارزش است که نباید ناچیز شمرده شود، مگر در روشنایی ارشادات نبوی ﷺ؛ بعضی از اعمال حین سنجش ترازو که پله را گرانبار می‌سازند، قرار آتی اند:

۱. اخلاق نیک: رسول الله ﷺ فرموده اند: «**مَا شَيْءَ اللَّهُ أَنْقَلَ فِي مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ حُلْقِ حَسَنٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَيُبَغْضُ الظَّاحِشَ الْبَذِيءَ»^(۲) ترجمه: «هیچ چیز در روز قیامت در پله ترازوی مؤمن، سنگین تراز اخلاق نیک نیست، و الله ﷺ به اشخاص بد زبان، به نظر خشم می‌نگرد». همچنان داشتن اخلاق نیکو، نشان ایمان کامل است، رسول کریم ﷺ می‌فرمایند: «**أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَخْسَنُهُمْ خُلُقًا**^(۳)» ترجمه: از همه مؤمنان، کاملترین ایشان از نگاه ایمان، همان مؤمنی است که نسبت به همه اخلاقش بهتر باشد.**

۲. ذکر: ورد یومی داشتن و به کثرت خواندن اذکار دعاها متأثر و مسنون؛ مانند: (**سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ**) اجر زیاد دارد، رسول الله ﷺ در این مورد می‌فرمایند: «**كَلِمَاتُنِ حَقِيقَاتٍ عَلَى الْلَّسَانِ تَقِيلَاتٍ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَاتٍ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ**^(۴)». ترجمه: دو کلمه است که بر زبان خفیف و در ترازوی اعمال وزین و به

^۱- صحیح البخاری

^۲- مسند الصحابة في الكتب السته - (۳۸ / ۱۲۵)

^۳- سنن أبي داود- ن - (۴ / ۳۵۴)

^۴- متفق عليه

نzd الله تعالى محبوب اند و این دو کلمه عبارت از: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» می باشند.

همچنین رسول الله ﷺ در مورد ذکر کلمه (الْحَمْدُ لِلَّهِ) فرموده اند: (الْحَمْدُ لِلَّهِ تَمَلاً الْمِيزَانَ) ترجمه: (الْحَمْدُ لِلَّهِ) میزان اعمال نیک را پر می نماید.



۱. اعمال انسانها چی وقت وزن می شود؟
۲. دلایل اثبات وزن کردن اعمال انسانها را بیان نمایید.
۳. اسباب محو کردن گناهان را بیان کنید.
۴. کدام اعمال در گرانبار شدن ترازوی سنجش اعمال، نقش زیاد دارند؟

حوض

بعد از حساب و سنجش اعمال در میزان و سپردن عملنامه مسلمانان از حوض رسول الله ﷺ آب می‌نوشند که تشنگی آنان فرو می‌نشیند.

حوض، نیز از جمله آن غیبیات (امور پوشیده) است که ایمان داشتن به آن ضروری است.

تعریف حوض

حوض، محل تجمع آب را می‌گویند. در اینجا مقصد آن حوضی است که الله تعالیٰ به پیامبر محبوب خود حضرت محمد ﷺ جهت تکریم و نوازش آنچنان عنایت فرموده است، تا امت آنحضرت ﷺ از آن حوض آب بنوشند و رفع تشنگی نمایند.

دلایل اثبات حوض

حوضی را که الله تعالیٰ در آخرت به پیامبر خود ارزانی می‌فرماید، در قرآن کریم و احادیث آنحضرت ﷺ ثابت گردیده است.

الله تعالیٰ در قرآن کریم فرموده است: **«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»** [الکوثر: ۱] ترجمه: یقیناً ما به تو (محمد) کوثر دادیم. اکثر علماء در اینجا از کوثر معنی حوض را دانسته اند؛ حوض در احادیث شریف نیز ثابت گردیده، و احادیث روایت شده در این مورد متواتر اند. شمار راویانی که درین مورد احادیث را روایت نموده اند، از پنجصد نفر بیشتر است.

نبی کریم ﷺ در یک حدیث شریف که حضرت ابوذر رض روایت نموده، می‌فرماید: «عَنْ أَبِي ذِرَّةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا آئِيَةُ الْحُوْضِ؟ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ يَدِيهِ، لَآتَيْنَاهُ أَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكَوَافِكَهَا أَلَا فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلَمَةِ الْمُصْحِيَّةِ آئِيَةُ الْجَنَّةِ مَنْ شَرَبَ مِنْهَا لَمْ يَظْمَأْ أَخْرَى مَا عَلَيْهِ يَشْبُبْ فِيهِ مِيزَابَانٌ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْ شَرَبَ مِنْهُ لَمْ يَظْمَأْ عَرْشُهُ مِثْلُ طُولِهِ مَا بَيْنَ عَمَانَ إِلَى أَيْلَةِ مَأْوَهُ أَشَدُ بَيَاضًا مِنَ الْبَيْنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسْلِ»^(۱)

ترجمه: «حضرت ابوذر رض می‌فرماید: من از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم که تعداد ظروف حوض چقدر است؟ نبی کریم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: قسم به آن ذاتی که نفس محمد در

^(۱) - رواه مسلم.

اختیار اوست، شمار ظروف حوض از تعداد ستاره گان آسمان بیشتر است؛ از آن ستارگانی که در شب تاریک پدیدار می‌شوند، ظرفهایش از جنت است. هر کسی که از این حوض آب بنوشد، هر گز تشنه نمی‌گردد. در آن، دو ناوه از آب جنت می‌ریزد، کسیکه از این حوض آب بنوشد هیچگاه تشنه نمی‌شود. عرض و طول آن با هم برابر اند. مساحت آن عرضاً و طولاً به اندازه مسافت عمان‌الی ایله^(۱) است آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل است. «

در حدیث دیگری رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «**حُوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ وَرَوَايَاهُ سَوَاءٌ وَمَاوَهُ أَبْيَضُ مِنَ الْوَرْقِ وَرِبْخَةٌ أَطْيَبُ مِنَ الْمُسْكِ وَكَيْرَانَهُ كَنْجُومُ السَّمَاءِ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَا يَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا**.»^(۲)

ترجمه: حوض من به اندازه یک ماه (راه پیمودن) فاصله، وسعت دارد. زاویه های آن با هم برابرند، آب آن از زر سفید (نقره)، سفید تر است و بوی آن از مشک خوشبوتر، ظرف های آن مانند ستاره گان آسمان اند، هر که از این حوض آب بنوشد، هیچگاه تشنه نمی‌شود.

حکم ایمان داشتن به حوض

ایمان و یقین به وجود حوض رسول الله ﷺ در روز قیامت، لازم و ضروری است. کسیکه به حوض اعتقاد دارد؛ مستحق ثواب و منکر آن مبتدع و فاسق شناخته می‌شود.
کدام اشخاص از حوض محروم اند؟

امام بخاری -رحمه الله تعالى- از حضرت انس روایت می‌کند که حضرت نبی کریم ﷺ فرموده اند: «**لَيَرِدَنَ عَلَيَ نَاسٍ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضَ حَتَّى عَرَفُتُهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي فَأَقْوُلُ أَصْحَابَيِ فَيَقُولُ لَا تَدْرِي مَا أَخْدَثُوا بَعْدَكَ**»^(۳) ترجمه: بدون تردید بعضی از اصحاب من به طرف من، (کنار) حوض می‌آیند، که من آنان را می‌شناسم، سپس از نزدیک من برگردانده می‌شوند، من می‌گویم: اینها اصحاب من هستند، (منادی) می‌گوید: تو اطلاع نداری که آنها بعد از تو چه کارهای را انجام دادند.

همچنان در حدیث دیگر که اسماء بنت ابو بکر صدیق -رضی الله عنها- روایت می‌کند، رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «**إِنَّى عَلَى الْحَوْضِ حَتَّى أَنْظَرَ مَنْ يَرِدُ عَلَيَ مِنْكُمْ وَسَيُؤْخَذُ أَنَاسٌ دُونِي**

^۱- ایله نام قدیم بیت المقدس بوده است، و عمان نام پایخت اردون امروزی است که در شمال عربستان سعودی واقع است.

^۲- رواه مسلم.

^۳- رواه البخاری.

فَأَقُولُ يَا رَبِّ مِنْيَ وَمِنْ أَمْتَىٰ . فَيُقَالُ أَمَا شَعْرَتْ مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ وَاللَّهُ مَا تَرْخُوا بَعْدَكَ يَرْجِعُونَ عَلَىٰ أَغْقَابِهِمْ»^(۱) .

ترجمه: من بالاي حوض می باشم تا بینیم از شما کی نزد من می آید، و به بعضی از مردم اجازه ورود برمن داده نمی شود، پس می گویم، ای الله ! این شخص از من و از امت من است، پس گفته می شود: آیا تو خبر نداری که اینها بعد از تو چه کردند؟ قسم به الله که اینها بعد از تو بدون کمترین درنگی (از راه سنت تو) بر می گردیدند.« پس هر که از دین الله تعالی، انحراف نماید یا در دین کدام چیز نوی را به وجود آورد، از حوض رسول اکرم ﷺ طرد و رانده می شود و هیچگاهی از آن حوض آب نخواهد نوشید.



۱. حوض را تعریف نمایید.
۲. دلایل اثبات حوض را بیان کنید.
۳. حکم ایمان در باره حوض را واضح سازید.
۴. کدام اشخاص اند که به حوض راه داده نمی شوند؟

^۱ - رواه مسلم

صراط

زمانی که در میدان حشر، با انسانها حساب و کتاب به اتمام می‌رسد، مطابق امر الله تعالی، فرشتگان مکرم، جهت گذشتن بندگان، بر متن (پشت) دوزخ، پلی می‌گذارند و خلائق از روی آن پل عبور می‌کنند.

تعریف صراط

صراط از نظر لغت به مفهوم راه کلان است.

و در اصطلاح: عبارت از پلی است که برای همه مردم، در روز قیامت، بالای جهنم اعمار می‌گردد، مردم نیک از بالای آن عبور می‌نمایند و مردم بدکار از فراز آن به جهنم می‌افتد. زمانی که در محشر با انسانها محاسبه انجام می‌گیرد، بعد از آن، الله تعالی به ملائکه امر می‌کند که بالای جهنم پل اعمار کنند، و به بندگان فرمان داده می‌شود که از پل بگذرند.

عبور از پل، با عمل ارتباط مستقیم دارد. اگر عمل کسی خوب (صالح) باشد، به سهولت و آسانی از پل می‌گذرد و اگر زشت باشد، با بسیار مشقت از پل عبور می‌کند و یا اینکه در جهنم می‌افتد.

دلیل اثبات صراط

پل صراط و عبور کردن از آن به قرآن کریم، احادیث سرور کائنات^۱ و اجماع امت ثابت شده است:

أ. قرآن کریم: الله تعالی می‌فرماید: **«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِذَّهَا»** [مریم: ۷۱] ترجمه: «هیچ یک از شما نیست، مگر اینکه به جهنم وارد می‌شود» بعضی مفسرین کرام واژه «وارد ها» را به عبور ترجمه نموده اند، که تمام مردم در روز قیامت، یکبار از پل صراط عبور می‌نمایند.

ب. حدیث شریف: در احادیث متعدد، از پل صراط یاد شده است طوریکه رسول کریم^{علیه السلام} می‌فرماید: **«وَيُنْضِرُ جِهَنَّمَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- : فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُجِيزُ وَدْعَةَ الرُّسُلِ يَوْمَئِدِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ سَلِّمْ»**^(۱)

^۱ صحیح البخاری ت - (۴۱۹ / ۱۶). صحیح مسلم - (۱۱۲ / ۱)

ترجمه: و سپس به سر جهنم، پل نهاده می‌شود، پیغمبر ﷺ فرمودند: من اولین کسی هستم که از پل عبور می‌کنم و همگی پیغمبران در این وقت این دعا را می‌خوانند: ای الله! سلامتی می‌خواهم، ای الله سلامتی می‌خواهم.

ج. اجماع امت: تمام علمای اهل سنت و جماعت به این اجماع کرده اند که پل صراط حق است.

صفت پل صراط

در قرآن کریم پل صراط به صورت اجمالی یاد شده، مگر در احادیث شریف، به ارتباط پل صراط، معلومات کافی و موجه ارایه گردیده است.

هیچ کسی از آن پل، نظر به باریکی، عرض و پختگی آن عبور نمی‌تواند؛ مگر کسیکه در دنیا اعمال شایسته کرده و به توفیق الله تعالیٰ، از فراز آن می‌گذرد.

حال عبور کننده گان از پل صراط

عبور کننده گان پل صراط، نظر به اعمال نیکو و اعمال زشت شان یکسان نمی‌باشند؛ بعضی به سرعت برق از آن عبور می‌نمایند، برخی مانند وزش باد تیز می‌گذرند، عده ای مانند اسب تندره، می‌روند، شماری با دوش گذر می‌کنند، یکعدده تن دمی‌گذرند، عده ای به حالت عادی عبور می‌کنند، مگر انسان‌های بد عمل، در پل صراط به چنگکها می‌چسپند و سرنگون به جهنم پرتاب می‌شوند.

ایمان داشتن به صراط

ما باور کامل و ایمان جازم داریم که در روز قیامت، الله تعالیٰ بر فراز دوزخ پل صراط را می‌نهد و انسانها از آن عبور می‌کنند؛ این صراط حقیقی است، که الله تعالیٰ کیفیت آن را به صورت مکمل می‌داند.



۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی صراط را واضح سازید.

۲. در قیامت، نخست از همه، کی از پل صراط عبور می‌نماید؟

۳. پل صراط، در کجا نهاده می‌شود؟

۴. پل صراط حقیقی است یا مجازی؟



شاگردان خلاصه درس را در کتابچه های خود بنویسند.

جنت

چنانچه در درس‌های گذشته خواندیم که الله تعالیٰ، انسان‌ها را از قبرهای شان بر می‌خیزاند و عملنامه هر انسانی به دستش داده می‌شود، و اعمال مؤمنان توسط میزان وزن کرده می‌شود و پلۀ اعمال نیک هر که سنگین بود، با سر فرازی به جنت می‌رود.

تعریف جنت

جنت واژه عربی است و به معنی باغ فراخ و گسترده می‌آید، که زمین آن با درختان گوناگون پوشانیده شده باشد.

در شرع شریف: جنت عبارت از آن جایی است که الله ﷺ برای مؤمنان آماده ساخته و با نعمت‌های مختلف و متنوع و فرش‌های نفیس تزیین گردیده و مؤمنان برای همیشه در آن بود و باش خواهند کرد. جنت پاداش است از جانب الله متعال برای بنده گان صالح در بدل اعمال نیکی که در دنیا انجام داده اند.

شرح تعریف

لفظ جنت در زبان عربی دارای معانی متعددی است. مانند چیزی که از دید پنهان باشد، با غچه‌هایی که در آن بته‌های رنگارانگ و درختان میوه دار وجود دارد و با سایه‌های آن روی زمین پوشیده شده است.

از دیدگاه علم عقاید، جنت عبارت از جایی در آخرت است که در آن نعمت‌های رنگ رنگ و متنوع موجود می‌باشد. الله ﷺ جنت را برای کسانی آماده نموده که به الله تعالیٰ، به ملائک او، به کتابهای او، به پیامبران او، و به روز آخرت ایمان جازم داشته باشند و در دنیا اعمال نیک انجام داده و زنده گی خود را مطابق با احکام خداوند و سنت نبوی عیار نموده باشند.

بهشت دارای نام‌های زیادی است، مانند: دار السلام (خانه سلامتی) و فردوس.

دلایل اثبات جنت

اول: دلایل قرآنی: الله ﷺ در مورد خلقت جنت می‌فرماید: **﴿أَعْدَتُ لِلْمُتَّقِينَ﴾** [آل عمران: ۱۳۳] ترجمه: (آن بهشت) برای پرهیز گاران مهیا گردیده است.

الله تعالی در آیت دیگری می فرماید: «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَعْدَثْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» [الحدید: ۲۱] ترجمه: «برای رسیدن به آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهناش چون پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آمده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند بر یکدیگر سبقت جویید.»

دوم: دلایلی از حدیث: وجود جنت در احادیث زیادی ثابت گردیده است: نبی کریم ﷺ در یک حدیث فرموده اند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَعْدَدْ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أَذْنُ سَمِعَتْ وَلَا حَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ». ^(۱) ترجمه: حضرت ابو هریره ﷺ از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت می کند که الله عزوجل فرموده اند: من برای بندگان صالح خود نعمت هایی را آمده کرده ام که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی صفت آنها را شنیده و نه در دل کدام بشر خطور کرده است.

جنتی‌ها (بهشتیان)

بهشت جایگاه مردم نیکو کار، پرهیزگار، دارنده گان ایمان استوار، اشخاص مقرب خداوند عزوجل است؛ آنانی که به احکام الهی منقاد بوده و از نواهیش اجتناب می ورزند.

ورود جنتی‌ها به جنت

اهل جنت گروه گروه، شادمان و سواره بسوی آن راه می افتدند.

الله تعالی در این مورد می فرماید: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَي الرَّحْمَنِ وَفُدَّاً». [مریم: ۸۵] ترجمه: «{یاد کن} روزی را که پرهیزگاران را بسوی {خدای} رحمان گروه گروه محسور می کنیم.»

حضرت علی ﷺ فرموده اند: آنان یعنی بهشتیان پیاده برده نمی شوند؛ بلکه بر آن محمول‌ها سوار می باشند، که خلائق، آن وسایل سواری را ندیده اند. ^(۲)

ایمان داشتن به وجود جنت

عقیده و باور باید داشت که الله تعالی جنت را قبل از پیدایش دیگر مخلوقات، آفریده است و اکنون هم موجود است و همیشه می باشد و هر گز فنا نمی گردد. ^(۳)

^۱ - صحیح مسلم

^۲ - تفسیر الطبری - (۲۵۴ / ۱۸)

^۳ - الفقه الأکبر - (۱ / ۶۳)، العقيدة الطحاويه - (۱ / ۵۱)

۱. جنت را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات جنت را بگویید.
۳. جنت جای کدام مردم است؟
۴. جنتیان چطور به جنت برده می‌شوند؟
۵. حکم ایمان در رابطه به جنت چگونه است؟ بیان نمایید.



شاگردان در مورد اعمال نیکویی که سبب دخول جنت می‌گردند، یک مقاله تحریر کنند.

جهنم

زمانی که خداوند متعال، همه انسانها را از قبرهای شان دوباره بر می‌انگیزد، و به هر شخصی صحيفه اعمالش داده می‌شود، اعمال آدمی شمرده می‌شود؛ مردمان مخلص و نیکو کار، وارد بهشت می‌شوند و مردمان بد کردار، که در دنیا مرتکب گناه شده بودند در دوزخ افگنده می‌شوند.

تعریف جهنم

جهنم به معنی کنده و گودال است. و در شرع، جهنم نام آن آتشی است که الله تعالیٰ جهت تعذیب و مجازات کفار و مسلمانان گنهکار آفریده است.

شرح تعریف

جهنم، نام آن آتش است که الله تعالیٰ برای کافران، مشرکان، منکران رسالت حضرت محمد ﷺ و مسلمانان گنهکار آفریده است.

جهنم جای ابدی و دائمی کافران است، و مسلمانان گنهکار به اندازه جرم و گناه شان در جهنم عذاب می‌شوند و سپس، از آن بیرون آورده می‌شوند.

جهنم، نام های زیادی دارد؛ از قبیل: لظی، حطمہ، سعیر، سقر، جحیم، هاویه، و نیز جهنم طبقه‌ها و درجه های زیادی دارد، که یکی از دیگر سخت تر و هلاک کننده تر است.

دلایل اثبات دوزخ

الله تعالیٰ در قرآن کریم در باره دوزخ می‌فرماید: «فَأَتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتُ لِلْكَافِرِينَ» [آل‌بقره: ۲۴]

ترجمه: «پس از آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ‌ها اند، بترسید که برای کافران تهیه گردیده است.»

در آیت کریمهٔ دیگری، الله تعالیٰ میفرماید: «وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» [آل عمران: ۱۳۱] ترجمه: «و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است» همچنان یاد دوزخ در احادیث زیادی وارد گردیده و تمام امت هم به موجودیت آن اجماع کرده اند.

جهنمیان (دوزخیان)

جهنم، جای کافران، منافقان، مجرمان، متمردان، ظالمان، گمراهان، دوستداران دنیا در برابر آخرت، بدکرداران و جایگاه کسانی است که با الله ﷺ و با رسول او تعالیٰ دشمنی میورزند و از ادای اوامر الله تعالیٰ و رسول خدا کوتاه آمده و به راه حق گرایش ندارند.

بردن دوزخیان به جهنم

برخی مردم با چهره های پریشان، غبار آلود و سرچپه با روهای شان به جهنم برده میشوند؛ شخصی از رسول الله ﷺ پرسید: چگونه آنها بر روهای شان برده میشوند؟ پیامبر ﷺ برایش گفت: آن ذاتی که آنها را بر پاها برده میتواند، به این هم قادر است که آنان را بر روی های شان نیز ببرد.^(۱)

جهنمیان؛ مانند: حیوانات، گله گله رانده میشوند، و از هر طرف، ملائکه بالای آنها آواز میکنند، الله ﷺ میفرماید: «وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا» [الزمر: ۷۱] ترجمه: «و آنایکه کافر شدند دسته دسته سوی دوزخ برده شوند.»

در آیت دیگری الله تعالیٰ میفرماید: «يَوْمَ يُدَعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَّا» [الطور: ۱۳] ترجمه: «روزیکه به سختی روان کرده شوند، بسوی آتش دوزخ روان کردنی» قبل از آنکه دوزخیان وارد جهنم گردند آوازی را میشنوند که پرده های گوش های شان را پاره میکند و از هراس زیاد و هیبت صدا، دل های شان میافتد.

الله ﷺ میفرماید: «إِذَا رَأَتُهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغْيِطًا وَزَفِيرًا» [الفرقان: ۱۲] ترجمه: «هنگامی که {این آتش فروزان دوزخ} ایشان را از دور میبیند {و آنان چشمشان بدان میافتد} صدای خشم آلود و جوش و خروش آن را میشنوند.»

^۱ - تفسیر الطبری ۲۶۸/۱۱۹

دوزخیان زیاد تشنه می‌باشند. الله تعالی فرموده اند: **«وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرَدًا»**.

[مریم: ۸۶] ترجمه: و مجرمان را تشنه به طرف دوزخ می‌رانیم.

و هنگامیکه دوزخیان به جهنم برده می‌شوند، کور می‌گردند؛ هیچ چیزی را دیده نمیتوانند؛ همینطور گنگ می‌شوند، زبان شان تو انایی سخن گفتن را ندارد و کر می‌شوند و هیچ صدایی را شنیده نمی‌توانند. الله تعالی می‌فرماید: **«وَنَحْشِرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمِّيَا وَنُكَمًا وَصُمًّا»**. [الإسراء: ۹۷]

ترجمه: «و در روز رستاخیز، ایشان را بر روی رخساره {کشانده} کور، گنگ و کر {از گورها} جمع می‌گردانیم»

الله تعالی می‌فرماید: **«فَلِلَّٰهِنَّ كَفُّرُوا سُتْغَلَبُوْنَ وَنَحْشِرُوْنَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ»**. [آل عمران: ۱۲]

ترجمه: «ای محمد! به آناییکه از دعوت شما انکار کرده اند بگو: آن وقت نزدیک است که شما مغلوب شوید و به طرف دوزخ دوان رانده شوید که بد جایگاهی است.» و یا طوری که الله تعالی در این آیت ارشاد فرموده اند: **«فَوَرَبَكَ لَنَحْشِرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِيشًا»**. [مریم: ۶۸]

ترجمه: «سوگند به پروردگارت، هر آئینه کافران را همراه با شیاطین گرد می‌آوریم و سپس ایشان را گردآگرد دوزخ به زانو در افتاده و ذلیلانه حاضر می‌سازیم.»

این بدترین حالت ذلت و رسوایی است که الله تعالی آنرا تصویر نموده است. هنگامیکه آنها به طرف جهنم کشانده می‌شوند و حالت دهشتناک آتش را مشاهده می‌کنند، اظهار پشیمانی و ندامت می‌نمایند و به این آرمان می‌باشند که ای کلاش! یکبار دیگر به دنیا برده شوند تا ایمان بیاورند و از آتش رهایی یابند.

الله تعالی می‌فرماید: **«وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقْفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْسَنَا نُرُدُّ وَلَا نُكَذَّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»**. [الأنعام: ۲۷]

ترجمه: «اگر تو (ای محمد!) آنان را مشاهده کنی، آنگاه که ایشان را (در کنار) آتش دوزخ نگاه می‌دارند، آنان می‌گویند: ایکاش! به دنیا بر می‌گشتهیم و آیات پروردگار مان را تکذیب نمی‌کردیم و از زمرة مؤمنان می‌شدیم»

حکم ایمان داشتن به جهنم:

ایمان به موجودیت دوزخ فرض است و کسی که منکر آن باشد، از دایرة اسلام خارج می‌شود.^(۱)



۱. جهنم را تعریف کنید.
۲. دلایل اثبات دوزخ را بیان نمایید.
۳. دوزخ جای کدام مردم است؟
۴. کدام اعمال سبب داخل شدن در دوزخ می‌گردد؟
۵. دوزخیان چگونه به طرف دوزخ کشانیده می‌شوند؟
۶. حکم ایمان داشتن به وجود دوزخ را توضیح دهید.

^۱ - الفقه الأکبر - (۱ / ۶۳)، العقيدة الطحاويه - (۱ / ۵۱)



نواقض ایمان (۱)

شرک اکبر

شرک ظلم بزرگی است که اسباب هلاکت انسان را فراهم می‌آورد و چنان گناه بزرگی است که در نزد الله تعالی مورد بخشش قرار نمی‌گیرد.

تعاریف شرک

شرک، در لغت حصه و قسمت را گویند، که به شرکت، همتا و یکجا بودن هم اطلاق می‌گردد.

در اصطلاح، به ذات، صفات، تصرفات و عبادت الله تعالی شریک قایل شدن را شرک گویند.

۱. شرک در ذات: مانند این که کسی به وجود دو خدا یا بیشتر از آن معتقد باشد.

۲. شرک در صفات: مانند این که کسی صفات الله تعالی را به مخلوقات ثابت سازد، مانند شخصی که بدون اسباب، کسی را عالم به امور غیب بداند، و یا کسی را مانند الله تعالی سميع و قادر باور نماید، و یا صفات بندۀ گان را مثل صفات الله تعالی پنداشد.

۳. شرک در تصرفات: شرک در تصرفات این است که کسی بغیر از الله تعالی، کس دیگری را بدون اسباب، متصرف و کارساز و برآورنده حاجت دانسته و یا مشکل گشای قبول نماید.

۴. شرک در عبادت: عبارت از آن است که جهت بندۀ گی و عبادت، به غیر الله تعالی سر تسلیم فرود آورده و همراه با الله تعالی به کس و یا چیز دیگری طاعت، تعظیم و ستایش نماید؛ و اعتقاد موجود باشد که گویا این کس و یا چیز، دارای قدرت غیبی است و توانایی ضرر رساندن و یا منفعت رساندن را دارد.

اقسام شرک

شرک به دو گونه است: شرک بزرگ (شرک اکبر) و شرک کوچک (شرک اصغر) شرک اکبر: آن است که برای الله تعالی همتایی آورده شود و یا غیر الله تعالی به پرستش گرفته شود. این گونه شرک، انسان را از اسلام بیرون می‌نماید و همه اعمال را نابود می‌کند. اگر شخصی مرتکب این گونه شرک شود و پیش از توبه بمیرد، برای ابد در دوزخ می‌ماند.

با دقت در آیات قرآن کریم، چنین معلوم می‌گردد که شرک بزرگ به چهار قسم است: شرک در دعا و خواستن، شرک در قصد و نیت، شرک در طاعت، و شرک در محبت داشتن. و اینها ذیلاً توضیح می‌گرددند:

۱. شرک در دعا: دعا از انواع مهم عبادات به شمار می‌رود. رسول الله ﷺ می‌فرماید: (الدعاء هو العبادة^(۱)) الله تعالى می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَلْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» [غافر: ۶۰]. ترجمه: «و پروردگار شما گفت: مرا دعا کنید (از من بخواهید) برای تان اجابت می‌کنم، یقیناً کسانی که از عبادت من سر باز می‌زنند، زود است که در جهنم به ذلت داخل شوند». همین طور که دعا عبادت است، خواستن از کس دیگری، جز الله تعالى شرک است. الله تعالى می‌فرماید: «وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِإِنَّمَا حِسَابَهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ» (المؤمنون: ۱۷) ترجمه: «و هر کس که با خدا، معبد دیگری را به فریاد خواند و مسلمان هیچ دلیلی بر حقانیت آن خواهد داشت، حساب او با خدا است، قطعاً کافران رستگار نمی‌گرددند».

همچنان در آیت دیگری می‌فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ مُحْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَاهُهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (العنکبوت: ۶۵) ترجمه: «و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند؛ خدا را پاکدلانه می‌خوانند، ولی چون خداوند ایشان را به خشکی رساند و نجاتشان داد، آن‌گاه شرک می‌ورزند».

از این آیات، به صراحة معلوم می‌شود که غیر از الله تعالى کس دیگری را عبادت کردن و به غیر از الله تعالى از کسی کمک خواستن، شرک است.

۲. شرک در قصد و نیت: به شرکی گفته می‌شود که صاحب آن، با انجام دادن اعمال دینی، دست یافتن به مقاصد خاص دنیاگی را هدف بگرداند، و به صورت کلی هدف وی نشان دادن خود و ریاکاری باشد، البته منافقان هم این چنین می‌کنند و رضای الله تعالى را نمی‌طلبدند. این گونه شرک هم از جمله شرک بزرگ می‌باشد. الله تعالى می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُوَيْدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَرَبَّتَهَا نُوْفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسِنُونَ أَوْلَئِكَ الَّذِينَ لَيْسُ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا ثَلَاثَ وَحَاطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَيَا طَالِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [الھود: ۱۵، ۱۶] ترجمه: «کسانی که (تنها) خواستار زنده گی دنیا و زینت آن هستند، (پاداش) اعمال شان را در این جهان بدون هیچ گونه کم و کاستی می‌دهیم. آنان کسانی اند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره و سهمی ندارند و آنچه در دنیا انجام می‌دهند، ضایع و هدر می‌رود».

^۱ رواه احمد والترمذی

۳. شرك در طاعت: به شركى گفته مى شود که مرتكب اين گونه شرك، حرام بودن و حلال بودن را، بر خلاف حكم دين الله تعالى، از سوي مخلوق بپذيرد و قلباً باور داشته باشد که مخلوق حق حلال نمودن حرامي و يا حرام نمودن حلالی را دارد. الله تعالى در حق نصارا مى فرماید: **﴿تَحْذِيلُوا أَحْيَاءَهُمْ رَوْهَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمُسِيحَ ابْنُ مَرْيَمَ وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانُهُ عَمَّا يُشْكُونَ﴾** (الثوبه: ۳۱).

ترجمه: آنان دانشمندان و رهبانان (عبدان) خود را به غير الله تعالى به خدايی گرفتند، همين گونه مسيح فرزند مريم را، در حالی که امر نشده بودند، مگر به عبادت الله يگانه؛ ذاتی که جز او ديگري سزاوار پرستش نيسit، الله تعالى از سخنان مشرکانه آنان پاك و ميرا است.

۴. شرك در محبت: به شركى گفته مى شود که شخصی به چيزی يا شخصی، غير از الله تعالى چنان دوستی نماید و آن را چنان بزرگ پندارد که در نتيجه از روی عاجزی و عبودیت سرش را در برابر او خم نماید. البته سر خم نمودن از روی اجلال و تعظیم، خاص برای الله تعالى است و عبادت خاص برای اوست. الله تعالى مى فرماید: **﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْتَحْدِلُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنَّدَادًا يُجْحُونَهُمْ كَحْبَ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُ حُبًا لِّلَّهِ﴾** (البقرة: ۱۶۵) ترجمه: «برخی از مردم چنان اند که به الله تعالى همتایان ديگري مى گيرند و به آنان دوستی می ورزند، چنان دوستی که شايسته الله است و آنانی که ايمان آورده اند، از هر کس ديگري به الله تعالى بيشتر دوستی دارند.»

حكم شرك اكبر

شرك اكبر از جمله نواقض ايمان بوده و صاحب اين نوع شرك، مشرک گفته مى شود و تا ابد در دوزخ مى ماند؛ هرگز از جهنم بيرون نخواهد شد و شفاعت هیچ شفاعت کننده ای در حق او پذيرفته نمى شود.



۱. شرك را تعريف کنيد.
۲. شرك به چند گونه است؟
۳. شرك اكبر به چند گونه است؟
۴. آيا الله تعالى مشرک را خواهد بخشید؟
۵. شرك در قصد و نيت چه را مى گويند؟
۶. شرك در دعا چيست؟
۷. حكم شرك اكبر را بيان کنيد؟

شرک اصغر

تعریف شرک اکبر، اقسام و حکم آن را در درس قبلی آموختیم، دراین درس تعریف شرک اصغر و اقسام آن را فرا می‌گیریم.

تعریف شرک اصغر

شرک اصغر، عبارت از گناهی است که، حضرت پیامبر اکرم ﷺ در احادیث مبارک خود از جهت سرزنش و تهدید، آن را به نام شرک یاد نموده اند. اما شخص را از اسلام بیرون نمی‌نماید؛ اگر چه بزرگترین گناه محسوب می‌شود. این شرک به دو گونه است:

۱. شرک آشکارا: این گونه شرک در افعال و الفاظ می‌آید.

أ. الفاظ: مانند این که کسی به غیر الله تعالی سوگند بخورد، ابن عمر -رضی الله تعالی عنہما- فرموده است که به غیر الله تعالی سوگند یاد نکنید؛ زیرا: «فَإِنَّمَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ «مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ وَأَشْرَكَ»^(۱)

ترجمه: من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می‌فرمود: کسی که به غیر الله تعالی سوگند یاد کند، کفر ورزیده و شرک آورده است.

ب. افعال: مانند این که کسی برای دفع بیماری‌های خود از چیزهایی استفاده نماید که، از جانب الله تعالی، مفید معرفی نگردیده باشند. چنانچه نبی اکرم ﷺ فرموده است: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ»^(۲) ترجمه: کسی که (به گردن خود، اطفال و یا حیوانات) تعویذی را (به غرض رفع بیماری و چشم زدن) بیاوبیزد قطعاً شرک ورزیده است.^(۳)

۲- شرک خفی: شرک در اراده و نیت، شرک خفی گفته می‌شود. مانند ریاء؛ ریاء به عملی گفته می‌شود که کسی کار نیکی را به این قصد و نیت انجام دهد که مردم او را

۱- مسنند أحمد - (۲۴۹ / ۱۰)

۲- مسنند أحمد - (۶۳۷ / ۲۸)

۳- مراد از تعویذ درینجا آن چیزهایی است که در زمان جاهلیت (قبل از اسلام) رواج داشت و مشرکان آن چیزها را در گردن اطفال خود به نیت این که نظر نگردند می‌آویختند مانند بندها، تارها وغیره به نام تمیمه یاد می‌شود.

دیده از کار او تحسین نموده و او را به خاطر آن عمل ستایش کنند. الله تعالی می فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الكهف: ١١٠]

ترجمه: «پس هر که دیدار پروردگارش را آرزو می دارد، بایستی عمل نیک انجام دهد، و در پرستش با پروردگار خود کسی را شریک نگرداند.»

نبی اکرم ﷺ می فرماید: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشَّرْكُ الْأَصْغَرُ»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الشَّرْكُ الْأَصْغَرُ؟ قَالَ: «الرِّيَاءُ»^(۱) ترجمه: «یقیناً درباره شمانسیت به هرچیزی از شرک اصغر (شرک خورد) بیشتر بیمناکم، گفتند: ای رسول الله ﷺ، شرک اصغر چیست؟ فرمود: ریاء.»

فعالیت ها: شاگردان راجع به شرک اکبر و شرک اصغر با هم مباحثه نمایند.



۱. شرک اصغر را تعریف نمایید.
۲. چند مثال از شرک اصغر بیان نمایید.
۳. شرک اصغر چند گونه است؟
۴. شرک آشکارا چند گونه است؟
۵. حکم شرک اصغر را بیان نمایید.

ناقض ایمان (۲)

کفر اکبر

همان گونه که شرک، عمل ناروا، منافی توحید و از شکننده‌های آن است، کفر نیز یک عمل ناروا، منافی ایمان و بزرگترین ناقض توحید و ایمان می‌باشد.

تعریف کفر

کفر، درلغت پنهان نمودن چیزی را گویند؛ اما در اصطلاح علم عقاید به آنچه ضد ایمان است، کفر گفته می‌شود. یعنی ایمان نیاوردن به الله تعالیٰ و به پیامبران او، کفر گفته می‌شود. ایمان نیاوردن به صورت دروغ شمردن، یا شک نمودن در یگانگی او تعالیٰ، تردید و دو دل شدن، حسد ورزیدن با پیامبر الله تعالیٰ، کبر و سرکشی کردن در برابر شریعت الهی و یا چیزهای دیگری که از روی خواهش‌های نفسانی صورت بگیرد، همه کفر است.

امام رازی کفر را چنین تعریف کرده است:

«کفر، یعنی تصدیق نکردن پیامبر ﷺ در چیزی که آمدن آن حضرت با آن ضروری دانسته شده است»^(۱)

شرح تعریف

در اصطلاح علم عقاید، ایمان نیاوردن به الله ﷺ و یا به شریعت او تعالیٰ که به واسطه حضرت محمد ﷺ آورده شده، و یا منکر شدن از چیزهای دیگری که ایمان داشتن به آنها فرض می‌باشد و یا شک نمودن در آنها و دروغ دانستن آنها، از روی حسد، کبر و یا به اثر اسباب دیگری امتناع از قبول ارشادات الهی، همه کفر محسوب می‌گردد؛ زیرا ایمان حقیقتی است که تجزیه را نمی‌پذیرد؛ پس امکان ندارد که به بعضی از چیزهای قطعی ایمان آورد و از برخی دیگر منکر گردد.

^(۱) تفسیر فخر الرازی به نقل از العقيدة الإسلامية وأسسها – عبدالرحمن حسن حبنكة الميداني ص ۷۱۶

اقسام کفر

کفر دو گونه است:

کفریزگ (کفراکبر)

کفر کوچک (کفراصغر)

نخست: کفر اکبر: این گونه کفر، ضد ایمان است.

کفر اکبر به پنج گونه تقسیم شده است:

۱- **کفر دروغ شمردن:** نسبت دروغ (دروغگو دانستن) به فرستادگان الله تعالیٰ کفر است. هر کسی که انبیای الله تعالیٰ را در آنچه که از سوی او تعالیٰ آورده اند، دروغگو بداند، این شخص، کافر است و از اسلام خارج دانسته می‌شود؛ زیرا الله تعالیٰ فرموده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ» (العنکبوت: ۶۸)

ترجمه: چه کسی ظالم تراز آن کس است که به الله تعالیٰ دروغی را بیندد و یا به حق، دروغی را نسبت بدهد؛ آن گاه که او را برسد. آیا در دوزخ جایگاه کافران نیست؟

۲- **کفر انکار و تکبر:** این نوع کفر چنان است که شخص کافر، به حقانیت و راستی فرستاده گان الله تعالیٰ دانا باشد، و یقین داشته باشد که فرستاده الله تعالیٰ از جانب او و بر حق می‌باشد؛ اما از روی عناد و تکبر به اوامر الله تعالیٰ گردن نمی‌چنانچه الله تعالیٰ فرموده است: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمُلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَيَّ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (البقرة: ۳۴)

ترجمه: «و زمانی که ما به فرشته گان امر کردیم که در برابر آدم سجده کنید، همه سجده کردند، مگر ابلیس، که انکار ورزید، تکبر نمود و از گروه کافران گردید.»

۳- **کفر، شک، تردید و عدم یقین به صدق پیامبر:** به این گونه کفر، کفر ظن و گمان هم گفته می‌شود، چنانچه الله تعالیٰ می‌فرماید: «وَذَلِكَ جِئْنَتُهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظْلَمُ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبْدًا ﴿١﴾ وَمَا أَظْلَمُ السَّاعَةَ قَائِمَهُ وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ حَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَّا ﴿٢﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِاللَّذِي خَلَقْتَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ﴿٣﴾ لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا» [الكهف: ۳۵ - ۳۸] ترجمه: «و در حالی که او به خویشتن ستمگار بود، داخل باغ شد و گفت: گمان نمی‌کنم این نعمت هرگز زوال پذیرد، و گمان نمی‌کنم

که قیامت بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم؛ قطعاً بهتر از این را در بازگشت خواهم یافت، رفیقش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، به او گفت: آیا به آن کسی که تو را از خاک سپس از نطفه آفرید، آنگاه تو را [به صورت] مردی درآورد، کافر شدی؟! اما من [امی گویم] و اوست خدا، پروردگار من است و من هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم.»

۴- **کفر روی روبر تافتند و اعراض کردن:** مراد از این نوع کفر آن است که کسی از دین روی گرداند. یعنی نه به رهنمودهای نبوی گوش بدهد و نه به قلب میلی به طرف آن داشته باشد و نه خود را به آن واقف و آگاه نماید. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ﴾ (الأحقاف: ۳) ترجمه: «وآنانی که کافر شدند، از آنچه که بیمداده می‌شوند، روی میگردانند.»

۵- **کفر نفاق:** مراد از نفاق در اینجا نفاق در عقیده است، چنانکه کسی در ظاهر برای مردم، ایمان خود را آشکار می‌سازد؛ اما در باطن عقیده کفر می‌داشته باشد. چنانچه الله تعالی می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمُّوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يُفْقَهُونَ﴾ (المنافقون: ۳). ترجمه: «این (نفاق و باز داشتن از دین) به آن سبب است که آنان (نخست با زبان) ایمان آورند (سپس با دل) کافر شدند، پس به این سبب بر دلهای آنان مهر زده شد اکنون آنان هیچ چیزی را نمی‌دانند و درک نمی‌کنند»

اقسام نفاق

نفاق دو گونه است:

نخست: نفاق عقیدتی: به این گونه نفاق، کفر اکبر نیز گفته می‌شود و سبب خروج از اسلام می‌گردد. و این گونه نفاق شش قسم است؛ نسبت دروغ نمودن به پیامبر و یا به چیزهای که پیامبر از جانب الله تعالی آورده است، کینه ورزیدن با پیامبر، یا کینه ورزیدن با چیزهایی که رسول ﷺ از جانب الله آورده است، اظهار خوشی به سبب ضعیف شدن پیامبر و دین، یا بد شمردن کمک و همکاری با پیامبر.

دوم: نفاق عملی: این نفاق، نفاق اصغر هم گفته می‌شود، با این گونه نفاق، انسان از اسلام بیرون نمی‌گردد؛ اما باز هم گناه کبیره است. پیامبر ﷺ چند نمونه آن را برای ما بیان فرموده است: «أَرَيْتَ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةً مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ

خُصْلَةٌ مِنْ نِفَاقٍ حَتَّىٰ يَدْعَهَا إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ»^(۱)

ترجمه: «چهار خصلت است که اگر همه [آن چهار خصلت] در کسی پیدا شد، به تمام معنا منافق است. اگر یکی از آن چهار در کسی پیدا شد، در آن شخص عادتی از عادت‌های نفاق پیدا شده تا آن زمان که آن عادت را ترک نماید، آن چهار خصلت این هاست: هر گاه که سخن بزند، دروغ می‌گوید، و زمانی که پیمان ببنده، در آن غدر می‌کند، وقتی که وعده کند، وفا نمی‌کند و آنگاه که با کسی مخاصمه کند، دشnam می‌دهد.»

حکم کفر اکبر

کفر اکبر از جمله نواقض اسلام بوده و به صاحب این کفر، کافرگفته می‌شود واز اسلام بیرون می‌گردد، به سبب این کفر مستحق ابدی دوزخ گردیده و در روز قیامت، شفاعت هیچ شفاعت کننده، در حق او پذیرفته نمی‌شود.



۱. کفر را تعریف کنید.
۲. اقسام کفر کدام هاست؟
۳. کفر اکبر (کفر بزرگ) چند گونه است؟
۴. نفاق به چند قسم است؟
۵. آیا نفاق عملی سبب بیرون شدن از اسلام می‌گردد؟ به تفصیل بیان کنید.
۶. حکم کفر اکبر را توضیح دهید.

^۱ - متفق علیه

کفر اصغر

در درس قبلی راجع به کفر اکبر سخن گفتیم و پیرامون آن اطلاعات ضروری بدست آوردیم، در این درس در مورد کفر اصغر، تعریف، اقسام و حکم آن را بحث می‌نماییم.

تعریف کفر اصغر

کفر اصغر از گناهانی است که صاحب شریعت، از روی سرزنش و یا تهدید، آن گناهان را کفر خوانده است؛ اما به حد کفر اکبر نرسیده و به اصل ایمان منافی نمی‌باشند. این نوع گناهان باعث ضعف ایمان می‌شوند. هرگاه مرتكب این چنین گناهان توبه نکند، الله تعالیٰ اگر خواست او را جهت سزای عمل بدش، به جهنم می‌فرستد؛ اما نه به طور ابدی، و اگر الله تعالیٰ اراده کرد، وی را عفو می‌نماید.

اقسام کفر اصغر

کفر اصغر (کفر کوچک) دارای اقسام زیاد است؛ اما به صورت مختصر گفته می‌توانیم: هرگناهی که در نصوص شریعت به آن نسبت کفر شده باشد؛ ولی به حد کفر اکبر و شرک اکبر نرسیده باشد، کفر اصغر گفته می‌شود.

مثال‌های کفر اصغر

رسول الله ﷺ در یک حدیث شریف فرموده است: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقَاتُلُهُ كُفُرٌ»^(۱) ترجمه: دشنام دادن مسلمان فسق و کشتن او کفر است.

همچنان در حدیث دیگری هنگام حجه الوداع که برای مردم نصیحت می‌کرد، فرمود: «لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ»^(۲)

ترجمه: بعد از من کافر نشوید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند.

در حدیث دیگری فرموده است: «اُنْتَانِ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفُرٌ: الطَّعْنُ فِي التَّسْبِ وَالْيَاحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ»^(۳)

۱ - صحیح مسلم - (۵۷ / ۱)

۲ - صحیح مسلم - (۵۸ / ۱)

۳ - صحیح مسلم - (۵۸ / ۱)

ترجمه: در مردم دو عادتی وجود دارند که آن دو کفر است: یکی طعنه زدن به نسب و دیگر گریه سر دادن تؤمن با فریاد بر بالای مرده.

حکم این گونه کفر

صاحب این گونه کفر، نه به کفر نسبت کرده می‌شود و نه هم از اسلام بیرون می‌گردد. اما صاحب شریعت برای سر زنش و تهدید و باز داشتن مسلمانان از ارتکاب این چنین گناهانی، آن را کفر خوانده است.

فعالیت: شاگردان در میان خود راجع به تعریف کفر اصغر و اقسام آن باهم مباحثه نمایند.



۱. کفر اصغر را تعریف نمایید.
۲. چند مثال برای کفر اصغر بیاورید.
۳. حکم کفر اصغر را بیان نمایید.
۴. برای کفر اصغر چند دلیل نقلی ذکر کنید.

بدعت

شیطان همواره در صدد اغوا و گمراه کردن انسان است؛ فاسقان را به طرف بی دینی سوق داده و مردم متدين را به افراط در امور دینی و عقیدتی تشویق می کند، تا در دین چیزهای نو و تباہکن را ایجاد نماید و مردم بی خبر از دین و تعلیمات دینی، این چیزهای تازه وارد شده را جزء دین پنداشته و به هدف اطاعت از الله تعالی در معصیت و گناه غرق می شوند.

در درس حاضر پیرامون بدعت بحث نموده دلایل عدم جواز آن را از قرآن و سنت فرا می گیریم.

تعريف بدعت

بدعت یک کلمه عربی است که به معنای چیز نو پیدا و جدید می باشد. در اصطلاح شریعت اسلامی، بدعت به اموری گفته می شود که از طرف کسی ایجاد شود و به آن رنگ دینی داده شود. در حقیقت بدعت اضافه کردن چیزی در دین است که در قرآن و سنت نبوی اصل نداشته باشد.

شرح تعريف

در تعريف به سه مطلب اشاره گردیده است:

۱. بدعت در دین، به ایجاد چیز های نو، اطلاق می شود که قرآن و سنت به آن امر نکرده باشد، بدعت در امور دینی می باشد و نو آوری ها در امور دنیوی بدعت گفته نمی شود.

تفاوت میان امور دینی و دنیوی در این است که امور دینی جهت حصول اجر و طلب ثواب انجام می شود و امور دنیا از خود اهداف خاص دارد.

۲. دین در حیات رسول اکرم ﷺ تکمیل گردیده و تمام امور و احکام مورد نیاز بشر در قرآن کریم و سنت نبوی بیان شده است، بناءً مجال برای اضافه کردن چیزی در دین باقی نمی ماند.

۳. بدعت تنها به امور دینی مربوط می شود، اختراع و ابتکار در عرصه های مختلف زنده گی مانند علم و تکنالوژی نه تنها بدعت نیست، بلکه مسلمانان مکلف به تحقیق و نو آوری در علوم و فنون و تکنالوژی می باشند.

فعالیت

- ۱- شاگردان در مورد اقامه کردن دین، آوردن امنیت، تعلیم و تربیت، صحت و استقرار عدالت در جامعه بحث نموده و توضیح بدھند که چگونه این امور می‌توان از جمله عبادت پنداشت.
- ۲- چرا سازماندهی تشکیلات دولتی بدعت پنداشته نمی‌شود با آنکه در زمانه رسول الله ﷺ به این پیمانه نبود.

بدعت در عقیده

علماء و دانشمندان متفق اند که ایجاد بدعت در عقیده، حرام است و بعضی بدعت‌های اعتقادی منجر به کفر می‌گردد، در صورتی که از حکم صریح دین انکار رخ دهد. همه علماء آنرا کفر بواح (نمایان) می‌دانند؛ مانند این سخن مشرکان که الله تعالیٰ در قرآن کریم از آن حکایت می‌فرماید: **﴿وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِهِ الْأَنْعَامُ خَالِصَةٌ لِذُكْرُوْنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا﴾** [الأنعام: ۱۳۹] ترجمه: «و گفتند: آنچه در شکم‌های این حیوانات است، صرف از آن مردهای ماست و بر خورداری زن‌های ما از آن حرام گردانیده شده است.»

دلایل ناروا بودن بدعت

دلایل عدیده عقلی و نقلی به ناروا بودن بدعت دلالت دارد، که در اینجا به برخی از دلایل قاطع و صریح از قرآن و سنت بسنده می‌نماییم:

اول قرآن کریم: الله تعالیٰ می‌فرماید: **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ يَعْمَلَيْكُمْ وَرَضِيَتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيْنًا﴾** [المائدہ: ۳]

ترجمه: «امروز دین تان را برایتان کامل ساختم، و نعمتم را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را دین پسندیده تان گردانیدم»

پس کسیکه چیزهای نو را در دین پدید آورده، و آنرا از امور دین معرفی کند، به آن معنا است که دین را توسط رسول کریم ﷺ کامل نمی‌داند و از این کار بر می‌آید که گویا بعضی از بخش‌های دین را آنحضرت ﷺ تکمیل نکرده و آنرا برای این مبتدع گذاشته تا تکمیلش نماید، یا به مفهوم این آیت پی نبرده و یا در خط انکار قرار دارد.

رسول الله ﷺ در حدیثی می فرماید: «أُوصِيكُمْ بِتَقْوِيِ اللَّهِ وَالسَّمْعَ وَالطَّاعَةِ لِلْوَلَاةِ الْأَمْرِ، وَإِنْ كَانَ عَنْدَهُ حَبْشَيَاً، فَإِنَّمَا مَنْ يَعْشُ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسَيَرِي اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنْتِي وَسُنْتِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّيَّينَ، تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالْتَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُمْحَدَّثَاتِ الْأَمْرِ. فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدُعَةٍ، وَكُلَّ بِدُعَةٍ ضَلَالٌ لَّهُ»^(۱)

ترجمه: من شما را به تقوی خدای تعالی و به شنیدن اوامر و اطاعت مسؤولین امور تان دستور می دهم، اگر چه متولی امور شما یک غلام حبشی باشد. هر که از شما زنده بماند شاهد اختلاف زیادی خواهد بود. پس بر شما پیروی از سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته لازم است، این طریقه و روش را به دندهای خویش محکم بگیرید. از کارهای نو پیدا (بدعت) خودداری کنید؛ زیرا هر چیز نو بدعت است و هر بدعت ضلالت و گمراهی است.

در یک حدیث شریف ام المؤمنین حضرت عائشة صدیقه -رضی الله تعالی عنها- از رسول الله ﷺ روایت می کنند: «مَنْ أَخْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^(۲)

ترجمه: «کسی که در دین ما چیز نوی را ایجاد کند، که از اصل دین نیست، آن عمل مردود است» ناگفته نماند که هر بدعتی که در جامعه اسلامی رونما می گردد؛ یک سنت از سنتهای پیامبر اسلام ﷺ برداشته می شود و جایش را بدعتها فرا می گیرد.



۱. بدعت را تعریف کنید.

۲. از تعریف بدعت کدام مطالب بر می آید.

۳. بدعت در عقیده چگونه است.

۴. دلائل ناروا بودن بدعت را در قرآن و سنت بیان کنید.



شاگردان در مورد بدعت و خطر آن مقاله ای نوشته و بعضی از بدعتهای موجود را بیرون نویسند.

^۱ رواه احمد فی المسند وابو داود فی السنن

^۲ متفق عليه

مقام اصحاب پیامر ﷺ

۱. تعریف صحابه

صحابه و اصحاب، جمع صحابی است که به معنای دوست و همراه می‌باشد. و در اصطلاح، صحابی به شخصی گفته می‌شود که پیغمبر ﷺ را دیده، به او ایمان آورده و در حالت ایمان وفات یافته باشد. صحابه، پیروان و شاگردان پیغمبر ﷺ بوده و در نشر دین اسلام و دفاع از آن جانفشنانی بی نظیری انجام داده اند. نقش صحابه کرام رضوان الله تعالیٰ عنهم اجمعین در حفظ قرآن کریم و سنت نبوی که اساس اسلام را تشکیل می‌دهد، بسیار مهم و بنیادین است.

۲. برتری و مقام اصحاب کرام

الله ﷺ در بسا از آیات قرآن، فضیلت، مقام و منزلت صحابه را ستوده است، به عنوان مثال آیات ذیل را ذکر می‌کنیم:

أ. الله ﷺ از صحابه خشنود و راضی است و صحابه از او: در این باره الله تعالیٰ می‌فرماید: **﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾** [توبه: ۱۰۰]

ترجمه: «و پیشگامان نخستین از جمله مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان نیز از او خشنودند و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، همیشه در آن جاودان اند. این یک کامیابی بزرگ است»

ب. صفات نیک صحابه در قرآن

خداآوند متعال می‌فرماید: **﴿مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشَدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رَّغْمًا سُجَّدًا يَسْتَغْفِرُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرَضِيَّوْا نَاسًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثْرِ السُّجُودِ﴾** [الفتح: ۲۹]

ترجمه: «محمد ﷺ پیغمبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران سختگیر و با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی؛ فضل و خشنودی خدا را خواستارند؛ علامت آنان اثر سجود در چهره‌هایشان است»

ج. بر بنیاد آیات مبارکه فوق و احادیث زیادی که به مقام بلند صحابه دلالت می‌کنند، همهٔ امت اسلامی به عدالت و تقوای صحابه اجماع نموده گفته‌اند: «الصحابۃ کلهم عدول» یعنی همهٔ اصحاب، نیک اندیش و درستکارند و همگی دارای تقوای می‌باشند. و اگر کسی از صحابه گناهی هم مرتكب شده باشد، توبه کرده است و خداوند تعالیٰ وعده بخشایش گناهان را داده است. الله ﷺ می‌فرماید: **﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ أَتَبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَرِيْغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ بِهِمْ رَوُوفٌ رَّحِيمٌ﴾** [التوبه: ۱۱۷]

ترجمه: «به یقین، خدا توبهٔ پیامبر و توبهٔ مهاجران و انصار را پذیرفت. مهاجرین و انصاری که در ساعت دشوار از او پیروی کردند، بعد از آنکه چیزی نمانده بود، دلهای دسته‌ای از آنان منحرف شود؛ باز هم خداوند توبهٔ آنان را پذیرفت. چرا که او نسبت به آنان بسیار مهربان و رحیم است»

۳. ویژگی‌های صحابه

صحابهٔ کرام چنان انسانهای وارسته‌ی بی‌اند که خداوند متعال خشنودی و رضایتش را از آنان چنین اظهار می‌دارد: **﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾** [الفتح: ۱۸].

ترجمه: «به راستی خداوند از مؤمنان خوشنود شد؛ زمانی که در زیر درخت باتو بیعت کردند».

صحابهٔ کرام مقام و جایگاه بلندی دارند؛ آنان کسانی اند که خداوند متعال ایشان را برای رسانیدن قرآن و سنت پیغمبر برای امت اسلامی تا روز قیامت برگزیده است، که بدون آنها نه فهم درست قرآن به امت می‌رسد و نه تعلیمات و راهنمایی‌های پیغمبر اکرم ﷺ، به همین خاطر معتقد بودن به عدالت، صدق و تقوای صحابه، برخی از ایمان به شمار می‌رود.

۴. دوستی با صحابه

پیغمبر ﷺ در بیاناتش به مسلمانان دستور داده تا با اصحاب دوستی داشته باشند و خود را از دشمنی با آنان دور نگهدارند، چرا که جماعت صحابه در روی زمین برترین جماعت و دوستی با آنها نشانهٔ ایمان کامل می‌باشد. محبت و احترام و قدرشناسی آنها به معنای محبت و احترام به پیغمبر اکرم ﷺ و دین اوست.

به همین خاطر پیغمبر ﷺ در خطاب به عموم امت، توجه آنان را به اصحاب و جایگاه شان معطوف داشته فرموده است: «لَا تَسْبُوا أَصْحَابِيْ فَوَاللَّهِ نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنْفَقَ أَخْدُوكُمْ مِثْلًا أَخْدِ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدَّ أَخْدِهِمْ وَلَا نَصِيفَةٌ»^(۱).

ترجمه: «اصحابیم را دشنام ندهید؛ قسم به ذاتی که روحمن در اختیار اوست اگر یکی از شما به اندازه کوه احمد طلا صدقه دهد، به یک مشت خیرات آنها نمی‌رسد و نه به نیم مشت خیرات آنها می‌رسد.»

در حدیثی دیگر می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِيِ اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِي لَا تَشْخُذُوهُمْ غَرَضًا بَعْدِي فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَإِحْبَّيْهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَبِإِغْضَبِهِمْ وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ يُوشِكُ أَنْ يُأْخُذَهُ»^(۲).

ترجمه: «در باره اصحاب من از خدا بترسید! از خدا بترسید! تیر سخنان زشت خود را بسوی آنها نشانه نگیرید، اگر کسی آنان را دوست بدارد، به خاطر محبتی که با من دارد، آنها را دوست می‌دارد و اگر کسی نسبت به آنان بغض و دشمنی ورزد، به خاطر دشمنی اش با من است. کسی که آنان را اذیت و آزار دهد، در حقیقت مرا آزار داده است و کسی که مرا بیازارد، یقیناً اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ را آزرده است (او را از خود ناراض ساخته است) و کسی که خداوند را بیازارد، زود است که خداوند از اورا بگیرد، یعنی مؤاخذه کند.»

فعالیت:

در حدیث فوق پیامبر اکرم ﷺ چند نکته مهم را ذکر کرده است، در باره آنها به نوبت سخن بگویید:

۱. در باره اصحاب کرام از خدا بترسید.
۲. صحابه را هدف سخنان زشت تان قرار مدهید.
۳. دوستی با اصحاب در واقع دوستی با رسول خداست.
۴. دشمنی با صحابه به معنای دشمنی با پیامبر است.

^۱- سنن أبي داود

^۲- الترمذی

۵. بغض و کینه داشتن نسبت به صحابه، منافق است
چنانکه دوستی با اصحاب نشانه ایمان است، بد دیدن آنها منافق و سرکشی به شمار می‌رود. امام طحاوی رحمة الله می‌نویسد: (وَيُعْضُّهُمْ كُفُّرٌ وَنِفَاقٌ وَطُغْيَانٌ). یعنی بد بینی در برابر صحابه کفر، نفاق و سرکشی و طغيان است.

و بغض صحابه بدان دلیل نفاق است - که پیغمبر ﷺ فرموده است: «الْأَنْصَارُ لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ»^(۱). یعنی انصار را دوست نمی‌دارد؛ مگر مؤمن و با آنها بغض در دل نمی‌پروراند، مگر منافق.

از سوی دیگر صحابه کرام -رضوان الله علیهم اجمعین- پاسداران و مبلغان دین بودند و در مقابل کفر جهاد و مبارزه کردند، پس بغض با آنها از آن جهت منافق است که این کار از عادات و خصلتهای منافقان آن زمان بود.



۱. صحابه را تعریف کنید.
۲. در باره مقام صحابه دو دلیل نقلی ذکر کنید.
۳. حکم دوستی با صحابه چیست؟
۴. حکم بغض و دشمنی با صحابه را بنویسید.



شاگردان در باره مقام صحابه و دوستی با آنان مقاله بنویسند که از ده سطر کم نباشد.